کعب اسود

تاریخ نیشابور

تألیف

الحاکم ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن محمد بن حمدویه بن نعیم

الضبی الطهمانی النیسابوری

«تلخیص»

احمد بن محمد بن الحسن بن احمد المعروف

«بالخلیفة النیسابوری»

بسعی و کوشش

دکتر بهمن کریمی

استاد دانشکده افسری

و

عضو هیئت علمی جغرافیائی آسیائی پاریس

ناشر: کتابخانه ابن سینا ـ تهران

چاپخانه اتحاد

کتبی از مؤلف که بطبع رسیده است

شیرازنامه - ابوالعباس احمدبن ابی الخیرزرکوب شیرازی
معراجنامه- شیخ الرئیس ابوعلی سینا
نظام التواریخ- قاضی بیضاوی
جامع التواریخ- رشیدالدین فضل الله جلددوم طبع بلوشه
نهرساله ازملامحسن فیض بفارسی وعربی
الف - ترجمة الصلوة
ب - ترجمة الشریعه
ج - مفتاح الخیر
د - ترجمة الزکوة
هـ- ترجمة العقاید
ر - شرایط الایمان
ط - زادالسالکین
ح - الفت نامه
ل - آئینه شاهی
- راهنمای آثارتاریخی شیراز
جغرافیای تاریخی ایران
راههای باستانی وپایتختهای قدیمی ایران
یزدان شناخت عین القضاة همدانی
ذیل ظفرنامه شامی حافظ ابرو
کامل جامع التواریخ رشیدالدین فضل الله (در دو جلد)
(مجموع تواریخ مطبوع- کاترمر- بلوشه - برزین - یان وسایر تواریخ دیگر
که جمع آوری شده)
کتاب حاضر تاریخ نیشابور

بسم‌الله الرحمن‌الرحیم

نسخه‌ی منحصر بفرد

تقدیم ارباب فضل و ادب

کتاب حاضر تاریخ نیشابور ـ امام‌حاکم ابوعبدالله محمدبن‌عبدالله‌بن‌محمدبن‌حمدویه یکی‌از کتب‌منحصربفرد: علم‌الرجال‌علم‌تاریخ‌وجغرافیای نیشابورتااواخرقرن‌پنجم هجری قمری‌است. این‌نسخه منحصربفرد که دربورسا عکس‌برداری‌شده وبعداً اصل نسخه‌در آتش‌سوزی همان شهرازبین‌رفته ونسخه‌عکسی آنهم که بوزارت فرهنگ‌داده شده‌درفاصله وزارتفرهنگ و کتابخانه‌ملی‌بچنگال‌سیمرغ‌افتاده وبکوه‌قاف‌رفته است باتحقیق وتتبع ومطالعه‌سه‌سال بزیورطبع آراسته گردیده وبدوستدان وپاسداران علم تقدیم‌میشودامیداست برزلاتش قلم عفوواغماض کشیده وازفوائدش بهره‌مند گردند

وبالله‌التوفیق

فهرست مطالب كتاب تاريخ نيشابور

بسم‌الله الرحمن الرحیم

مقدمة المصحح

الحمدلله الموفق من‌شاء من عباده لخدمة العلم والدین ، و اشهد ان‌لااله الاالله وحده لاشریك‌له شهادة تشهد لصاحبها بحسن الیقین ؛ واشهد ان‌سیدنا محمداً عبده ورسوله الی‌الناس اجمعین ،صلی‌الله وسلم‌علیه وعلی‌آله‌وصحبه والتابعین‌باحسان الی‌یوم الدین .

سالهاست که گنجینه ها وخزائن کتب قدیمی ، مورد توجه وتدقیق علمای بزرگ دنیا و متتبعین بـا ذوق قرار گرفته وتشنگان علم و ادب و صاحبان سلیقه وقریحه برای سیراب ساختن روان وارضای غوغای درونی‌خود باین گنجینه‌ها روی آورده‌اند وهر کس بحدامکان مادی‌ومعنوی خویش‌از آن‌دریای بیکران بهره‌ای بر گرفته و بدنیای دانش تقدیم داشته است .

این ذخائر که بیشتر کتب نفیس خطی‌فارسی وعربی را تشکیل میدهد دست قهارطبیعت آنهارا ازسرزمین خـود دور انداخته‌ودر نقاطی غیرمانوس برروی هـم انباشته‌وازاین جهت‌است که محققین‌برای تتبع وبحث درباره کتابی مجبورند بیکی ازآن‌نقاط سفر کرده وازمنابع کتب آنجااستفاده‌نمایند؛یالااقل‌فهرست کتابخانه‌های مختلف را بررسی‌کامـل نموده تـااز وجـود نسخ متعدد کتاب مورد بحث اطلاع کافی بدست آورند .

یکی‌از آن نقاط که همچو دریائی ژرف این‌درر گرانبها را در اعماق خـود

پنهان داشته واز آفات زمان حفاظت کرده کتابخانه‌های استانبول‌میباشد .

درهر یك‌از این کتابخانها هزاران مجله کتب نفیس قدیمی عربی وفارسی که‌اغلب اقدم نسخ موجوده ویا نسخه منحصر بفرد دنیاست میتوان یافت کـه جز مستشرقین معدود،دیگران وبخصوص‌محققین‌ما، یااز‌وجود آنها بیخبر‌ندویادسترسی بدانها نداشتند وازاین جهت درمقدمه هیچیك‌از کتب ادبی که‌تا حال در مملکت‌ما تصحیح وطبع‌شده واقدم واصح آن دراستانبول‌موجود بوده بهیچوجه استفاده ننموده وحتی‌اسمی‌هم‌از آن‌نبرده‌اند،وهمین امرسبب شده که‌باهمه دقتی که درتطبیق مطالب بعمل آورده‌اند منظور مصحح آنطور که شاید وباید تامین نشده‌است .

این کتب‌پربها،یادر زمان‌مولف ویااند کی‌بعداز آن تحریر‌یافته واغلب‌حاوی تاریخ‌تحریرونام‌کاتب است .

ازاین‌لحاظ نگارنده باسرمایه‌مزجاة درمدت‌اقامت دراستانبول‌بکمك‌دوستان ترك و استادان دانشگاه و روسای مسئول و **مکاتبه با حضرت‌استاد فقید مرحوم قزوینی‌ازیکصدجلد کتب‌فارسی وعربی که همگی‌اقدم واصح نسخ موجوده یا نسخه منحصر بفرد دنیاست .** عکس‌برداری نموده وبرای‌استفاده علماومتتبعین میهن‌عزیز‌حاضر کرده‌امو کوشیده‌ام تابابدست‌آوردن فرصت یکی راپس ازدیگری بزیور طبع بیارایم :

کتاب‌تاریخ‌نیشابور‌امام‌؛الحاکم ابوعبدالله‌محمدبن‌عبدالله نیشابوری:

که‌مولف آن درسال۴۰۵ هجری‌قمری درنیشابوروفات‌یافته وَیکی‌ازمهمترین ونفیس‌ترین کتاب درتاریخ نیشابور است: ازهمان تعداد کتبی است که نگارنده در کتابخانه(کورسنلوجامع)واقع‌در شهر بورسا (بورسه) که این‌شهرزمانی همپایتخت ترکیه بوده‌است عکس‌برداری کرده واکنون پس از مدت سـه سال تتبع و تدوین بچاپ میرسانم .

دکتر ریچارد فرای استاد دانشگاه هاروارد (آمریکا) (۱) نیز از این نسخه عکس برداری نموده است

نگارنده استاد فرای را در دانشگاه هاروارد ملاقات نمودم و اهمیت این نسخه را که در دنیا منحصر بفرد است بایشان گفتم و تذکر دادم که من این نسخه را در تهران بطبع خواهم رسانید زیرا بمفاد «و فی التاخیر آفات» ممکن است که از آفات و بلیات زمان در امان نماند و گویا همینطور هم شد چه چندی قبل بدبختانه شنیده شد که بورسا طعمه حریق گردید و دیگر خبری دریافت نشد که این کتاب نفیس سوخته و یا مانده است

امام حاکم (۳۲۱ هجری ـ ۴۰۵ هجری) گویا کتابی نیز بعربی در دوازده جلد شامل تاریخ و جغرافیا و رجال و علماء و اسامی محلات و قراء و سایر خصوصیات شهر نیشابور نوشته بوده است که باحتمال قوی این کتاب از بین رفته و اثری هم از آن در دست نیست (۲)

کتاب تاریخ نیشابور ترجمه قسمتی از این کتاب بزرگ است که

---

(۱) در آمریکا دانشگاهی بنام هاوارد در شهر واشنگتن (D.C) وجود دارد که قسمت عمده دانشجویان آن سیاه پوست هستند و از تمام دنیا محصل میپذیرد. این دانشگاه در سال ۱۸۶۸ میلادی تاسیس شده و مزیت آن بداشتن محصل سیاه است

دانشگاه دیگری در بستن بنام هاروارد میباشد این دانشگاه در سال ۱۶۳۸ میلادی یعنی تقریباً دویست سال و کسری قبل از آن دانشگاه تاسیس شده این دانشگاه در محله کمبریج بنا شده دکتر فرای نیز استاد همین دانشگاه است در ملاقات او را مردی وارد و مطلع دیدم زبان فارسی را بزحمت حرف میزد اما باوضاع و احوال ایران وارد بود

برای اطلاع بیشتری رجوع شود بکتاب آمریکا و تعلیم و تربیت نگارش نگارنده

(۲) امام الحاکم تألیفات دیگری غیر از کتاب تاریخ نیشابور داشته است مانند فضائل الشافعی ـ فوائد الشیوخ ـ امالی العشیات ـ تراجم الشیوخ ـ علوم الحدیث ـ کتاب العلل ـ کتاب الامالی وغیر ذلک

شخصی بنام احمدبن محمدبن حسن بن احمد معروف بخلیفه نیشابوری یایك قسمت از آن کتاب بزرك راترجمه کرده و یا تمام آن کتاب را مختصر نموده است و نیز معلوم نشد که این شخص کیست و درهیچیك از تذکرهها نام اورا نیافتم .

تاریخ نیشابور حاضر دوقسمت است .

قسمت اول - شامل مقدمه مولف ـ فهرستی از اسامی مهاجرین ـ انصار ـ تابعین ـ علماء ـ فضلا ـ ادبا و سایر کسانیکه به نیسابور آمده ورفته وزیسته ومرده‌اند .

واین قسمت شامل چندین بخش است بدین ترتیب :

پس مقدمه بذکر مفاخر خراسان اشارت نموده و آیات واحادیث واخبار سلف را ذکر میکند .

آنوقت فضائل نیسابور را میگوید و توصیف میکند سپس صحابه کبار نیشابوررا شرح میدهد ویکایکرا بنام صحابی اول وصحابی دیگر وغیره توضیح تشریح می نماید از این موضوع که میگذرد درخصوص بزرگان نیشابور اعم از علما واشراف و تابعین قلمفرسائی میکند

. این طبقه بندی بترتیب از حروف الف شروع شده و بحرف (ی) ختم میشود بدینجهت برای این قسمت فهرست الفبا که مرسوم کتب جدید است بعبارة اخری فهرست اسامی رجال واماکن تهیه نشد چه درهریك ازطبقات خود مولف این سبك را رعایت کرده و هرطبقه را ازالف (احمد) شروع وبه (ی) (یحیی) ختم نموده‌است

مولف کتاب سعی کرده است که تمام خصوصیات افراد را ذکر کند . اگر سفری کرده یا کتابی نوشته و حتی اگر نزد عالمی تلمذی نموده‌اند یادآور شود و حتی المقدور نگذاشته است مطلبی فوت گردد

قسمت دوم - شرح بناهای نیشابور ومساجد وقلاع وقصبات ومقابر آن است

البته مختصرتر. بدین‌ترتیب(۱) .

ذکر بناء قهندز وشهر قدیم ومفاخر و اوضاع محلات وباروها وواديها - بناء شهرقدیم - حفرخندق - ارتفاع زمین - قری و قنوات - محلات شهر - فتح نیسابور - مفاخر نیسابور قدیم - مقام خدام نیشابور - روایات دیگری ازاین قبیل

برای قسمت دوم این کتاب فهرست اسماء رجال واماکن تهیه شد.

ناگفته نماند که درحد امکان ظرف مدت سه سال تتبع وتحقیق بعمل آمد تا نسخه ای صحیح و بدون غلط تقدیم ارباب فضل وادب گردد : ولی چون نسخه منحصر بفرد آنهم عکس برداری شده وازطرفی چون دسترسی بنسخه اصلی نبود باز اغلاطی در طبع پیدا شد.

این نیزباید گفته شود که بعضی از مطالب مقدمه این کتاب مستفاد از رساله استادبارتولد ترجمه فاضل محترم آقای حمزه سردادور شده است.

در خاتمه باید از زحمات آقای رمضانی مدیر کتابخانه ابن‌سینا که سالهای متمادی در راه نشروتوسعه فرهنگ زحمات فراوان کشیده ورنج بسیار برده و این کتاب هم یک نمونه از فرهنگ پروری ایشان است تشکر کنم.

وهمچنین بنوبه خود ازچاپخانه صبح امروز و کارکنان آن سپاسگزاری نمایم

امیدوارم که صاحبان فضل وادب از زلاتش غمض عین فرمایند

والله المستعان وعلیه التکلان

تهران - دکتر کریمی

(بهمن میرزا)

هفتم مهرماه ۱۳۳۷

(۱) نگارنده درسال ۱۳۱۳ کتابی بنام شیراز نامه تالیف ابوالعباس احمدبن ابی الخیر زرکوب شیرازی بهمین سبک وبهمین روش تصحیح نمودم و بامقدمه مفصلی درشرح شیراز وبناهای قدیمی آثاروابنیه وسایر خصوصیات آن شهر بطبع رسانیدم

خراسان[1]

درباب اینکه مهاجرت آرین‌ها از قسمت شرقی بسمت غربی ایران در چه تاریخ وبچه منوال بوده مااطلاع نداریم اولین دفعه که نام مدیها ذکرمیشود درسال (۸۳۵ قبل از میلاد) درکتیبه سالمانسار دوم پادشاه آشوراست وضمناً معلوم نشده که آیامدیهاازنژاد آرین بوده‌اند ویااینکه فاتحین آریائی اسم ساکنین سابق مملکت را اختیار کرده اند اسامی خاص آریائی فقط درکتیبه‌های سارگن (۷۲۱-۷۰۵ ق-م) دیده میشود ونیزمانمیدانیم که آیا مهاجرت آرین‌ها فقط ازراه شمال یعنی همان راهی که مدیها رفته بودند بعمل آمده یااینکه از راه جنوب هم که از سیستان بکرمان واز آنجا بفارس میرفت صورت گرفته‌است . شق اخیر ظاهراً بیشتر قریب بصحت است

هردوت گوید: هندوس‌ها (دراصل متن، دروسیایوی) وکرمان‌ها (دراصل متن-کرمانی اوی) درجزو ایرانیانی بشمار میروند که در فارس سکونت اختیار کرده بودند یعنی تمام قسمت جنوبی ایران کنونی را یك شاخه ازایرانیانی که خودرا پارسه مینامیدند اشغال کرده بودند چون مدیها در ورود بعرصه تاریخ بایرانیان سبقت جستند لهذا احتمال کلی میرود که مهاجرت از راه شمالی زود تر بوقوع پیوسته است .

مقتبس از کتاب جغرافیای تاریخی استاد بارتولد ترجمه فاضل محترم آقای حمزه سردادور

خاموش کند در دوره هخامنشیان این مملکت اهمیت بزرگی نداشت .

استرابن گوید: سلاطین ایران درمواقع سیاحت وگردش در ممالك خود سعی می کردند که حتی الامکان زودتر ازپارت بگذرند زیرا ولایت مزبور بواسطه فقر و بی‌چیزی قادرنبود آذوقه موکب پرجمعیت شاهان رافراهم سازدولی بواسطه همین فقر ولزوم دفع حملات کوچ‌نشینان ملت پارت نسبت بطرز زندگانی ساده جنگجویانه که ایرانیان مترقی‌داشتند وفادارمانده و بعد از سقوط دولت هخامنشی پارت ها همان عناصر سالمی بودند که موفق شدند مجدداً دولت ایرانی مقتدری تشکیل داده وحتی بااحراز موقعیت حملات جهانگیرانه‌روم رادفع کنند،جبال بلخان بزرك و کوچك وکوه کورن داغ وکپت‌داغ وجبال خراسان که امروز سرحدبین ایران‌وروسیه است سرحدطبیعی بین ترکستان وحوضه بحرخزررا تشکیل‌می دهند .

گرزن گوید: هیچ چیز نمی‌تواند بامنظره تیره‌وتار این کوه‌های بی‌ثمرکه جز گیاه هرزه در آنها نروید وفقط چشمه‌های‌معدودی‌از آنهاجاری‌است‌طرف‌مقایسه واقع شود.

درعهدقدیم وهکذا درقرون وسطی سکنه واحه های واقعه درامتداد دامنه ـ های این جبال را ایرانیان تشکیل می‌دادند ولی بدیهی‌است که واحه های مزبور بواسطه موقعیت‌جغرافیائی خودناچارمیبایستی‌غالباً مورد حملات متعددکوچ‌نشینان ترك واقع شده وبتصرف آنان درآید از همین تساریخ است که این سرزمین باسم ترکی (اتك) ویابطوراصح (ایتاگ) که‌بمعنای ولایت‌دامنه‌کوه پایه‌است‌نامیده شد.

ازجمله بلاداین سرزمین درقرون‌وسطی ازنسا وابیورد بیش ازسایربلاد اسم می‌برند .

شهرنسا درنزدیکی عشق آباد کنونی واقع بود وابیورد دراین زمانهم بشکل قریه کوچکی در ده فرسنگی عشق آباد پابرجاست .

رباط فراوه (افراوه) که عبدالله بن طاهر درقرن نهم میلادی بناکرده و مرکب ازسه قلعه متصل بهم بوددر ناحیه نسا بفاصله چهارروزراه ازشهر نساواقع بود ازاین رباط راه مستقیمی از وسط صحرابشهر گور گنج (درنزدیکی شهر قدیمی اور گنج کنونی) می رفت .

درفوق گفته شد که (اتک) بواسطه موقعیت جغرافیائی خود معرض تاخت وتاز کوچ نشینان آسیای وسطی واقع میشد علاوه بر آن ملوك آسیای وسطی یعنی ملوك خوارزم که نزدیك ترین همسایه آتك بودند همواره برای تصرف این ولایت میکوشیدند.

هرودوت می‌نویسد: ماخبری میخوانیم که هنوزبطور رضایت‌بخش توضیح نشده است این خبرراجع است بهوادیی که محصور بجبال بوده و پنج معبر داشته و روداکسس ازوسط آن جاری بوده وبین ممالك خوارزمیان وهیر کانیاوپارت‌ها وسرنگان وتمانیها واقعشده ودرابتدا تعلق بخوارزمیان داشت

خبرفوق میرساند که مدتها قبل از تشکیل هخامنشیان سلطه خوارزمیان تا ولایت جنوبی صحرا هم بسط یافته بود.

درقرن دهم میلادی نوح‌بن منصور سامانی نسا را بمامون حکمروای قسمت شمالی خوارزم وابیورد رابه عبدالله خوارزمشاه فرمانروای خوارزم جنوبی بخشید لکن عبدالله بواسطه مخالفت ابوعلی سیمجور که امیرخراسان بود بتحصیل این عطیه نائل نگردید.

پس از آنکه درقرن دهم میلادی صفحه خوارزم در زیر سلطه مأمون که لقب خوارزمشاهی را اختیار کرده بود متحد گردید **نساوفراوه** درتصرف خوارزمیان(۱) بود تازمانی که سلطان محمود غزنوی درسال ۱۰۱۷ میلادی خوارزم را مسخر ساخت بعد که درسال ۱۰۳۵ میلادی ترا کمه درتحت ریاست سلجوقیان بخراسان هجوم آوردند سلطان مسعود غزنوی مجبور گشت که نساوفراوه را بآنها واگذار نماید.

درقرن دوازدهم میلادی که سلسله جدید خوارزمشاهیان قوت گرفت شهرنسا قبل ازسایر بلاد خراسان درجزو قلمرو آنان در آمد درتاریخ این دوره اسم شهر دیگری بنام شهرستان ذکر میشود که درسرراه خوارزم بنسا وبفاصله یك فرسنك از نسا درکنار ریگزار واقع بود.

یاقوت که بسال ۱۲۲۰ میلادی در آنجا بوده تعریف می کند درحوالی شهرستان بواسطه قرب ریگزار باغاتی وجودنداشت ومزروعات درمسافت بعیدی دور ازشهر واقع بودند ولایت خوارزم بعداز قتل وغارت مغول اگر دوره کوچکی را درقرن چهاردهم بحساب نیاوریم تا زمان استیلای ازبك ها در اوایل قرن شانزدهم سلسله مستقلی نداشت.

درقرن شانزدهم وهفدهم بلاد (اتك) معمولا در زیر سلطه ازبکهای خوارزم بودند بطوریکه ابوالغازی شهادت میدهد درآن زمان برای تشخیص اتك کلمه (تاغ بویی) (طرف کوه) مصطلح بوده واین کلمه درمقابل سوبویی (استعمال) میشد که سواحل جیحون یعنی خوارزم درمعنای اصلی کلمه بدین نام معروف بود.

درعین حال خوانین خیوه همواره ساعی بودند که طوایف ترکمن را مطیع خود سازند وطوایف مزبوره که درقرن شانزدهم تمام ساحل شرقی بحر خزر را تا

---

(۱) این خوارزمشاهیان باسلسله خوارزمشاهیان که سرسلسله ایشان اتسز خوارزمشاه وآخرین ایشان سلطان محمدوسلطان جلال الدین خوارزمشاه است و بدست چنگیزخان منقرض شده اند فرق دارند ودوسلسله مجزی هستند، ایشان خوارزمیان ومأمونیان اند.

گرگان متصرف بودند بعدها که اقتدار شاهان ایران وخوانین خیوه رو بضعف گذاشت تدریجاً سلطه خودرا روبطرف شرق تامرو بسط دادند .

شاه عباس کبیر (۱۵۸۷ ـ ۱٦۲۸ میلادی) بنابروایت ایت : درواقع ازاتک صرفنظر کرد هرچند که جانشینانش ملوك ازبك را اسماً باج گزار ومطیع خود نمودند .

شاه عباس برای صیانت مملکت ازتاخت وتاز تراکمه ازبکان تصمیم بدان گرفت که اکراد جنگجورا ازولایت غربی بدین سامان کوچ دهــد و براثراین تصمیم پنج ولایت کرد نشین درامتدادسرحد از (استرابادتا چناران) تشکیل دادو از ولایات پنجگانه مزبوردر این زمان سه ولایت یعنی بجنورد و قوچان ودرگز باثرجـا است و ضمناً حکومت درگز نه با سلسله کردی بل باخاندان ترك است . مقتدرترین حکام مزبور که حکمران قوچان است بلقب ترکی ایلخانی ملقب شد .

قوچان درقرون وسطی باسم خبوشان (هر چند که درکتاب مقدسی بشکل خوجان دیده میشود) معروف بوده است .

ایزیدور خاراکسی ذکرمیکند که : درقرن دهم میلادی شهر قوچان مهمترین بلاد ناحیه استوابود و استوا مطابق آستابنه و یاآستاسنه است .

درقرن دوازدهم درددوره ترقی خوارزمشاهیان قوچان یکی ازمهمترین نقاطی بود که درسرراه قسمت مرکزی خراسان واقع شده بود شهر مزبور درکسب اهمیت خود علاوه بـر مـوقعیت جغرافیائیش مرهـون حاصلخیـزی بـرجسته حومـه خود بود .

کرزن مینویسد: ولایات شمالی ایران درحاصلخیزی و خوبی شرب اراضی بهتر ازقوچان ولایتی نیست، کوچ دادن اکراد ازتاخت وتازتراکمه جلوگیری نکرد این دوحریف لایق هم بودند وهیچ یك از طرفین نمیتوانستند بفتح قطعی نائل شوند

کردها فقط می‌توانستند مزارع اتك واتار ومار کرده انتقام تـراکمه را از ایـن راه بکشند

شیرقوچان درسال ۱۸۳۳ میلادی که‌عباس میرزا بدفع فتنـه ایلخانی اشتغال داشت‌وبعددرزلزله‌های۱۸۵۱ و۱۸۷۲میلادی صدمه‌های فراوان‌دیده‌است

کرزن نقل میکند: جمعیت شهر به ۱۲۰۰ نفر نمی‌رسید زلزله سال ۱۸۹۵ میلادی بکلی شهر را خـراب کرد وقوچان جـدید در دوفرسنگی شهـر قـدیم بناشده است.

نقطه سرحدی دیگر که با نام نادرشاه توأم‌است قلعه مهم کلات است که در آنجادست‌طبیعت قلعه کوهستانی صعب‌الوصولی بنا کرده است محوطه‌ای که‌قریب به ۲۵۰۰ فوت ازسطح‌دریا ارتفاع‌دارد دارای ۲۰میل انگلیسی طول‌وقریب‌به ۵الی۷ میل‌عرض وازهرطرف محصوربدیوار طبیعی است که از قلعه‌ها و صخره‌های تیز و عریان‌بارتفاع ۷۰۰ الی ۱۰۰۰ فوت ازسطح وادی تشکیل‌یافته است.

ـ این‌دیوار فقط‌دارای دو معبرتنك میباشد ولی علاوه بر آن راه باریکی از کمرکش جبال‌موجود است‌که میتوان بقلعه داخل‌شد، دروازه عمده بدربندارغون شاه‌یعنی بنام‌بانی خودکه روی‌یکی ازصخره‌های صاف نقش کرده وازبنای خودذکر میکند معروف میباشد.

کرزن ودیگران این ارغون شاه را همان ارغون خان مغول ایران (۱۲۸٤ـ ۱۲۹۱ میلادی) میدانند درباره ارغون‌شاه مینویسند که‌وی قبل‌ازجلوس بسلطنت‌از عموی خود احمد شکست‌خورده ودر کلات پناهنده‌شد لکن قلعه‌درزمان‌وی‌خراب بودوهمین که‌عساکر احمدنزدیك قلعه‌رسیدند ارغون‌بدون مقاومت‌باحمدتسلیم‌شد. حدسی‌که بیشترطبیعی‌بنظر میرسداین است‌که در اینجا مقصود ازارغون شاه پادشاه

محلی و پدر علی بیگ بود که باتیمور محاربه کرده است.

شرف الدین گوید: تیمور در سال ۱۳۸۲ میلادی قلعه را محاصره کرد و در ضمن تفصیل محاصره از چند دروازه اسم میبرد که یکی از آنها در بند ارغونشاه است. علی بیگ اظهار اطاعت کرد ولی بعد به تیمور خیانت ورزید و تیمور در مقابل کلات قلعه قهقهه را بین کلات و ابیورد وظاهراً درجائیکه امروز ایستگاه راه آهن باسم قهقهه واقع است بنا نهاد.

نادر ازموقعیت قلعه کاملا استفاده نمود وازآن زمان وی قلعه باسم کنونی کلات نادرشاه یا کلات نادری موسوم گردید.

گرزن می نویسد: که نادر میخواست در آنجا قلعه غیر قابل تسخیری ایجاد و خزائن امنی برای گنجینه هائی که ازهندوستان آورده بود دائر سازد شرح و تعریف قلعه کلات در کتاب واسیل واتاس سیاح یونانی که معاصر نادرشاه بود مندرج است. بنابقول سیاح مذکور نادرشاه میخواست شهری ایجاد کند که نظیر نداشته باشد وتمام اهالی شهر بتوانند آنچه را که میخواهند بدون احتیاج باخارج وارده از خارج درخود شهر بیابند برای استهلاک مخارج ساختمان شهر غنائم هند بکار رفت صخره ها را از خارج وداخل تراشیده و هر کجا که احتمال حمله میرفت برجهای باستانی بنا کرده بودند.

بعد از نادرشاه کلات تا سال ۱۸۸۰ میلادی تحت حکومت خانهای کوچکی که اسماً مطیع ایران بودند بماند وتا زمان تحدید سرحدات روس و ایران در سال ۱۸۸۱ میلادی ابیورد و اتك در جزو خاك مزبور بودند.

کرزن قسمت کوهستانی غرب خراسان را بشرح زیر تعریف میکند:

چند رشته جبال متوازی درسمت شمال غربی بطرف جنوب شرقی کشیده شده سلسله‌های شمالی را دره‌های عمیق وتنکی که‌درقعر آنها سیلاب صدا میکند از یکدیگر جداکرده ودرسمت جنوب‌جای دره‌ها را وادی‌هائی گرفته که رودهای کوهستانی ازوسط آنهاجاری وقراء ودهات‌در آنجاواقع شده و گاهی جلگه‌های وسیع وپرثروتی‌دیده‌میشود مانندجلگه قوچان‌در شمال وجلگه نیشابور درجنوب بینالودکوه

سلسله های جبال را دره هائی در طول کوه قطع میکنند وهمین دره‌ها راه ارتباط‌بین وادیهامیباشند دره‌ها اغلب‌منظره طبیعی‌زیبائی تشکیل‌داده وصورت یك سلسله مواقع‌صعب‌الوصولی را دارند. مشکل‌است در جائی‌ازدنیا جبالی باشد که بخط برف دائمی‌رسیده و تااین درجه پرده‌های زیبائی ازطبیعت‌وحشی کوهستانی جلوه گر سازند

در بالای سلسله‌های بلندتر آثارمسکین‌ترین نباتات‌کوهستانی بندرت‌دیده میشودزراعت فقطدر قعروادیها مقدور است‌ومنوط‌بوجودچشمه‌سارهای قلیلی‌است که‌آب آنها رابرای‌شرب اراضی قابل‌زرع آورده‌اند هردهی گوئی‌واحه ایست که‌در زمینه خاکی‌رنك‌کویر واقع‌شده‌است

اراضی مزرعه دردامنه جبال‌هم دیده میشود واز دامنه‌های جبال چشمه-هائی بوادی سرازیر میشوند و بطوریکه فریه تعریف میکند در مرتفع ترین نقاط‌هم زراعت میکنند اراضی‌مزروعه که‌دردامنه‌های کوه‌واقع است به صفحه‌های جداگانه منقسم گردیده وعده قراء در این وادی بواسطه وفور آب بیش از سایر نقاط است

دراینجا هم‌مثل‌سایر‌نقاط ایران‌سبزه‌زاریکسره‌دیده‌نمیشودوقطعات آبادیفاصله‌های مختصری ازیکدیگر واقع‌شده‌اند رودی‌که ازپهلوی‌نیشابور میگذرد بمناسبت مزه

شور و تلخ‌آبش بشوره رودمعروف است

نیشابور باندازه‌ای دچار زلزله و معرض حملات خانه‌خراب‌کنی واقع گردیده که شکل کنونی آن، هم ازحیث وسعت وفضا وعده نفوس بقدری باپایتخت قرون وسطی خراسان فرق دارد که تحقیق وتشخیص نقشهٔ آن بامشکلات بزرگی توام است .

مختصری از تاریخچه نیشابور

بنای این شهر ظاهراً درزمان ساسانیان بدست شاپور اول یاشاپور دوم شده است چنانکه مورخین و جغرافیون نقل کرده‌اند. این‌شهردرسال (۳۳۰ میلادی) پایتخت ناحیه ابرشهر بوده ویزدگرددوم این شهررامحل اقامت خودقرارداده و **بورجاین مهر** که یکی ازسه آتشکده معروف ساسانیان باشددر نزدیکی این‌شهر قرارداشته‌است

شهرمزبور درسال (۳۱هجری) (۶۵۱ میلادی) بدست اعراب افتاده ودرسال (۳۲هجری) (۶۶۲ میلادی) حکومت این نـاحیه (منظور نـاحیه خراسان است که مرو وبلخ وغیره جزوآن‌بوده) بدست غیث‌بن‌الحسام که یکی‌ازاشخاص معروف آن زمان‌بوده است اداره‌شده واین‌خود دلیل آنست کـه ناحیه خراسان تـاقبل ازقرن (دوازدهم هجری) (هجدهم میلادی) وسعت زیادتری را ازطرف مشرق دارا بوده و مرو وهرات وبلخ نیز جزواین قسمت بشمار میرفته ولی‌فعلانیشابورتنها شهری‌است که جزوناحیه خراسان محسوب می‌شود و تقریباً تاچند سال‌بعد از واقعه مذکور اطلاعات راجع‌به نیشابور جزئی‌است

در اوائل قرن هشتم میلادی ابومسلم خراسانی نهضتی در خراسان بـرضد خلافت بنی‌امیه ایجاد کرد ودرسال (۱۳۱ هجری) (۷۳۸ میلادی) داخل نشابـور شد وحاکم آن شهر گردید ودرمدت حکومت خود مسجدی درنیشابور ساخت ولی در سال (۱۳۸ هجری) (۷۵۳ میلادی) او را در بغدادبتحریك منصور خلیفه مقتول ساختند

پس‌ازاین قضیه خراسان دراوائل قرن (سوم هجری) (نهم میلادی) درحیطه اقتدار طاهربن حسین درآمد

طاهرحاکمی‌بودکه ازطرف مامون‌خلیفه درسال (۵-۲هجری) (۸۲۰میلادی) در قسمت مشرق ایران حکومت میکرد ودر زمان او و اولاد ش ناحیه خراسان حالت استقلال بخودگرفت/وعبدالله‌بن طاهر نیشابور راپایتخت‌خود قرارداد و باغ معروفی بنام شادیاخ درآنجا ساخت و در زمان او بودکه شهر نیشابورفوق‌العاده اهمیت پیداکرد وساختمان جدید ودهات زیاد دراطراف آنشهر بناگردید

دراواخرقرن‌مزبور سلسله‌صفاریان خراسان‌رادرتحت تصرف گرفتند ودرسال (۲۷۹ هجری) (۸۹۲ میلادی) عمروبن‌لیث صفاری حکومت آنرا عهده دارشد واو نیزنیشابور راپایتخت خودقرارداد

اطلاعات کافی بما نشان میدهد که عمارات زیاد بشهر مزبور اضافه شده و تغییراتی درجامع آن رخ داده است

بعداز عمرولیث خراسان بدست سامانیان افتاد و در این موقع نیز نیشابور کماکان پایتخت بودوتنها ناحیه مرکزی‌خراسان بشمارمیرفت ازشهرستان‌نیشابور زمان ساسانیان شرح مفصلی توسط ابن‌حوقل واستخری نقل شده‌است واین‌اشخاص چنین می‌نویسند :

که شهر مزبور دارای سه میل طول و سه میل عرض بوده (هرسه میل یك فرسنگ) وبچهل پاسگاه تقسیم میشده است‌کوچه‌های‌آن صاف وتقریبا عده‌آنها به پنجاه میرسیده واین کوچه‌هایکدیگر راطوری قطع میکردندکه چهارراه‌های‌متعدد تشکیل میدادند (برعکس عقیده اغلب ازمستشرقین‌که‌کوچه های قدیمی بعضی‌از شهرهاهمیشه‌کوتاه‌ودارای اعوجاج بوده)؛ این کوچه‌ها بسیارمستقیم ومطابق‌اسلوب

معماری ساخته شده بود خودشهر نیشابوربسه قسمت تقسیم میشده‌است

۱ــ شهر خاص

۲ ــ نواحی‌خارج شهر

۳ــ پاسدارخـانه ها

۱ ــ شهر خاص : دارای برج وحصار وچهار دروازه بوده و در خارج شهر پاسگاهها واقع شده‌که آنهانیز دارای دروازه‌ها بودند وخرابه‌ انها باغلب احتمال همـان تپه‌الب‌ارسلان‌است

قسمت خاص‌شهر‌عبارت بود ازتمام نواحی‌خارج‌که دارای دیوارها بوده‌است واینجاست، که مسجد جمعه نیشابور دیده میشود : وعمرو‌بن‌لیث صفاری ستون های چوبی آنرا تبدیل بستونهای اجری نموده و سه رواق در اطراف حیاط مسجد ساخته وآنرا یکی از بهترین ساختمانهای مهم که دارای کاشیکاری مذهب میباشد نموده است

این مسجد دارای یازده در با ستون‌هائی از مرمز سیاه و سفید بوده و تمام آنهابانضمام طاق مسجد نقاشی‌ومجسمه‌کاری شده بوده است و نـزدیك آن محوطه بازار وخانه حاکم شهر قرار داشته که بتوسط عبدالله بن طاهر بنا شده و بدست عمرو‌بن لیث صفارمرمت گردیده است .

نزدیك بازار بزرك شهر بازارکوچك‌دیگری بوده‌که محبس ها درآن قرار داشته‌است واهمیت این‌بازارها از نظر تجـارت‌بسیارمهم بوده واینکه شهر مزبور ونواحی خارج آنرا دیوارها احاطه کرده دلیل براین بوده است‌که مردم احتیاج بامنیت وحفاظت داشته‌اند

چون درشهرنیشابور خاص بنای قابل‌ذکری ساخته نشده است میتوان‌آنرا دلیل براین دانست‌که باوجودیکه شهرمزبوربتوسط ساسانیان بنا شده ولـی کم‌کم

بواسطه انقراض سلسله مزبور شهر متارکه گردیده و بنای مهمی در آن بناشده است. و آنچه بعدازاسلام در این ناحیه بناگردیده درخارج شهر خاص بوده است ولی این تنها یك قضیه بیش نیست و تاکتشافات بیشتری ازجهت حفاری در نیشابور بعمل نیاید نمیتوان این قول را قبول کرد و نیز گفته سایکس را نمیتوان معتمد شمرد

پس از ساسانیان حکومت خراسان بدست غزنویان افتاد و بعد از یك قرن نیشابور در حیطه اقتدار سلجوقیان ترك درآمد و طغرل بیك (۴۲۹ هجری) (۱۰۳۷ میلادی) شهر را گرفت و پایتخت خود قرار داد و الب ارسلان برای مدت کوتاهی در آنجا اقامت کرد

در زمان سلجوقیان نیشابور اهمیت فوق العاده ای بخود گرفت و برای باردوم اهمیت سابق را مجدداً احراز کرد. ۱

درزمان خواجه نظام الملك وزیر الب ارسلان وملکشاه نیشابور اهمیت بسیاری بدست آورد و تقریباً دارالعلم شد ومدارس متعدد در آن بناشد و مرکز علم و نظامیه ای در آنجا ایجاد گردید.

نیشابور دراین زمان دارای سیزده کتابخانه بوده که مهمترین آ نها پنج هزار جلد کتاب داشته است.

عمر خیام شاعر ودانشمند و فیلسوف ومورخ وریاضی دان عصر در آنجا زندگی میکرده است.

درسال (۵۳۰ هجری) (۱۱۳۵) میلادی نیشابور بواسطه زلزله خراب شد و شهر مزبور درسال (۵۳۸ هجری) (۱۱۵۳ میلادی) آتش گرفت ودر همین موقع بود که طعمه غارت ترکان غز واقع شد و شهر را اهالی بکلی ترك کردند و شهر دیگری در حومه محل سابق که عبدالله بن طاهر ساخته بود بنا نمودند.

یاقوت: شهر مفصلی راجع باین ناحیه ذکر میکند و این واقعه را بسال (۶۱۳ هجری)

(١٢١٦میلاد) میداند .

این شهر بعدا بدست چنگیز و یارانش از بین رفت و ساکنین نیشابور شهر دیگری در شمال شرقی ساختند

حمدالله مستوفی درسال (٧٣١هجری) (١٣٣٠میلادی) و ابن بطوطه طنجی درسال (٧٥٧هجری) (١٣٥٥ میلادی) شهر نیشابور را دیده و آنرا یکی از پر جمعیت ـ ترین شهر هـای ناحیه خراسان دانسته و از مسجدعالی و چهار مدرسه آن نقل میکنند .

عقاید مورخین وعلما و مستشرقین درخصوص تاریخ نیشابور قدیم

نیولدکه گوید:

راجع به‌نشابور قدیم قبل‌ازاسلام همینقدر معلوم است‌که ابرشهر نام داشته ونام‌کنونی رایکی‌ازسلاطین ساسانی یعنی‌شاپور اول(قرن سوم‌میلادی) ویاشاپوردوم (قرن چهارم میلادی) بآن داده‌است .

مطلب اخیرعقیده‌ای راکه غالباً اظهارمیشد راجع باینکه نیشابور همان‌شهر نسایای پارت است تردیدمی‌کند درزمان ساسانیان وهم در دوره امرای اول عـرب شهرعمده خراسان مروبوده نیشابور فقط درزمان سلسله‌طاهریان‌درقرن نهم‌میلادی اهمیت‌یك پایتخت‌راکسب نموده است.

آوازه شهرت نیشابور باصیت اشتهار عبدالله‌بن‌طاهر (۸۳۰ـ۸۴۲ میلادی) برابراست

بنابرقول یعقوبی مورخ :

عبدالله طاهر طوری درخراسان‌حکومت کرده‌که قبل‌ازوی‌کسی نکرده بود چه وی بتامین تمام منافع دهاقین پرداخته است و آنچه مهم است بامروی مجموعه قواعدی‌برای استفاده ازشرب مصنوعی اراضی ترتیب داده شد.

بالاخره عبدالله در نظریه و عقاید خود راجـع باهمیت علم از عصرخود فرسنگها جلو افتاده و عقیده داشت که باید عمـوم آرزومندان دسترس

وسیعی بساحت علم داشته باشند وتشخیص لایق و نالایق به پیشگاه خودعلم واگذار شود .

سلسله سجستانی صفاریان هم که طاهریان را درسال (۸۷۳میلادی)ازسلطنت خلع کردند پایتخت خود رابنشابور انتقال‌دادند .

عمرولیث صفاری بسال (۹۰۰میلادی) ازاسمعیل‌بن احمد سامانی شکست خورد وازآن پس خراسان درجزو مملکت سامانیان درآمد وچنان که معلوم‌است پایتخت سامانیان بخارا بود . واراضی جنوب آمو دریا (جیحون) درتحت سلطه امیرمخصوص بودکه لقب سپهسالار داشت ودرنیشابورمقیم بود . (استاد بار تولد)

جغرافیا نویسان ، نیشابور دوره سامانی رامفصل تعریف کرده‌اند : شهر در جلگه ولی بلاواسطه درقرب‌کوه واقع‌شده‌بود .

ابن رُسته

جنب شهر ازیکطرف کوه بلندی سرکشیده بود محوطه شهرطولا وعرضاً یك فرسنك وخود شهر مانند سایر بلاد بزرگ آسیای وسطی مرکب بود : از قهندز یعنی ارك ــ وشهرستان یعنی شهرــ وربض یعنی خارج شهر .

ارك‌جز وشهرستان‌نبود ولی‌بین‌آن وشهرستان فقط خندقی حایل بود .

در قرن‌دهم میلادی شهر بواسطه ترقی‌تجارت وصنعت به ربض‌که در قسمت جنوبی شهر واقع بود منتقل گردید .

اصطخری

درضمن توصیف بازار های نیشابور مینویسد که بازار در سمت‌شمالی شهر تاراس القنطره میرسیدوپیش‌ازآن درجزودروازه های شهرستان‌که مانند شهرهای بزرك چهارباب بود از دروازه راس‌القنطره اسم میبرد عدهٔ دروازه های ربض بسیار زیاد بود .

مقدسی گوید:

در بازار فزون از پنجاه مرکز بصورت میدان چهارگوشی موسوم بمربعةالکبیره بود که از آنجا بهرچهار سمت ردیف دکاکین و کاروانسراها ممتد میشد بدینطریق: بسمت شرقی تاپشت مسجد جامع بسوی شمال تاشهرستان بطرف غرب تاپشت میدان چهار گوش کوچك «مربعةالصغیره» وجنوب تامقابر اولاد حسین؛ بازار امتداد داشت .

در قسمت غربی در نزدیکی میدان کوچك قصری بود که عمرولیث میدان الحسینین بناکرده بود وهم درجنب قصر زندان واقع شده بود

مسجد جامع رامینویسند که دراردوگاه قشونی واقع شده بود

مقدسی

شرحی درتوصیف این بنانوشته است که نقل میشود:

مسجد جامع مرکب از شش قسمت بودعمارت عمده مسجد که منبر امام در آنجا بود قسمتی از انرا در اواسط قرن هشتم ابومسلم خراسانی مسبب سلطنت عباسیان ساخت وقسمت دیگرش را دراواخرقرن نهم عمرولیث صفاری بناکرد بنای ابومسلم به تیرهای چوبی وبنای عمرولیث بستونهای مدور آجری متکی بود .

در اطراف این قسمت سه رواق ودر وسط آن گنبدی ساخته بودند رواقها دارای یازده درب وستونهائی ازمرمر رنگارنك.

قنواتی راکه بشهر آب میدادند غالبا زیر زمین میکشیدند. عده پله هائی که برای رسیدن بآب پائین میرفتند گاهی بصد میرسیددرخارج شهر آب درسطح زمین جاری وبرای شرب اراضی بکار میرفت · شهر بداشتن پارچه های ابریشمی و نخی معروف بود

وبطوریکه اصطخری میگوید این پارچه هارا بماوراء ممالك اسلامی هم حمل میکردند

ابن حوقل

دکاکین ومهمانخانـه های نیشابور مملو از نمایندگان صنایع مختلفه بـود در حوالی شهر مس و آهن و نقره وفیروزه ومعادن دیگراستخراج میکردند معادن فیروزه‌که درکوههای واقعه در ٣٦ میلی شمال غرب‌نیشابور در سرراه قوچان است تا بامروز در اهمیت خود باقی وددرنیا یگانـه معادن فیروزه است .

نیشابور درزمان غزنویان وسلجوقیان هم باوجودیکه بعضی ازسلاطین‌اخیر مرورا ترجیح میدادند معهذا مهمترین شهرخراسان بود .

درسال(١١٥٣میلادی) نیشابور معرض قتل‌وغارت عشایرغز گردیدکه برعلیه سلطان سنجر شورش کرده‌بودند .

غزها شهرنیشابور را غارت‌کرده وخراب نمودند خاقانی‌شاعرمعروف بطوری‌مبالغه کرده و می‌گوید که‌وقتی اهالی بعد از رفتن دشمنان بشهر برگشتند نمی‌توانستند مساکن خودرا‌بیابند .

شهر جـدیـد در سمت غربـی شهر قدیم در محل موسوم به شادیاخ آبـاد شده است.

محله شادیاخ درزمان سابق هم دایر بودو آنرا عبدالله بن‌طاهر بناکرده بود.

یعقوبی

درشادیاخ تپه بزرگی بودکه برروی آن ارگی ساخته بودند درهمان قرن مذکور نیشابور بواسطه موقعیت جغرافیائی سعادتمند خود بسر منزل رونق وتعالی رسید وابنیه وعمارات تمام محوطه را ازتپه تا خط قدیم اشغال کرد

یاقوت :

نیشابور دوباره اعمر بلادالله گردید وپرثروت ترین‌وپرجمعیت‌ترین بلادشد .

مقدسی

نیشابور انبارگاه مال التجاره فارس وکرمان و هند یعنی ولایات جنوبی و همچنین ری‌وجرجان وخوارزم بود

یاقوت

علت ترمیم سریع وتجدید عمارت شهررا همان موقعیت جغرافیائی آن میدانند نیشابور در حکم دهلیز المشرق بود و کاروانیان نمیتوانستند از کنار آن گذشته و وارد شهر نشوند .

قتل عام چنگیزخان (۱۲۲۱ میلادی) بمراتب بدتر ازحمله غز بودشش ماه قبل از این واقعه داماد چنگیزخان هدف تیرو کشته شدبدین جهت تولوی پسرچنگیز شهر رامحاصره کردو آنچه اهل شهر عجزوالحاح والتماس عفو کردنداثر نداشت وردشد شهربه یورش متصرف گردید وتمام سکنه آن باستثنای چهارصد نفر صنعتگر که باسیری بردندبقتل رسیدند

ابنیه وعمارات شهررا ازبیخ خراب وزمینش را شخم کردند ودرمحل خرابه های شهرچهارصد نفرمغول گماشتند تابقیه السیف اهالی راکه توانسته بودند درموقع قتل وغارت پنهان شوند معدوم سازند.

دستجات مغول چنگیزخان درخراسان پایدار نشدند وجانشین چنگیزخان مجبور شد دوباره مملکت رامسخر سازد مقاومت بیفایده فقط مانع از آن شد که جراحات وارده به مملکت ازحمله مغول التیام پذیردوشهرهای خراسان پیش از بلاد ماوراالنهر بحال خرابی ماندند.

پس ازانقراض سلسله خوارزمشاهیان خراسان ابتدا امارت مخصوصی بود که ملك مشترك سلسله مغول محسوب میشد فرمانروای خراسان راخان بزرگ معین میکرد ولی نمایندگان وجوه رجال خاندان خان نیز همراه فرمانروا بودند .
دراواسط قرن سیزدهم میلادی که مغولها سلطنت مخصوصی درایران تشکیل دادند خراسان هم بدان ملحق گردید.

حمداله قزوینی مستوفی:
اداره کشوری ومالی مخصوصی داشت‌عایدات این ملک درجزو عایدات عمومی سلسله مغول در ایران محسوب می شد.
بعدازسقوط سلسله مغول ایران نیشابور (درحدود عشر سوم قرن چهاردهم میلادی) درجزوقلمرو سلسله سربداران که در سبزوار تشکیل یافته بود درآمد درسال (۱۳۸۱ میلادی) آخرین نماینده این‌سلسله‌بطیب‌خاطر اطاعت تیموررا گردن نهاده وبدین جهت نیشابور بی‌رحمی های این جهانگشا رانچشید رونق هرات در دوره تیموریان واهمیت مذهبی‌شهردرزمان صفویه‌می‌بایستی که‌نیشابوراتحت‌الشعاع قرارداده‌باشد لیکن تااواسط قرن هجدهم نیشابور شهر مهمی‌بود تا اینکه بدست احمدشاه افغان خراب وویران‌گردید.

استادبارتولدگوید :
بعد ازاین قتل وغارت یك منزل قابل سکونت درشهرنمانده بود احمد شاه شهر را به عباسقلی خان شاهزاده ترك داد وی برای تعمیر وتجدید عمارت آن اقدامی کرد.
دراواخر همان‌قرن نیشابوربتصرف قاجاریه درآمدمساعی‌عباسقلیخان‌وکسان دیگراهمیت سابق‌شهرراعودت ندادند.

فریزر:
درسال (۱۸۲۱میلادی) طول‌باروی شهر/۴۰۰۰ قدم بوداگرتمام این محوطه مسکون‌می‌بودعده‌نفوس آن‌به۳۰هزاریا۴۰هزارمی‌رسیدلیکن‌قسمت‌عمده شهرخراب بود ایرانیان خانه‌های مسکون شهررا قریب بدوهزارباب می‌دانستند لیکن فریزر ازروی تاثیراتی‌که شهر دراو بخشیده بودتصور میکندکه عده‌نفوس ازپنجهزارنفر تجاوزنمیکند.

استاد بارتولد گوید:

پارچه هائی که در شهر می‌بافند فقط برای حوائج محلی تهیه می‌شد یگانه جنس صادره فیروزه بود .

فریه

عده نفوس شهر از ۸۰۰۰ متجاوز نبوده وضع دیوارها کلی وخراب وبدبود خندق آب نداشت ارك بشکل خرابه افتاده بود حدود بازارها و مسجد جامع وسعتی نداشت.

در زمان سیاحت گرزن معلوم نیست از روی چه مقصودی مشغول تعمیر دیوارهای بکلی بیفایده خراب شهر بودند گرزن احتمال می‌دهد که در زمان وی جمعیت شهر به ۱۰۰۰۰ نفر رسیده بود.

راجع به آثار قدیم نیشابور تحقیقات ومفصلی دردست نیست. دراین باب فریزر ودر زمان اخیرهم ایت بعضی اطلاعاتی می‌نویسند از اطلاعات تاریخی ووضع کنونی شهر فقط این مطلب مستفاد می‌شود که شهر مانند مرو وبلخ ازسمت شرقی بغربی متصل شده است بلافاصلـه در سمت شرقی شهر کنونی خرابه هائی نمایان بوده که قسمتی از گل و قسمتی از آجر بوده

استاد بارتولد

ارك شهر سابق دراین مکان بوده

فریزر نمینویسد :

که بلندی هم دراین مکان بوده یانه

بطوریکه ایت تعریف میکند :

خرابه‌های مزبور دیگر وجود ندارد وآثار شهر سابق بفاصله یك میل انگلیسی درسمت جنوب شرقی شهر کنونی شروع می‌شود در زاویه جنوب غربی خرابه های

مذکور ارك برروی تپه بلند واقع است .

ایرانیان به فریزر گفته بودندکه ارك نیشابورقدیم که دردوره سامانیان بنا شده بوددراین مکان بوده ولی‌مشکل است‌این‌مطلب اساس داشته باشد.

مقبره فریدالدین عطارصوفی معروف‌که درموقع تصرف شهر بدست مغولها مقتول گردیده پهلوی زاویه جنوب شرقی ارك‌واقع‌است سنگی از مرمرسیاه‌که خط فارسی روی‌آن نقش کرده‌اند دروسط‌دیوار آجری‌واقع‌شده.

این مقبره یگانه اثری است‌که از قرون وسطی درنیشابور باقیمانده وممکن‌است تاریخ‌بنای‌آن‌بصحت معلوم شوداین‌مقبره رادرزمان سلطان حسین بایقرا قرن یازدهم میلادی‌وامیرعلیشر شاعر و وزیر معارف پرور معروف‌که در ادبیات فارسی مخصوصا ترکی‌معروف‌ومشهوراست‌بنانهاده‌ونیزمقبره یکی‌از آل‌علی که‌درقرن‌شانزدهم میلادی شاه طهماسب صفوی ساخته درهمان نزدیکی است .

استادبارتولد گوید :

امامزاده محمد محروق برادرعلی‌بن‌موسی‌الرضاکه قبرش مهمترین زیارتگاه است دراین مکان مدفون است .

پهلوی این مکان‌مقدس دروسط باغی‌که درختانش‌بهم پیچیده وعلفهای هرزه درآن‌روئیده. مقبره عمر خیام منجم‌وشاعرفکرآزاداوایل‌قرن‌دوازدهم‌میلادی واقع شده است .

اینک بطور مختصر ترجمه‌ای از گزارش هیئت اعزامی موزه متروپولتین آمریکا را ذیلا درج میکنیم :

از گزارش هیئت اعزامی اینطور بنظر میرسد که هیئت نامبرده بیشتر در آثار قدیم بخصوص دوره ساسانیان توجه داشته و اگر هم حفاری در اطراف نیشاپور نموده‌اند و اشیائی بدست آورده بواسطه این بوده است که هیئت مزبور میخواسته‌اند در اطراف شهر قدیمی نیشابور که بدست شاپور اول و یا شاپور دوم ساسانی ساخته شده بود کاوش نمایند ولی درضمن کاوش آشیائی بدست آمد که ابداً مربوط بدوره قبل از اسلام نبود واثری از شهر نیشابور قبل از اسلام بدست نیامد (دوره ساسانیان) و گزارش که هیئت مزبور میدهد عبارت است :

۱ ــ شرح مختصری از تاریخ نیشابور

۲ ــ شرح ظروف سفالین و کتیبه‌های پیدا شده دراین ناحیه

۳ ــ مختصری از نوع و تاریخ سکه‌های مکشوفه و خلاصه هر یك از آنها

۱ ــ هیئت نامبرده در شش موضع نزدیك نیشابور فعلی (همان نیشابور حمدالله مستوفی و ابن بطوطه طنجی که از آن نقل کرده‌اند) شروع بحفریات نموده و کاسه و کوزه و کتیبه‌هائی بدست آورده‌اند که مطابق ریز جداگانه بعضی از آنها در موزه ایران باستان و برخی دیگر در موزه نیویورك ضبط است.

تاریخ این اشیاء را هیئت مزبور از روی سکه‌هائی که بدست آمده تا حدی توانسته‌اند معلوم دارند ولی بطور یقین نمیتوان ذکر کرد که خرابه‌های فعلی که هیئت مزبور مشغول حفاری‌اند متعلق بکدام دوره است و برای اثبات این مطلب لازم است که هیئت نامبرده عملیات بیشتری دراین ناحیه بنمایند و شاید بعدها بتوان بطور یقین تاریخ حقیقی این خرابه‌ها را معین نمود

در اینجا بی تناسب نیست که از نوع ساختمان و رنگ آمیزی کاسه‌ها و کتیبه‌های پیدا شده و سکه‌هائیکه از این سرزمین بدست آمده‌است و تا حدی بتاریخ قدمت کاسه‌ها و خود خرابه‌ها کمك کرده ذکری بشود .

کاسه‌هائیکه از این ناحیه بدست آمده اکثر ظریف و دارای لبه‌های نازك و ته‌های محکم‌اند و درساختمان و رنگ آمیزی آنها استادی و مهارت کامل بکار رفته واغلب آنها از گل سرخ ساخته شده و دربعضی از آنها خط کوفی که بارنگ سرخ شفاف وحاشیه سیاه است دیده میشود وازهر حیث بی‌شباهت بکاسه‌های سمرقند نیست ولی بعضی دیگر از این کاسه‌ها دارای حاشیه سفیدی که در روی زمینه قهوه‌ای رنگ آمیزی شده وشبیه بکاسه‌های ساوه وسامره وحیره‌اند دیده میشود واین کاسه‌های اخیر را می‌توان بقرن دوم هجری (هشتم میلادی) نسبت داد ونیز کاسه‌های بسیار قشنگ وظریفی بدست آمده که ازهر حیث شباهت کامل بکاسه‌های عصر ساسانی دارد و از این رو می‌توان گفت که نفوذ ساسانیان دراین ناحیه بعد از اسلام بوده است وکاسه‌های دیگری که نفوذ چینی را نشان میدهد بدست آمده است والبته نباید تعجب کرد زیرا که نفوذ چینی دراین سرزمین و آنزمان بسیار بوده چه تاریخ بما نشان میدهد که در زمان سلطنت (تانگ) کوزه سازی وصنایع دیگر چینی درعراق وایران ومصر رونق یافت و ما بخوبی میدانیم که درزمان سلطنت این پادشاه وسعت چین بترکستان

رسید و رابطه چینیها با خلیج فارس بسیار بودوهمینکه چینی‌ها با اعراب مـواجه شدند زیاد بن صالح آنها را در رودخانه تالاس نزدیك تاشکند شکست داد وبقول خود اعراب بیست‌هزاراسیرازآنها گرفت وبگفته ثعالبی این چینیها بساکنین سمرقند کاغذسازی راتعلیم دادندوبگفته ابن فقیه همدانی این اسرا اغلب صنایع خودرا باهالی خراسان آموختند و از این رو نفوذ صنعت چینی وبخصوص کاسه‌سازی درایران دیده میشود ولی رویهمرفته ثابت‌شده‌است که این ناحیه کمتر درتحت نفوذ صنعت خارجیان مانند عراق و سامره ونقاط دیگر واقع شده و کاسه‌های نیشابور دارای ممیزات خاص ومشخص است که اصلی ومتعلق بهمین ناحیه است وشاهد بتوان گفت که اولین کاسه های دوره اسلامی است

۲ـ درناحیه سبزپوشان چندین سکه بدست آمده که کومك فـوق العاده‌ای بتاریخ اشیاء پیداشده نموده‌است مثلا دریك ناحیه ۹ عدد سکه بدست آمده که ۷عدد از آنها بین سنوات (۱۵۳ـ۲۰۰هجری) (۷۷۰ـ۸۱۵ میلادی) است و یـکی از آنها متعلق بعهد طاهریان ویکی درحدودسال (۵۹۸هجری) (۱۲۰۰ میلادی) است ودو عدد سکه دیگر بدست آمده که تاریخ آن (۱۵۳هجری) (۷۷۰ میلادی) است واز روی این سکه می‌توان حدس زد که تاریخ ساختمان اولیه این ناحیه (درنیمه دوم قرن دوم هجری) (هشتم میلادی) بوده است و از این ساختمان دیوار جنوب غربی که محراب درآن ناحیه قرار گرفته بود و شاید دیوار غربی دیوار ا طـاق باقی مانده باشد و این ساختمان را درقرن (سوم هجری) (نهم میلادی) ـ خسارتی وارد آمده و آنهم درمواقع وکشمکش سلسله طاهریان با صفاریان بوده است وپس ازساختمان وتعمیر دوباره دیوار محراب بدو تقسیم شده ومحراب را دوباره کرده بطوریکه یك گنبد دراین محل ایجاد شده است ودراین جا کتیبه‌ها ونقاشی‌های عهد سلجوقی بدست آمده و تصور

میرفت که سلجوقیان در ساختن این بنا شرکت داشتند چه طغرل بیك (۳۲۹هجری)
(۱۳۰۲ میلادی) سلطنت سلجوقی را بدست آورد ودرسال (۵۰۰ هجری) (۱۱۳۵
میلادی) نیشابور را پایتخت قرار داد ودر حوالی این محل تپه ایست که بنام
تپه‌ی الب ارسلان معروف است ولی بیشتر این نظریات حدس است مقرون یقین
وپس از دقت ومطالعه معلوم میشودکه ممیزات ساختمان تپه **سبز پوشان** ابداً
شباهتی به ساختمان زمان سلجوقی ندارد واگر نظری بقبرجلال‌الدین‌در **اوزکند**
ترکستان شود (۵۳۷ هجری) (۱۱۵۲ میلادی) وبا مقایسه از حیدریه قزوین بعمل
آید (قرن ششم هجری) (دوازدهم میلادی) اختلاف ساختمان این ناحیه با زمان
سلجوقیان بخوبی معلوم خواهد شد وتا حال چیزی بدست نیامده که شباهت تام به
سبزپوشان داشته باشد مگرچند طراحی ازکتیبه مسجد نائین که شباهت به کتیبه
این محل دارد اگرچه ساختمان آنهم بکلی متفاوت بـا این ناحیه است چه بعضی
ممیزات مخصوص این‌ناحیه مثلا اگر حروف گنبد مسجد نائین را که باخط
کوفی نوشته شده و بخصوص درکلمه (الاخرین) آن نگاه کنیم یك رابطه
وشباهتی بکلمه‌ای که در کتیبه سبز پوشان نوشته شده است دارد

فرق عمده در طراحی است نه خطاطی چه درکلمه(یوم‌الدین) دال آنها با
هم فرق دارد بدبختانه تاریخ ساختمان نائین‌درست معلوم نشده و(Flury) (فلوری)
تاریخ آنرا بقرن دهم نسبت‌میدهد واو حدس از روی شباهت خطاطی این ناحیه
با سامره وابن‌تولون درقاهره است وبعلاوه درسبز پوشان سکه یا علائم دیگری به
دست نیامدکه از سلجوقی باشد چه سکه های بدست آمده را میتوان بسه دوره
تقسیم نمود

اول ـ قرن دوم وسوم هجری ـ قرن هشتم ونهم میلادی

دوم - نیمه دوم قرن چهارم هجری - نیمه قرن دهم میلادی ...

سوم- قرن ششم‌بیعد - دوازدهم‌بیعد

وچون دوره‌اول‌مهمند ومطابقت باسایرعلایم‌میکنندمیتوان گفت که سکه‌های دوره سوم ازدست رعایا کـه درحدود قرن دوازدهم وسیزدهم میـلادی در اطراف این ناحیه بوده‌اند افتاده زیرا شهر نیشابور پس ازغارت غزها بمحل دیگر انتقال یافت وتنها سکه های دوره دوم مهمند که در زمان صلح و صفـا و زمان حکومت محمد بن سیمجور که از طرف منصور اول ونوح دوم در آنجـا حکومت میکرده بوده است .

پس کتیبه‌های سبزپوشان بین‌سنوات(۳۰۵-۳۲۱هجری) (۹۶۱-۹۸۱میلادی) نوشته شده است.

خلاصه سکه‌های پیدا شده

از ۱۸سکه پیدا شده درسبزپوشـان ۳۱ سکه‌آن تاریخ دوم وسوم هجری ـ (هشتم ونهم میلادی) رادارد ودوسکه‌آن متعلق باواخرسامانی است وچهار سکه‌آن تاریخ معین‌ندارد.

از ۱۳ سکه تپه الب ارسلان ۹ سکه‌آن متعلق بقرن هشتم ونهم وبقیه بدون اهمیت اند .

خلاصه ازروی سکه هائیکه توسط ابومسلم بـاسم عبدالرحمن ضرب شده و سکه محمد المهدی که حکومت افتخـاری نیشابور را داشته (۱۳۱-۱۵۱هجری) (۲۵۸ - ۲٦۸ میلادی) وازسکه ضرب شده دربخارا (۱٦۰هجری) (٦۲٦میلادی) توسط عبدالمـالك‌بن یزید الخراسانی که حـاکم نیشابور بوده ودیگر ازموحدین

مد

مسلم وسایر سکه ها که در این ناحیه پیداشده است میتوان ثابت کرد که ساختمان وتعمیرات این ناحیه در این قرن بوده است اطلاعات بیشتری در این باب منوط باکتشافات بیشتری است.

تهران ـ دکتر بهمن کریمی

اول مهر ماه ۱۳۳۹

بسم الله الرحمن الرحیم

رب یسر وتمم

حمد و سپاس لایق بعد دانفس و انفاس خـلایق مرخالـق قـدیم راکـه جواهر روحـانی و عناصر جسمانی از مکامن عدم در میادین وجود ، بقدرت بدیع ابداع کرد . وبسایط فسطاط خضرا ، وبساط بسیطه غبرا را محتوی برغرایب حکم بحکمة منیع اختراع فرمود . وباختلاف احوال سال بشتا ومصیف ، واتفاق ایام ولیال بربیع و خریف صحاری و براری وجبال و تلال آنرا مظهر اطهار اجناس از هار ، و انتشار انواع انوار ساخت . وبـابنات نبات در مراتـع اوساط بسیط و حواشی آن بطیب هوا و تطییب غـذا برصنوف و افراد رواتـع و حواشی خصوصاً درخراسان، خورآسان کرد، و قطر نسابورصینت عن الفتور باعتدال هوا وفسحت فضا و نزهة اماکن وخلقة معادن براماکن ومساکن اقطار هردیار فضیلت بخشید ، وطینت طیبه وتربت طاهره آنرا منبعث اولیاء کرام و اصفیاء عظام وعلماء هداة وادباء ثقاة داشت .

درود بیغایت و سلام و تحیة بی نهایت کی آن خلص کرام باوقات ولیالی وایام باد فره نثار ، نثار آستانه نبوت حضرة سید المرسلین و شفیع المذنبین و رحمة للعالمین و خاتم النبین صلوة الله وسلامه علیه و علی آله وصحبه اجمعین کردند سبب رفعت مقام ، وقربت علی الدوام ، و حلول منازل هدایـة عظمی ، و صعود مدارج ولایـة کبری ایشان گردانید : صلوة الله و تحیاتـه علی المصطفی حبیب الله محمد النبی الامی و علی آله و اصحابه اجمعین.

غرض ازعرض این تقریب آنکه در سالف زمان، وسابق اوان وقرون ماضیه،

سنه ثمان و ثمانین و ثلثمائه. شیخ اسلم واسوة اولیای کرام سلطان المحدثین برهان المحققین امام حاکم شیخ ابوعبدالله النیسابوری رضی‌الله عنه. بوصف نسابور قدیم، کتابی کریم بلغت فصیح صریح، ثبت فرموده‌اند، و مقصود اعظم و مقصد اهم از آن کتابهٔ ذکر اسامی کرام صحابه وعظام تابعین و اولیاء و اصفیاء امت است کــه بآن بلدهٔ نفیسه وارد و صادر شده‌اند ودرآن شهر نشو وظهور یافته وبذکروقت ولادة، وصفت نشاة، وبیان نسبت، وارادة وسلوك وریاضة، وکیفیة صحبت وخلوة، و شرح کرامــه و مدة حیوة و سنه وفــات و مدفن هریك از آن اربــاب الباب، آن کتاب باجار ده مجلد اطناب یافته و برسبیل مذییل و طریقه تطویل بعضی از اوضاع شهروبانی‌وبنا وبنیان وتقلب احوال و ظهور دین اسلام و اسلامیان بس اوصاف معابد ومساجد وبعضی مفاخر و مآثر آن بیان‌فرموده، و باشاره‌آیه وحدیث نفیس وآثار ائمه کبارموشح گردانیده، بعدهابعضی‌ازاجله‌کرام‌و ائمه اسلام رضی‌الله عنه وعنهم از آن‌کتاب نفیس مختصری هم بعبارة تــازی مشتمل براسامی کرام اولیا و اعــلام اصفیا وبعضی از آن مذیـلات انتخابی فرموده بعدالاستجازت آن اختصــار را بآثار سلف بطریق ایجاز بعبارت فارسی ترجمه اتفاق افتاد مگرآیات تنزیل و احـادیث نبیل که بهمان‌نظم‌فصیح‌صریح کتابهٔ یافت‌ورمزی ازآن بفارسی معروض گشت.

نکتهٔ که کشف‌بعضی‌مقاصد آن‌کتاب بآن‌منوط وفهم مرادبآن مربوط است، آنست که بعرف فصحان عرب‌وسکان‌غرب، خراسان عبارت ازطرف شرق است تاغایت که: خوارزم و ماوراء النهر و حوالی آنرا خراسان خوانند و دیگر آنك هرمتکلم بلغت اهل خراسان را بفارس نسبة دهند و فارسی گویند هر چند اصطلاح این دیار خراسان عبارة از این بعضی اماکن معینه و فــارس اشارة بآن بعضی بلاد معلومــه است جنانج سلمان رضی‌الله‌عنه باآنك اتفاق جمهور است که از اصبهان بود واصبهان

از عراق عجم است ایشان را بفارسی وصف فرموده‌اند وکلی این کلمات ترجمه کلام آن امام است قدس سره و اگر احیاناً بروجه تقریب و محل تاویل حکایتی یا روایتی ازجانبی دیگر ذکر کرده شود بر آن تنبیه خواهد شد وبالله العصمة والتوفیق

ذکر مفاخر خراسان باشارت آیات و احادیث
و اخبار کبار سلف

عن ابی‌هریره رضی‌الله عنه فلمانزلت هذه‌الایة « و آخرین منهم لمایلحقوا بهم» کلهم‌فیهاالناس فاقبل رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم‌الی‌سلمان فقال هم قوم هذا.«لوکان‌الدین بالثریالناوله رجال‌هوالاء»

امام حاکم فرمود که این حدیث در صحیح امام مسلم قشیری رضی‌الله‌عنه مذکور است مفهوم آیة و ماقبل آن والعلم عندالله : اوست آن خدائی که بعث‌فرمود درعرب رسولی از ایشان که میخواند برایشان آیات او ، وپاك میگرداند ایشان را از اعتقادات و اعمال خبیثه ، و تعلیم میدهد ایشان‌را قرآن و احکام شریعت و سنة ، و بدرستی که بودند ایشان پیش از آن بعثت در ضلالی آشکار و درکسان دیگر یعنی بعث فرمود در عرب و درکسان دگر آن رسول را و آن کسان دگر قولی است که همه مؤمنان‌اند که بعداً از صحابه پیدا آمدند و پیدا آیند تا قیامت. وقولی دیگر آنست که مراد عجم است بدلیل آنك چون این آیة نازل شد صحابه در آن سخن گفتند و دوبار یا سه بار از حضرة‌صلوة‌الله‌علیه وسلامه علیه سؤال کردند سلمان فارسی رضی‌الله‌عنه حاضر بود حضرة‌صلوة‌الله‌علیه وسلم دست‌مبارك برسلمان نهادند وفرمودند این وقوم او، ودرحدیث که مذکور شد چنین است که آن گروه‌قوم این اند. اگرایمان معلق بودی بپروین هر آئینه دریافتی اورا مردانی ازقوم‌او

وجهی‌دیگر درآیه آنست که بعث فرمود رسولی که تعلیم میدهد ایشان‌راقرآن

وسنت وتعلیم میدهـد آن کسانرا قرآن و شریـعت وسنة وتحقیق آیه چنان‌مینماید
که هرپاك وعالم بکتاب وسنة که بود وباشد تاقیامت پاك کننده وتعلیم فرمایندهٔ همه
نورمقدس حضرت مصطفی اند صلوة‌الله‌وسلامه علیهم بسلمان فارسی ویادکردن‌ایشان
قوم اورا اشارت است بهمه کسانی کـه بفارسی سخن میگویند تااقصی بلاد خراسان
این آیه درشان این‌جماعت نازل است.وایضا درحدیث است که . چون حضرةصلوةالله
وسلامه علیهم این آیت خواندندکه: ان‌تتولوایستبدل قوم غیرکم‌ثم‌لا یکونواامثالکم
مفهوم آیه والعلم عندالله اگرروی بگردانید یعنی از ایمان وطاعة بدل آورد خدای
تعالی قومی غیر شما . پس نباشند ایشان امثال شما یعنی روی ازایمان نبگردانند و
طاعت کنند. صحابه گفتند یارسول‌الله کیستند آنها که بدل ما بیاورند ونباشد امثال‌ما
حضرت‌صلوه‌الله وسلامه دست مبارك بران سلمان‌زدند پس‌فرمودند هذاوقومه این
وقوم‌او. لوکان‌الدین عندالثریالناوله رجال من‌الفرس اگر بـودی دین نزدیك پروین
هر آینه فرا گرفتی آنرا مردانی ازفرس یعنی‌فارسیان

الاحادیث

عن ابن عباس. قال ذکرت فارس عندالنبی صلوةالله وسلامه
علیه‌قال‌فارس عصبتنا اهل‌البیت قلنا ولم یا رسول الله قال‌لان
اسمعیل عم‌ولد اسحق ـ واسحق‌عم‌ولد اسمعیل

عبدالله عباس رضی الله عنهما فرمودکه ذکرکرده شد فـارس پیش حضرت
نبی‌صلو ةالله وسلامه علیه فرمودندکه‌فارس عصبهٔ ما اندااهل البیت ، گفتیم چرا یا
رسول الله فرمودند برای آنك اسمعیل عم فرزندان اسحق اند، و اسحق عم فرزندان
اسمعیل. عصبه‌اقربا را گویند که ازطرف پدرباشدچون‌برادر پدر و مادری وپدری و
پسران ایشان وعم همچنین وپسران ایشان گویدکه‌این‌طایفـه از اولاد اسحق انـد
علیهما السلام.

عن ابی هریره: قال رسول الله صلوة الله و سلامه علیه اعظم الناس نصیبا فی الاسلام اهل فارس
مفهوم حدیث والعلم عندالله بزرگوارترین آدمیان بجهت نصیب در اسلام اهل فارس اند.

آثار سلف عظام رضی عنهم

حضرت امیرالمؤمنین علی کرم الله وجهه فرمودند: والعلم عندالله ترجمه این است بدرستیکه خدایرا بخراسان شهریست کـه آنـرا مرو گویند اصلی آن ذوالقرنین کرد وعزیر علیه السلام در آنجا نماز گزارد در آن جویهاء آب روان نهاده وزمین آن گشاده برهردری ازدرهاء آن ملکی شمشیر کشیده دفع میکند از آن شهر بلارا تاروزقیام ساعت. وبدرستیکه خدایرا بخراسان شهریست آنرا طالقان گویند چه گنجها استدر آن شهر، لا از نقره و زر لکن مردان ایمان دار بدین پرور، ایشان درمصلی بطاعت قائم وخلق دربستر نائم. وبدرستیکه خدایرا بخراسان شهریست که آنرا اشاش گویند قایم اودرحجرات ونائم درجامه خواب همچون مجاهد آلوده بخون استدر راه خدای بطلب ثواب. وبدرستیکه خدایرا بخراسان شهریست که آنرا بخارا گویند وچه مردانند ببخارا ایمن ازفریاد هنگام فتور، ساعة اندوه خندان ازسرور ، خوش باد بخارا رااطلاع فرمایند: خدایتعالی برایشان هرروز اطلاعی پس بیامرزدهرکس راکه خواهد از ایشان و توبه قبول کند از هرکه توبه کند از ایشان. و بدرستیکه خدایتعالی را بخراسان شهریست آنرا سمرقند گویند بنانهاد آنرا شمربن برعش در گذرد خدایتعالی از گناهان ایشان وقبول کند فریاد و انـدوه ایشان منادی می کند بایشان هرشب منادی خوش باد شما را وخوش باد شمارا جنة عیش خوش و گوارنده باد سمرقند را ، وهرکه را درحوالی اوشت ایمن آید ازعذاب خدای تعالی در روز قیامت . اگرفرمان برید سیدٔ کریم را صلوة الله و سلامه علیه، پس فرمودند حضرت

امیرالمؤمنین کرم الله وجهه خادم خاص خود ابن کوا رضی‌الله عنه که ای ابن کوا
چندست میان فوشنج وهرات گفت شش فرسخ فرمودند نی بل هفت فرسخ است زائد
نیست یك میل و کم نیست یك میل. همچنین خبر کرد مرا خلیل من یا حبیب من صلوة
اللهعلیه بعد از آن فرمود بدرستیکه خدای تعالی رابخراسان. شهریست آنرا طوس
گویند وچه مردانند بطوس مؤمنان درمیان ایشان است حجة قائم باشد بطاعت او
واحیا کنند سنت نبی او صلوة‌الله وسلامه علیه. وبدرستیکه خدایرا بخراسان شهریست
آنرا خوارزم گویند نائم او در و همچون قائم است در درازتر ایام تابستان.
بدرستیکه خدایرا بخراسان شهریست آنرا جرجان گویند خوش است زرع او ، سبز
است صحرای او و کوههای او، کثیرست آبهای او، وسیع است برخورندگان مایه‌های
او، اوامر خدا را متر صد ، و بطاعة او متعبد خوش ایشان را و خوش ایشان را .
اگر ایمان آرند و طاعة دارند. و بدرستیکه خدایرا بخراسان شهریست آنرا
قومس گویند وجه کوهها است برجوانب قومس. و بدرستیکه در قومس اعتبار
و منزلتست ارباب الباب را .

وامام شعبی رضی‌الله عنه گفت نرود شبها و روزهاتا منتقل نگردد علم بخراسان
و عبدالله عباس رضی‌الله عنهما گفت چون برون آید علماء سیاه ازخراسان آن
مار است اهل البیت.

و روایة است از شریك بن عبدالله که او گفت خراسان کنانهٔ خدای است
عزوجل در زمین او . پس چون غضب فرماید خدایتعالی برقومی تیرزند
ایشان را بکنانهٔ خویش و عبدالله مبارك گفت که بیرون نیامد از
خراسان علمی که باز گردانیده شده باشد پیش از آنکه فتح و نصرت یابد و
امیرالمؤمنین علی کرم‌الله وجهه فرمود که بدرستیکه مر پدرما ابراهیم را علیه السلام

نشانها بود در کوهها خراسان ، بآنجا آمدی و آنجا مسجد بنانهاد ، و آثار ایشان اینجا پیداست و عبدالله عباس رضی‌الله عنهما در مسجد حرام غریبی دید فرمود کـه بگوی ازکدام شهری گفت ازاهل‌خراسانم گفت ازکدام شهری گفت ازهراة گفت از کدام موضع هراة گفت از فوشنج گفت مرابراهیم را علیه‌السلام دو مسجد بود مسجد حرام یعنی درمکه و مسجد فوشنج . پس‌از درختی کـه نزدیك مسجد بودی پرسید فوشنجی گفت درخت برحال خودست . فرمودکه پدرم عباس بن عبدالمطلب رضی‌الله‌عنه مرا گفت کـه‌بسیار در سایهٔ آن درخت چاشتگاه خواب‌کرده‌ام.

ذکر فضائل نیسابور شیخ ابن جریح ازکبـارتـابعین فرمودنـد کـه بهتریـن خراسان نیسابوراست پرسیدندکـه برای خود فرمودید گفت‌بل که‌شنیده‌ام درحدیث، امام‌حاکم فرمود این‌آن‌حدیث است کـه مروی‌است ازابن‌مخارق عن‌النبی صلوةالله‌وسلامه علیه : قـال‌خیرخراسان‌نسابور و روایت است ازشیخ ابراهیم بن طهمان وایشان‌نیز ازکبارتبع‌تابعین‌اندکه خیرخراسان‌نسابوراست وشیخ‌عبدالله مؤذن‌نسابوری رحمه‌الله گفت حضرت‌خواجه را صلوةالله وسلامه‌علیه بخواب دیدم‌کـه فرمودندکـه من‌این انت ازکجائی‌تو ، گفتم از نسابور فرمودند صلی‌الله علیه و سلم‌نعم‌البلد نسابور . نیك شهریست نیشابور

ذکر صحابهٔ کبار رضوالله‌علیهم به نیسابور رسیده‌اند یا گذشته‌اند یاساکن شده ورو‌ضهاء مبارك‌ایشان آنجاست:قال‌صلوةالله‌وسلامه‌علیه مامن احـد من اصحـابی یموت بارض الابعث قایداً او نوراًلهم یوم‌القیامة : العلم عندالله فرمودندکه نیست هیچ یکی از اصحاب ماکه فوت شود درزمینی‌مگر که‌برانگیزند اورا پیش‌رو اهل‌آن زمین یانور ایشان روزقیامت. راوی‌راشك است‌که قاید فرمودند یانور فرمودند

امام حاکم فرمود که هر کدام از صحابه که بمرو یا هرات یا بلخ یا بخارا یا سمرقند فرود آمده‌اند بنیسابور آمده‌اند در رفتن و آمدن و یا رفتن یا آمدن .

اول ـ ابوالفضل عباس بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف عم حضرت خواجه ما صلوة الله وسلامه علیه و حاصل قصهٔ ایشان آنست که ایشان اول عمر تجارت میکردند واز دیار مکه بخراسان میآمدند واجناس بزازی از خراسان میبردند و تردد ایشان بهراة و فوشنج بود .

عبدالله عباس رضی الله عنهما گفت پدرم مرا خبر کرد که او بسیار بزیر درخت خواب چاشتگاه میکرد عبدالله عباس مردی رادید از خراسان گفت از کدام شهر خراسانی گفت از اهل فوشنج گفت آن درخت که در کوه اسفار (؟) است میدانی گفت بلی همچنان است گفت که پدرم گفت که بسیار آنجا خواب چاشتگاه کرده‌ام و فرمود که پدرم رخت بزازی از خراسان بمکه میبرد ابن مخلد میگوید که شیخ من بمکه مرا گفت کسی رادید جامهای عجیب نه برسم اینجا پرسیدم که کیست گفتند عباس بن عبدالمطلب عم خواجه ما صلوة الله وسلامه علیه از ایشان پرسیدم که این جامه از کجاست فرمود که بهراة بودم از آنجا آوردم این جامه‌ها را

صحابی دیگر: بریدة بن حصیب بن عبدالله اسلمی چون حضرة خواجه ما صلوة الله وسلامه علیه از غزاء بدر مراجعت فرمودند او اسلام آورد و آخر در مرو فوت شد و نزدیک حصارك مرو دفن کردند پسرش عبدالله میگوید که پدرم بریده گفت مرا حضرة مصطفی صلوة الله وسلامه علیه فرمود یا بریده: انه سیبعث بعدی بعوث فاذا بعثت تلك البعوث فکن فی بعث المشرق ثم کن فی بعث خراسان ثم کن فی بعث ارض یقال له مرو فاذا اتیتها فانزل مدینها فانها بناها ذالقرنین وصلی فیها عزیر انهارها تجری بالبرکة علی کل باب منها ملك شاهر هاسیفه یدفع السوء عن اهلها الی یوم القیامه . مفهوم حدیث و العلم عندالله

ای‌بریده بدرستی‌که برانگیخته شود از مالشگرها سپس چون برانگیخته شدند آن لشگرها پس باش درلشگر مشرق پس باش درلشگر خراسان پس باش درلشگر زمینی که گفته‌میشود مر آنرا مرو پس‌چون بیائی در آن‌زمین فرود آی‌درشهر آن پس بدرستی که آن‌شهر بنا کرده‌است آنرا ذوالقرنین ونماز کرده‌است در آن‌عزیز جویهای آن میرود ببرکت، برهردری از آن‌ملکی‌است‌شمشیر کشیده‌دفع‌میکند بدی‌ازاهل آن‌تاروز قیامت. ورواینی دیگرست ازرسول صلوة‌الله وسلامه علیه‌که بریده ربع‌الاسلام. العلم عندالله بریده چاریك اسلام است و مؤید این حدیث استآنچ روایت است‌که بریده اسلام‌آورد آن وقت‌که حضرة خواجه ماصلوة‌الله وسلامه‌علیه از مکه هجرت‌فرمودند باامیرالمؤمنین ابی‌بکر رضی‌الله عنه‌وعامر بن‌فهیره بمدینه بریدة آمد وازجانب مکه بود اگرچ هنوز آشنا نبود اماچو برنبی آمدو پی‌روی‌کرد باین‌پی‌روی نیزمحبوب‌حق شدونور نبوت‌بروی‌تافت واسلام‌آورد وچون‌سیم‌خدام‌شدکه‌باحضرةبودند صلوة‌الله وسلامه‌علیه‌اورا ربع‌اسلام‌خواندند وبریده گفت بمدینه درنیائیم مگرباعلمی.وجامهٔ خودبگشادوبرسر نیزه تعلیق‌کرد ودرپیش مرکب‌حضرةخواجه‌ماصلوة‌الله‌وسلامه‌علیه میرفت‌پس‌اول‌علمی که‌دراسلام بسته‌شد علم بریدة بودرضی‌الله عنه‌وارضاه و بریدة و این‌قصه‌وبودن‌اودر خراسان فضلة ومفـاخرة است‌اهل‌خراسانرا

و روایت است‌که‌خواجهٔ ما صلوة‌الله و سلامه‌علیه فرمودند مراو را یابریدة لایکل بصرك ولا یذهب سمعك‌انت نورالاهل المشرق مفهوم‌حدیث والعلم عندالله. ای‌بریده مانده نشود بصر تو‌ونرود سمع تو وتونوری اهل مشرق‌را وصیت‌کردکه جون فوت شود او را برمیان راه جاده دفن‌کنند و جون قبرکنندند ولحد ساختند ازهمه جوانب‌دیوارهاولحددرهم افتاد از آنجا دوربردند و علی حده برمیان‌راه گذر روضهٔ او مرتب کردند رضی الله‌عنه

صحابی دیگر- عبدالله بن حصیب برادر بریده پیشتراز بریده وفات کرد رضی الله عنهما

صحابی دیگر: الحکم عمروالغفاری رضی الله عنه امام حاکم فرمود که معاویه بن ابی سفیان حکم را برمال خراسان عامل کرد حکم رضی الله عنه باکفار جهاد کرد و غنیمتهاء بسیار گرفت بمعاویه نامه نوشت که غنیمتهاءبسیار بسیار گرفتم معاویه باو نوشت که نیك بنگر هرچ از صفراو بیضا یعنی زرونقره یـابی همه را با امیرالمؤمنین بفرست وباقی برلشکر جهاد قسمت کن حکم رضی الله عنه علما را جمع کـرد و گفت حکم شرع چیست گفتند کتاب خدای تعالی آنست که همه از آن لشکر جهادست مگر خمسی که از آن سادات ودیگر مستحقانست و گفتند که معاویه را در آن حقی نمی بینیم حکم رضی الله عنه بمعاویه نامه نوشت که نامهٔ تو با کتاب خدای عرض کردم موافق نبود متابعهٔ کتاب خدای واجب دیدم آنچه غنیمت گرفته بودم همه برلشکر قسمت کردم معاویه فرستادتا اورا حبس کردند ودر سلاسل و بندها کشیدند حکم خسته شد ودر آن فوت شد بوقت وفات وصیة کرد که اورا باسلاسل و بند دفن کنند تامخاصمه کند با معاویه روز قیامت که اورا برای چه امربند کرده است و او را پهلوی بریده دفن کردند چنانك میان ایشان یك ذراع بیش نیست رضی الله عنهما.

صحابی دیگر: عطیة بن عمرو الغفاری برادر حکم که ذکر رفت واو نیز مدفونست بمرو نزدیك برادر او حکم رضی الله عنهما.

صحابی دیگر: ابـوبرزه اسلمی رضی الله عنه ونام او گفته اند عبدالله و ساکن مدینه می بود از آنجا ببصره آمد بس بخراسان آمد و در خراسان فوت شد سر او اولاد او بمرواند بدرستی که روایت است که به نیسابور فوت شد اینجا آسوده است رضی الله عنه

صحابی دیگر: عامر بن سلیم الاسلمی رضی الله عنه و می گویند که او صاحب علم

بود کرم‌الله وجهه سه مقدمه علم نحواز ایشان تعلیم گرفت وعلم نحو استنباط کرد و بخلیل بن احمد آموخت و خلیل بسیبویه آموخت واقوام دیگربس این‌علم منتشر ، خخام را بمرو اولاد وآثار است .

صحابی : العباس بن مراس السلمی الشاعر باحضرت صلوةالله وسلامه‌علیه صحبت داشت و او را درمرو فرزندان بودند

صحابی : اقرع وورقه پسران حابس‌تمیمی .

صحابی : محتفربن اوس باحضرة صلوةالله و سلامه علیه صحبت داشت و آخر بموقف وطن گرفت .

صحابی : قاسم‌بن عباس‌بن عبدالمطلب با لشگر اسلام بغزا بخراسان آمد و باامیرالمؤمنین‌حسن کرم‌الله‌وجهه برادر رضاعی بود و او بسمرقند فوت شد و او را بحضرة صلوةالله و سلامه علیه مانند میگفتند چون پسرعم بود .

صحابی دیگر:اس‌بن ثعلبة التمیمی باسعیدبن عثمان‌بغزا بخراسان‌آمد

صحابی دیگر :کعب‌بن‌عتیبه اورا بمرو اولاد بود

صحابی:عبدالله‌بن‌خازم‌سلمی‌والی‌نسابور بوداز جانب‌عبدالله‌بن‌عامر وساکن‌جوین شد واورا آنجااولادشدند امام‌حاکم‌فرمودکه آنجا اولاداورادیدم قوی‌بودنددهاقین.

صحابی:ابوعمروانصاری‌درمرو ودرقریه‌بایشان‌ساکن‌شدواورااولادبودندعلماوفقها

صحابی دیگرمحمد مولی حضرة خواجه ما صلوةالله و سلامه علیه و از مرو بود تجارت میکرد نام‌او مانــاهیه بود مجوسی نمودی‌خود را ناگاه‌نام حضرت‌ما شنود صلوةالله و سلامه‌علیه هجرت کرد وبحضرت خواجه‌آمد صلوةالله وسلامه علیه آورا محمدنام نهادند و مولی حضرة شد صلوةالله وسلامه‌علیه وسلمان بمرو مراجعه کردو در مقابل در مسجد جامع مروسرای اوبود

امام حاکم فرمودکه آنچ بما رسید از صحابه که این دیار بقدوم ایشان مشرف شد این بودکه ثبت افتاد .

ذکر بزرگانکی بنسابور رسیده‌اند ازعلماواشراف تابعین رضوان‌الله علیهم اجمعین وساکن شده‌اندیا گذشته‌اند

فایده ــ هر کس که باایمان در بیداری حضرة خواجه ماصلوة‌الله وسلامه علیه رادیداو صحابی‌است وآنها که باایمان صحابه را در یافتند اما خواجه مارا صلوة‌الله وسلامه علیه ندیدند یادیدند اما در آن زمان ایمان نیاوردند بعد از آن ایمان آوردنـد این جمـاعة را تابعین خوانند . کعب اخبار در زمـان خواجه مـا بود صلوة‌الله وسلامه علیه‌اما بعد از آن زمان‌ایمان آورد اونیز از تابعین است و کسانی که صحابـه را ندیدند اما علماء تابعین را دیدند این جماعت را تبع تابعین گویندو کسانی که این جماعت بزرگان‌را دریافتند اما تابعین‌را ندیدند ایشانرا اتباع گویند تابعین‌قرن دوم‌اند ازصحابه ــ تبع‌تابعین‌قرن سیم‌اند ازصحابه ــ اتباع‌قرن چهارم‌اند ازصحابه رضوان الله علیهم اجمعین

احنف بن‌قیس سعیدی.امیة‌بن‌اسعدخزاعی .اسلم‌بن ذرعه. اس بن ودیعه. ارقم‌بن ارقم.درزلزله‌نسابور برحمت خدای‌منتقل شد. بسربن جلال‌عدوی. بکر بن‌با عر کوفی. بشیر بن‌یحیی.ازعلماتابعین بود.وازنسابوربود بمرووساکن‌شد،ثمانة‌بن‌عبدالله‌بن‌انس‌بن مالك‌رضی‌الله عنه.جعدة‌بن هیره مخزومی حضرة امیرالمؤمنین علی کرم‌الله‌وجهه خال اوبودند علم‌از حضرة ایشان آموخت‌وحدیث‌ازایشان روایت داشت جاریة‌بن بدر بنسابورفوت‌شدومدفن مبارکش اینجاست ، خراج‌بن‌عبدالله الحلمی‌ابن سعید‌البلخی جراب بن عبدالله التمیمی الحسن البصری الزاهد النقیه الواعظ کنیة ابوسعید و کنیة ابیه ابوالحسن از تلامذه و تربیة یافته حضرة امیرالمؤمنین علی بود کما هو

مشهور کرم‌الله و جهه. الخرث‌بن عمرو الکیدی، الحکم‌بن کثیر الحارث المازنی حضیربن المبذر، حجاج‌بن الثقفی، خلدبن عبدالله خلدبن الاسلمی داودبن عمان بن حبیب. ابوسلیمن النیشابوری علم حدیث از انس‌بن مالك استفاده کرد. الربیع بن انس‌بن مالك بمرو ساکن شد، الربیع بن زیاد بهراة فوت شد، زیدبن الحواری البصری قاضی هراة، زیادبن ابی عمرو التابعی، سعیدبن امیرالمؤمنین عثمان بمدینه متولد شد وبالشکر تمام بغزاء خراسان آمد و در آن لشکر صحابه وتابعین بودند وبنسابور آمد و لشکر بماوراءالنهر برد و بخارا و سمرقند او فتح کرد ، سعید بن عبدالرحمن السلیمن البصری، سلیمان از اولاد حبیب الاسلمی ، سالم الخراسانی و او از نیسابور بود ، سلیمن‌بن ربیعه ـ شهربن حوشب، صلت‌بن ایاس ، سفرة‌بن حمید ضحاك‌بن مزاحم، طلحة‌بن ایاس البصری ، طلحة الطلحات، با لشکر سعدبن عثمان بود رضی الله عنه بنسابور آمد عبدالله‌بن بریده‌بن خضیب الاسلمی ، عبدالله صامت و این صامت پسر برادر ابی ذرغفاری بود رضی الله عنه ، عامربن شراحیل الشعبی همدانی ، علقمة‌بن تیس النخعی از ملازمان تلامذه حضرة امیرالمؤمنین علی کرم الله وجهه علم از ایشان آموخت ، عطابن ابی السایت المکی ، عمروبن عبدالله الهمدانی، عمروبن سالم الانصاری ، عمروبن مسلم عمروبن‌عبدالله عکرمه، مولی عبدالله عباس مدتی در نیسابور فتوی او داد، عباد البصری ، علیابن احمر ، غیاث بن عبدالله از کبار الصحاب امیرالمؤمنین علی بود کرم الله وجهه ، قرعة‌بن دنیا و قتیبة‌بن مسلم از علماء تابعین بود و والی خراسان بود ، محمدبن واسع البصری الزاهد مهلب الاردی ، مغیرة‌بن عبدالملك ، مشعث بن طریف ، مروان‌بن عبیدالله النیسابوری وله اولادکبار ، مصعب بن ابی زهیر مقاتل بن سلیمن البلخی، منصوربن عبدالحمید الخراسانی ، نصربن عمران نافع، مولی عبدالله بن عمر، نافع الارزق

نهارالعبدی ، وهب‌بن منیةابن وهب وهمام و عبدالله و معقد پسران منیة از هراة بودند کسری ایشانرا جلاکرده بفارس برده بود هرون بن عبدالله بن علمر ، لاحق‌بن حمید، یحیی بن یعمرفقیه ادیب از کبار تابعین بود ، ابن حمید البصری ، یحیی‌بن عقیل البصری ، یزیدبن المهلب و الی بود هریك از این بزرگان کوکب دری آسمان علم وهدی بوده‌اند .

ذکر أتباع التابعین من النسابوریین و من وردها اوسکنها او حدث بها

من‌علماءالاسلام: ابراهیم بن‌طهمان بن‌سعیدالفقیه‌الزاهد بهراة متولد شد و بنسابور وطن گرفت وآخر بمکه رفت ومجاور شد آنجا برحمت حق منتقل شد رضی‌الله‌عنه‌وارضاه ، ابراهیم‌بن‌مراء بن‌بصربن انس‌بن مالك انصاری، ابراهیم‌بن‌رستم المروزی‌الفقیه ساکن نیسابور شدو اینجـا وفات یافت ابراهیم‌بن سلیمان البلخی ، اسمعیل‌بن‌ابراهیم‌النیسابوری ، اسحق‌بن بشرالکاهلی ، ابوحذیفه‌البخاری اصل او از بلخ ومنشأ اوبخارا، احمدبن ابی‌طیبه‌الجرجانی، اصرم‌بن‌حوشب‌الخراسانی ، اصرم‌بن غیاث‌النیسابوری مسجده فی محلةالزمجار اسدبن‌عبدالله از علما بود و والی بود در خراسان، انس‌بن عیاض‌المدنی، بسار بن‌قیراط‌النیسابوری، بکر بن‌معروف‌النیسابوری، سنه‌ثلث وستین و مائه وفات یافت، جعفر بن‌الحارث جـارود النیسابوری ، حسن‌بن محمدالقاصی، حسین‌الولید شیخ‌شهر بود در نسابور سنه ثلث و مأتین برحمت حـق پیوست،حسین‌بن‌داودالبلخی حمادبن‌سلیمن‌الفقیه‌النیسابوری‌مسکنه بمحلةقز حفص‌بن عبدالرحمن النیسابـوری ، حفض‌بن سالم‌السمرقنـدی ، حجاج‌بـن ارطاة الکوفی ، حبیب‌بن مهران‌النیسابوری، الحکم‌بن عبدالله البلخی خارجه‌بن مصعب السرخسی ، اودبن سلیمن‌الجرجانی داودالقشیری ، زافربن سلیمن القهستانی زهیربن محمد

نسابوری سکن مکه والمدینه ، سفین بن الثوری امام عصره و زاهد زمان بنسابور رسید وقت رفتن ببخارا ، سفیان بن حسین سلمی ، سلیمن بن عیسی سخری ، سلم بن قتیبه که این قتیبه والی خراسان بود ، سالم بن سالم البلخی ، سعیدبن سالم بن قتیبه چون جد والی نسابور بود، شیبان بن ابی شیبان ، شفیق بن ابراهیم الزاهد البلخی ، صالح بن سعید النیسابوری ، عبدالله بن مبارك امام عصره فی الافاق ، عبدالله مسلم الدمشقی ، عبدالله بن عبدالرحمن النیسابوری ، عبدالله بن و افدالهروی ، عبدالله بن عبدالرحمن عبیدالله بن محمـدالنیسابوری فقیه عصره ، عبدالله بن المطوعی ، عبدالرحمن بن مسلم ابوقتیبه ، ابومسلم عبدالرحمن حاجب الدوله عبدالرحمن بن عبدالله النسوی قـاضی نیسابـور ، عبدالرحمن عماد النیسابوری ، عبدالعزیز بن ابی رواد ، عبدالعزیز المروزی ، عبدالملك الاصمعی

اما اهل اللغة ـ عمر بن هارون البلخی ، عمر بن الرماح ، ابوعبدالله عمر القاضی اصل او از بلخ بود اما عبدالله نیسـابوری است ، عمر بن قیراط النیسابوری ، عیسی بن موسی البخاری ، عیسی بن ابراهیم القرشی ، عیسی بن نصرالله السرخسی ، ابوعامر النیسابوری ، عامر خداش النیسابوری ، عینة بن عبدالرحمن اللغوی ، فضل بن خالد النحوی ، فضل بن موسی المروزی ، قتیبة بن سعید البغلانی در نیسابور مقیم شد عینة قجده بن سلیمن البصری ورد نیسابور ، کتانة بن حلیلة الهروی و گویند بپوشنج ساکن بود ، محمد بن مشیر الصقانی ، محمد بن الفضل بن عطیه محمد بن الحق القرشی . توفی ببغداد ، محمد عبدالرحمن المقری ، معمر بن حسین الهروی ، معروف بن حسان ، مورخ بن عمرو البصری اقام بنیسابور ابوسهل نصر النیسابوری ، نصر بن عبدالکریم النیسابوری مکی بن ابراهیم البلخی ، مجیر بن مخدم در اصل از بصره بودند اما در نسابور متولد شد ، نهشل بن سعید بن وردان از علماء نسابور بود ، مسکن او در کوچه صرامین بود در مسجد او مسجد عتیق بر سر کوچه بعدها

بلقاباد انتقال فرمود، نوح بن ابی مریم المروزی، نصر بن سمیل المازنی صاحب علم عربیة، وهب بن وهب الفرسی القاضی واو از خراسان بوددر اصل بـی شکی وگویندکه از نسابور بود ولید بن سلمه الازدی از اهل طبرستان بود ، هیاج بن بسطام التمیمی الهروی اکثر اوقات ساکن نسابور می بودند مدفن مذکور نیست اما یحیی بن صبیح النیسابوری معلم قرآن اول معلمی که در نیسابور قرآن بمسلمانان تعلیم داد ومسجد ایشان معروف بود بر در کاروان سرای معربکه رفت وآنجا وفات یافت رضی الله عنه امام المحدثین که دعا برسر قبر ایشان مستجـاب است البته اما یحیی بن بکر بن عبدالرحمن التمیمی کنیته ابوزکریا معلم قرآن بود بنیسابور متولد شد اولاد درنسابور مدفون اند در معیره ، حسن بن معاذ بن مسلم رضی الله عنهم

اتباع الاتباع بعد الصحابه وهو القرن الرابع بعد النبوة والثالث بعد الصحابه

ابراهیم بن نصر بن منصور ابواسحق الفقیه، ابواسحق ابراهیم بن هانی النیسابوری سکن ببغداد ، ابراهیم بن الحارث بن اسمعیل ابواسحق البغدادی سکن بنیسابور و توفی بها ، ابراهیم بن مخلد الکبیر ، ابراهیم بن محمد بن عبدالله الرباطی ویقال له الحمال، ابراهیم بن عبدالله بن یزید السعری ، ابراهیم بن سالم ابوخالد النیسابوری ، ابراهیم بن زید الاسلمی النیسابوری ، ابراهیم بن الاشعث ابواسحق البخاری ابراهیم بن اسحق عیسی السان الطالقان و یقال المروزی ، ابراهیم بن ابی صالح وابو صالح اسمه هاشم بن عبدالله الثقفی المروزی ضاضی نیسابور وتوفی بها ، ابراهیم بن محمد القرشی من اهل مدینه ورد بنسابور واستوطنها وتوفی بها، ابراهیم بن محفوظ ابواسحق السلمی، ابراهیم بن سعدان الحمراوی ابواسحق الازدی النیسابوری ، ابراهیـم بن منصور ابواسحـق ، ابراهیم بن شماس المروزی الزاهد ابراهیم بن هاشم بن منصور النیسابوری ابراهیم بن مهد البزاز البصری امام بنسابور ، ابراهیم بن محمد بن عبدالله السلمی و محمد ملقب

ملحمش النیسابوری ، ابراهیم بن عمار الانصاری، ابراهیم بن الایوب النیسابوری ، ابراهیم بن عثمان النیسابوری، ابراهیم بن سلیمن الخیاط النیسابوری ، ابراهیم عبدالرحمن البصری نزیل نیسابور ، ابراهیم بن الفضل ابواسحق النیسابوری، ابراهیم ابن الفضل یحیی النیسابوری، ابراهیم بن القاسم اخو بشر بن القاسم الفقیه، ابراهیم بن الحصین بشر النسابوری ابراهیم بن حرب ابواسحق النسابوری ، اسمعیل بن ابراهیم بن الولید الاسفراینی ، اسمعیل بن الفضل ابو ابراهیم قاضی جرجان یعرف بالشالجی ، اسمعیل بن الحجاج ، اسمعیل بن حمید النسابوری ، اسحق بن محلد بن مطر الحنظلی ابو یعقوب راهومه سکن بنسابور و توفی بها و قیل اصله مروزی وقیل هروی و لکن مات بنسابور قال له عبدالله طاهر لم قیل لك راهویه و مامعناه قال انا ولدت فی طریق مکه فقالت المراوزه راهویه لانه ولد فی الطریق و کان ابی یکره هذا و لکن انا ما اکره، اسحق بن منصور بن بهرام الکرسخ مولده بمرو ومنشأوة بنسابور و توفی بها ، اسحق بن ابراهیم بن یحیی العفصی، اسحق بن عبدالله بن محمد بن زرین السلمی المعروف بالحشل النسابوری اسحق بن حکم بن ابی خدیحه المهار النسابوری ، اسحق بن ابراهیم السمی النسابوری اسحق بن نعیم النسابوری ، اسحق بن موسی عبدالله بن یزید الانصاری وارد بنسابور ، اسحق بن الصباح ابومحمد التاجر النیسابوری، اسحق بن العنبر بن محمد الحرش النیسابوری احمد بن عمرو بن سعید الحرش النیسابوری ، احمد بن ازهر بن بنیع العبدی ابوالازهر النیسابوری احمد بن احجم الخزاعی ابوالحسن المروزی سکن بنسابور و توفی بها ، احمد بن ایوب ابوذر العطار النیسابوری من المدینه الداخله ، احمد بن ابراهیم البرمقی، احمد بن ابراهیم حرب بن یزید ابوعبدالله القرشی ، احمد بن بکر النیسابوری ، احمد بن جواد بن قطی الکثیری النیسابوری، احمد بن حواس ابوجعفر الاستوایی، احمد بن حفص بن عبدالله بن راشد السلمی النسابوری ، احمد بن الحکم بن سان السلمی النیسابوری احمد بن

حریس ابومحمدالقاضی بنسابور و هراة ، احمدبن حرب وهوسهل بن فیروز وفیروزهو عبدالله الزاهد النسابوری قال یحیی بن زکریا بن حرب ، سمعت ان تقول توفی ابی حرب بن عبدالله الاصفهانی بنسابور سنه ثمانین ومائه وخلف محمداو السه لتسع واحمد لاربع سنین وولدت اما بعد وفاته، احمدبن الحسن الحافظ ابوالحسن الترمذی صاحب امام احمدبن حنبل، احمدبن حمزة النسابوری احمدبن حاج بن القاسم العامری وله مسجد فی نیسابور، احمدبن الخلیل ابوعلی البغدادی التاجر سکن بنسابور وتوفی بها ، احمدبن حواس بن محراق السمی النسابوری، احمد بن خالدبن حماد الدنبلی توفی بنسابور، احمدبن خلدبن عبدالله ابوبکر النسابوری ، احمدبن سنان القشیری ابوعبدالله الخرقنی وخرقن قریة علی باب مدینه نسابور، احمدبن سعیدبن صخر ابو جعفر الدارمی ولد بسرخس ونشاة نیشابور وتوفی بها، احمدبن سلیمن القری النسابوری شیخ قدیم من محلةقز ، احمدبن ستار ابوالحسن الفقیه المروزی ، احمد بن عبدالله الحمیری النیسابوری وکنیته ابوجعفر ، احمدبن عاصم ابوبکر صاحب ابی عبید نیسابوری، احمدبن عبدالله بن وافدابوالیدالهروی، احمدبن علی بن حمومه النحوی النیسابوری ، احمدبن عمر وابوسعیدالقهنذری النیسابوری احمدبن عبدالرحیم الازدی النسابوری، احمدبن عمر بن عبدالله الفراری، ابوبکر المروزی ولی قضا بنسابور، احمدبن عمر بن ربیعه الحرسی النسابوری ، احمدبن عبدالوهاب بن حبیب بن مهران العبدی ، ابومحمد النسابوری ، احمدبن علی بن سعید السرخکی النسابوری، احمدبن عبیر النسابوری، احمدبن العباس بن منصور النسابوری، احمدبن معاذبن عبدالله السلمی النسابوری احمدبن منصوربن راشد الحنظلی ابوصالح المروزی و اقام بنسابور ، احمدبن منصور النسابوری ، احمدبن محمدبن یوسف البلخی کتب عنه بنسابور احمدبن مسلم الزاهد النسابوری کنیته ابومسلم ، احمد بن محمد بن نصر المعروف بالمعاذ النسابوری ، احمدبن مخلد ابو شجاع العیدلانی النسابوری ، احمدبن محمدبن

سعیدالفراری‌النیسابوری، احمدبن‌محمدبن‌المهلب‌بن‌همام‌النسابوری ، احمدبن‌نصربن زیادالقرشی ابوعبدالله‌المقری، احمدبن یوسف ابوالحسن‌السلمی النسابوری ، احمدبن یحیی بن‌الصباح بن‌اخی‌سعیدبن‌الصباح‌النسابوری ، ایوب‌بن‌الحسن‌ابوالحسن‌الفقیه الزاهد مسجده ومسکنه بنصر آباد ولمجده کرامات مروته محترمه قبره‌فی‌رأس‌میدان زیاد ، ایوب‌بن‌منصورالنسابوری ، اسلم بن‌سلیمان النسابوری ، اشرف بن‌محمدالقاضی ابوسعید قاضی نیشابوری من‌اصحاب ابویوسف‌القاضی ، اسدبن عمادبن عبدالله‌العتکی اسدبن عبدالله‌المرابطی النسابوری ، اسدبن موسی‌الفقیه‌النسابوری ، ازهربن حبیب النسابوری، اسدبن‌نوح صاحب‌خراسان، اسودبن‌ابی‌الاسودالنسابوری ، بشربن‌الحکم بن حبیب بن مهران العبدی ابو عبدالرحمن النسابوری، بشربن ابی‌الازهر القاضی النسابوری و ابوالازهر نزیل بنسابور وهومن اعیان‌علماءکوفه ، بشربن‌القسم بن حماد النسابوری بسربن سهل‌بن موسی النسابوری ابوسهل العباد ، بشربن یحیی السکری ابواحمدالمروزی ، بشربن حفص‌بن‌یحیی‌الفقیه‌النسابوری ، بشربن‌محمدالعاری‌المطوعی النسابوری ، بشربن هاشم‌ابوسهل‌السجستانی، بشربن عیسی‌النسابوری، بکربن جذاش اخوعامربن‌جذاش‌النسابوری، بدیل‌بن‌محمدالاسفراینی، جعفربن‌محمد عروة النسابوری جعفربن عبیدالله الفزی النیساوری ، حسن بن عیسی سرخسی ، ابو علی مولی عبدالله المبارك وكان نصرانیا ثم صار امام المسلمین ، الحسن‌بن ابی عیسی و ابو عیسی موسی‌بن میسرة الهلالی النسابوری الحسن‌بن عبدا لصمدبن عبدالله بن‌رزین السلمی ابوسعید النسابوری ، الحسن بن بشر بن‌القسم بن حمادبن عبددب السلمی النسابوری ، ابوعلی قاضی نیسابور ، الحسن بن هارون بن المعیره بن فرقد التمیمی النسابوری ، الحسن بن سهل اخوجعفربن سهل المذکر ، الحسن بن شجاع بن رجاابو علی البلخی الحافظ ، الحسن بن‌عمروبن عبدالله بن معاذ

حماد بن هرون النسابوری ، الحکم بن المبارك النسابوری ، الحکم بن حبیب بن مهران العبـدی النسابوری ، الحکم بن عبـدالله الحرودی النسابـوری ابـوالفضل حامدبن ابی حامد المقری النسابوری ، حامدبن عبدالوهاب الاسفراینی ، حمدان بن خالدابوالعباس القرسی النسابوری ،حمدان بن محمدبن عبدالعزیزبن سلام النسابوری حجاج بن مهاجر ابو یوسف البصری نزیل بنسابور حجاج بن مسلم القشیری، ابومسلم الام النسابوری وتوفی ومسلم کان صغیراً ، حاتم بن یونس الجرجانی اقام نیسابور برهة من الدهر ، حاتم بن منصور ابوطیب الکشی حدث بنشابور ، حمیدبن رنجویه النسوی، ابواحمـد محدث کثیرالحدیث، حسویـه بن کیسان اخو محمدبن کیسان النیشابوری ،حسین بن حشام الحرسی النیسابوری ، حسوبه بن عبدالله النیسابوری ابوعلی اخوحسین المرتفع ،حسن بن عبدالرحیم الرتکی الزاهد ،ابوعبدالله المطوعی النیسابوری صاحب الصومعه و المسجد اللذین یتبرك بهما ، حمران بن عثمان بن عفن النیسابوری، خاشدبن اسمعیل البخاری ، حری بن محمدبن یوسف البلخی ،خلدبن حمادبن عمروبن مخلدبن مالك وهوالخخام روی عنه احمد واحمدعندنامدفون بنسابور خلدبن یزیدبن الخلد البلخی النیسابوری ، خشنام بن الصدیق النیسابوری ومسکنه رأس مکه عمارفی سکه معتیاباد، خشنام بن عبدالرحمن النیسابوری المعنیابـادی ، خشنام بن عبدالله بن ابی زیادالنسابوری، خضر بن عبدالله بن سنان بن الحکم النسابوری ابوسعید السلمی ، خلیل بن محمدبن عبدالرحمن النحوی ابومحمدالنسابوری ،خلف بن عبدالله العنبری الهروی حدث بنشابور ، خلف بن ایوب العامری ابوسعید البلخی فقیه اهل بلخ ، حدائش بن عمرو ابوعامر النسابوری، داودبن محراق الفاریابی، داودبن مجدبن مخدم ابوسلیمن قیل ولـد بنسابور و مـات ببغداد ، داودبن ابراهیـم النسابوری ، داودبن علی بن خلف الفقیه الاصبهانی اقام بنسابورمدة ، داودبن سعید ابوسلیمان

ابو علی النسابوری، الحسن بن یعقوب بن موسی البخاری ابو یوسف نزیل بنشابور، الحسن بن محمدبن جعفر المدینی الزاهد ابوجعفر المدفون مقبرةمولقابادالذی‌یزار ویرجا اجابت الدعا، الحسن بن ماهان ابو الزبیر النسابوری نزیل بغداد، الحسن بن ایوب ابوعلی الرفخاری النسابوری، الحسن بن عبدش النسابوری الزاهد، الحسن بن عبدالرحمن ابوعلی المستملی النسابوری، الحسن بن نصر ابو شد ادالخزاعی النسابوری الحسن بن مهاجر ابوالحسن المقری النسابوری، الحسن بن علی النسابوری الحسن بن مسلم ابوعلی البغدادی نزیل نسابور، الحسن بن صالح بن محمد ابوعلی الزجاجی النسابوری، الحسن بن قتیبه البشتی، الحسین بن منصور السلمی ابوعلی النسابوری الحسین بن جریث بن ابوعمار المروزی الخزاعی، الحسین بن عمارة المقری النسابوری، الحسین بن فضل بن عمیر بن القاسم بن کیسان الحلی ابوعلی الکوفی امام عصره قدم مع عبدالله طاهر الی نیسابور وسکنها وتوفی بها ودفن فی مقبرة الحسین بن معاذ، الحسین بن بشر بن القسم بن حماد بن عبدربه السلمی، الحسین علی النسابوری المشهور بابی علی المرتقع، الحسین بن ضحاك بن عبدالرحمن ابوعلی القرین النسابوری الحسین بن عیسی بن حمران ابوعلی البسطامی کان من کبار المحدثین سکن نیسابور وتوفی بها، الحسین بن عبدالله بن محمد ابونصر النسابوری، الحسین بن حرب الفقیه النسابوری، اخواحمدبن حرب الزاهد، الحسین بن سلم ابوعلی القرنین النسابوری، الحسین بن عمرویه ابوعلی الصانع النسابوری، الحسین بن منصور بن ابراهیم بن عبدالله ابومحمد النسابوری، الحسین بن معاذ بن مسلم النسابوری، حفص بن عبدالله بن راشد ابوعمر والسلمی النسابوری، حفص بن عمر و القصیر النسابوری، حفص بن یحیی بن حفص التمیمی ابو الاشعث السرخسی، حماذ بن سلیمن النسابوری، استاد احمدبن حرب، حماذ بن موسی النسابوری، اخومسرود بن موسی الفرا،

النسابوری ، داودبن عدیالطوسی ، رجابن السندیالنسابوری، ابومحمد الأسفراینی رکن من ارکان الحدیث، رجـابن عبدالرحیم ابوالمصا القرشی الهروی ، رجابن اسدالنیسابوری، رجابن ابراهیم بن طهمن ، زیاد بن عبدالرحمن ابومحمد المنسوب الیه میدان زیاد ، زکریابن حرب النسابوری ، ابویحیی اخو احمد حرب زکریابن یحیی بن یحیی النسابوری، ابومحمد التمیمی، زاهر بن بحرالنسابوری، زنجویه بن عبدالرحمن العابدالنسابوری و یقال له زنجویه الحیری من محلة الحیره، زیدبن ابی موسی النسابوری ، سلمین بن ابی مطر المطوعی النسابوری ، سلیمن بن مطر النسابوری اخو قتاده، سلیمن بن بحر بن معاذالنسابوری الزهلی ، سلیمن بن داودبن بکر ابوداود النسابوری الحفاف ، سلیمن بن داودبن شعیب کیسان النسابوری، سلیمن بن محمدبن ابی داود النسابوری المستملی ، سلیمن بن عمربن الحسی النیسابوری ، سلیمن بن خلدبن یونس الکاتب ابوداود النیسابوری، سلیمن بن الاشعث ابو داود السجستانی امام اهل عصره بلامدافعه وکان مقیماً بهراة وتوفی ببصره ، سلیمن بن عبدالله البکری النیسابوری ، من محله قز ، سلیمن بن مسلم بن الحسین بن معاذ النسابوری ، سلیمن بن عبدالله العامری النسابوری ، سلیمن بن سعد القرشی النسابوری ، سعدبن یزید للفرا النیسابوری اختلفوافی کنیته ، سعید بن معاذ ابو عصمة المروزی ، سعیدبن عبدالرحمن موالی ال الجرود النسابوری و یقال سعدالحیری من محلة حیره ، سهل بن مهران ابوبشر البغدادی نزیل بنسابور ، سهل بن بشر بن القسم الفقیه النسابوری ابوالقاسم و یلقب بسهلویه ، سهل بن عماربن عبدالله العتکی النسابوری ، سهل بن عمان النسابوری المعروف بالسخری ، سهل بن اسلم النسابوری، سهل بن عبدالعزیز بن موره الصنانی ، سعیدبن الصبـاح اخویحیی النسابوریان المنسوب الیهماالخان والمحله : سعید بن محمود ابوالطوسی نزیل نیسابور ، سعیدبن ابی سعید البلخی قوم بنسابور

جاجا، سعیدبن اشکاب الساسی حدث بنسابور، سعیدبن مروان البغدادی ابوعثمان ویقال الرهاوی سکن بنسابور و بهامات، سعیدبن سام بن قتیبه بن مسلم والی نیسابور، سعیدبن صالح النسابوری، سعیدبن عبدالرحمن الجارودی النسابوری، سعیدبن یحیی الکریزی البصری، سعیدبن منصور ابو عثمان النسابوری و یقال الخراسانی و یقال الجورجانی و یقال البلخی، سعیدبن النصر ابوالنصر النسابوری، سلمه بن شعیب النسابوری ابو عبدالرحمن المستملی، سلم بن الحرودبن یزید النسابوری، سلمه بن بشیر النسابوری، السری بن عطیة التمیمی النسابوری، السری بن نصر ابوسهل النسابوری، السری بن خزیمه بن معویه ابومحمدالابیوردی و توفی بابیورد، ساسان بن الحسین ابوکسری الخراسانی، سختویه بن مازیار النسابوری، سختویه بن الجنید ابوعبدالله الجرجانی، شبل بن عبدالرحمن الادیب النحوی النسابوری. شداد بن حکیم البلخی حدث بنشابور شریک بن عبدالله النخعی القاضی ولد بخراسان و قیل بنشابور، شریح بن عقیل بن رجا ابوعقیل البیهقی، شوکر بن عبدالله الاسفراینی، شفم بن اصیل ابواحمد العجلی النسابوری وهومن رستاق ارغیان، صالح بن یونس ابوحاتم النسابوری، صالح بن جناح ممن ادرك الاتباع بلاشك، صالح بن محمد بن حبیب بن ابی الاشرنین الحافظ ابوعلی البغدادی و توفی ببخارا، طاهر بن الحسین بن مصعب بن دریق بن شادان الخزاعی ابوطلحه ذوالیمینی والی خراسان، طاهر بن سعید المقری النیسابوری، ابوالقاسم طاهر بن عبدالله بن طاالامیر وتوفی بنشابور یوم الاثنین من رجب سنه ثمان واربعین ومائتین و دفن من العذ، طیفور بن عبدالله النسابوری ابوالطیب المؤذن، عبدالله بن حسان ابوعبدالرحمن الطوسی ولد بهاو بنشابور نشر علمه، عبدالله بن محمد بن عبدالله بن جعفر الیمان المسندی ابوجعفر البخاری، عبدالله بن عثمان بن حبله بن ابی داود العتکی المروزی، عبدالله بن هرون بن مامون بن الرشید الرشیدامیر المومنین، عبدالله بن مهران

الطبسی ابومحمد عبدالله بن الجراح القهستانی ابومحمدسکن بنسابور و بهاانتشر علمه
عبدالله بن یوسف بن خرشیدالدویری النسابوری و دویر قریة علی باب نیشابور، عبدالله
بن محمد عبدالرحمن المقری النسابوری ، عبدالله بن عبدالرحمن بن الفضل بن بهرام
السمرقندی، عبدالله بن عبدالوهاب تمیمی ابومحمدالخوارزمی اقام نیسابور، عبدالله بن مخلد
التمیمی النسابوری ابومحمد النحوی ، عبدالله بن یونس ابومحمد النسابوری الفقیه ،
عبدالله بن محمد الدقیقی النسابوری ، عبدالله بن عمر بن الرماح القاضی النسابوری،
عبدالله بن محمد برهانی ، ابوعبدالرحمن النحوی النسابوری، عبدالله بن محمد بن عبدالله
النسابوری ، عبدالله بن ابراهیم المروزی حدث بنشابور، عبدالله بن مهدی العامری
ابومحمد النسابوری، عبدالله بن طاهر بن الحسین بن مصعب بن زریق الخزاعی ، ابوالعباس
الامیر العادل ووفاته بنسابور قدمر اربع تسعة بنین له من سبعة عشر : عبدالله بن ابرهیم
الشنفاضی النسابوری : عبدالله بن یونس النسابوری، عبدالله بن سعید بن جعفر الجعفی
البخاری حدث بنسابور، عبدالله بن محمد ابوالطیب المکفون الفقیه النسابوری، عبدالله بن
خالد بن فارس الدنبلی النسابوری، عبدالله بن احمد بن عبدالله بن سنان الملالی النسابوری
عبدالله بن سنان الهروی صاحب ابن المبارك . عبدالله بن حماد ابوحامد القهندری
النسابوری. عبدالله بن محمد بن رباب النیسابوری، عبدالله بن ابی نجیه النیسابوری ،
عبدالله بن ابرهیم ابومحمد الخشاب المعروف بالبصری وهو نیشابوری عبدالله بن عرامه
الساسی حدث بنشابور، عبدالله بن الحارث ابومحمد الصنعانی طرطری علی رساتیق بنسابور
مثل جوینی و اسفراینی و بیهقی و بشتی، عبدالله بن سعید بن یحیی بن برالیشکری السرخسی
الاان روایة و اصحابه بنیشابور و مسکنه بنیشابور الی ان توفی : عبدالله بن محمد بن سلیمن
الهاشمی حدث بنسابور، عبیدالله بن عبدالله بن ابی الهیثم عم ابی جعفر الترك و کان یسکن
دار الترك فی سکه باذان ، عبدالرحمن بشر بن الحکم بن حبیب بن مهران العبدی

النيسابوری ، عبدالرحمن بن علقمه ابو يزيد السعدی المروزی ، عبدالرحمن بن عمار النيسابوری الشهيد و هو المنسوب الی سکه عمار ، عبدالرحمن بن مسعود الجورجانی حدث بنشابور : عبدالحميد بن عبدالله بن محمد بن هانی ابوهانی ابوهانی النيسابوری عبدالوهاب بن منصور ختن الحسين بن عبدالله النيسابوری الترك ، عبدالوهاب بن حبيب بن مهران العبدی النيسابوری ، عبدالوهاب بن الضحاك النيسابوری ، عبدالعزيز بن يحيی ابو عبدالرحمن المدينی ، عبدالعزيز بن مسلب المروزی ابوالدردا ، عبدالعزيز بن سليمن بن يحيی بن معاد بن مسلم النيسابوری عبدالجبار بن امان القرشی النيسابوری عبدالرحيم النيسابوری ، عبدالصمد بن حسان ابو يحيی المروزی ، عبدالصمد بن مسعود بن عبدالله بن ذرين السلمی النيسابوری ، عبدالصمد بن ابی مطر ابی بكر البلخی ، عبدالسلم بن صلح بن سليمن بن ميسره ابوالصلت خادم علی بن موسی الرضا ، عبدالسلم بن نهشل بن سعيد النيسابوری ، عبدالخالق بن محمد بن القسم النيسابوری عبيد بن سعد اليسابوری ، عمر بن عبدالله بن محمد بن رزين النيسابوری ، عمر بن عبدالعزيز بن سلام بن عبدالعزيز بن حبيب فيروز التميمی السعدی ، عمر بن عصام بن سلم بن زياد النيسابوری ، ابوحفص المقری وكل القراء يسمونه عمرو او هو عمر عمرو بن عقبة الا ستوائی النيسابوری من رستاق استوا ، عمر بن سعيد بن دردان التشيری النيسابوری ، عثمان بن عبدالله بن عمرو بن عثمان ابو عمرو القرشی سكن بنشابور و بها حدث الی ان توفی ، عثمان بن سعيد بن خالد ابو سعيد الدارمی ، امير المؤمنين علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسين بن علی بن ابيطالب رضی الله عنهم الرضا ابوالحسين الامام الشهيد ورد بنشابور ، سنه ماتين فلما وافی الرضا بنشابور و اقام بها مدة والمامون بمرو الی ان امر باخراجه اليه ثم كان بعد ذلك ما كان و استشهد بسناباد من طوس لتسع بقين من شهر رمضان ليلة الجمعه من سنه ثلث

و مائین و هوابن تسع واربعین سنه و تسعةاشهر و قالالرضا رضیالله عنه من زارنی علی بعد داری اتیته یوم القیمة فی ثلث مواطن حتی اخلصه من اهوالها اذا تطایرت الکتب یمنیاو شمالا و عندالصراط و عندالمیزان ، علی بن ابرهیم البنائی المروزی ؛ علی بن اسحق المروزی صاحبا عبدالله المبارك، علی بن اسحق الحنظلی ابوالحسن السمرقندی من کبارشیوخهم ، علیبن بشر النعانخدی النیسابوری ، ابوالحسنعلیبن بکر البرنوذی الکبیر علی بن جریر ابوالحسن الابیوردی حدث بنشابور ، علی بن الجرودبن یزیدالنیسابوری ابوالحسن ، علیبن جمعه بن هانی بن قنبر مولی امیرالمومنین علی رضیالله عنه و هوممن ولدبنشابور فان هانی سکنها عند وروده معجعدة بن هبیره و آل قنبر عندنا بنشابور بیت کبیر وخطبهم بابالری ، علیبن الحسین بن سفیق العبدیالمروزی، علیبن الحسینبنعبدالرحمٰن بن یزید ابوالحسن الذهلی النیسابوری شیخ عصره ، علی بن الحسنبنموسی الهلالیالنیسابوری وهو ابوالحسنالدرابجردی والدّرابجرد محلة متصله بالصحرآتی علی البلد ، علیبن الحسن الترمزیابوالحسن ،علیبن الحسین بن وافدالمروزی ، علی بن الحسین بن عبدویه البیهقی النیسابوری ، علی بنالحسین بن الولیدالقرشی النیسابوری ، علی بن حجربن أیاس المروزی ، علی بن الحکم المروزی و یقالله الملحکانی ابوالحسن علیبن سلمه عقبة القرشی ، ابوالحسن اللیقیالنیسابوری ، علیبن سعید بن جریر ابوالحسن النسوی ، علیبن عثام بنعلی العامری، ابوالحسن الکوفیساکن نیسابور علیبن عیسیبن حرب البیهقی النسابوری ،علی بنقدامه بن سلمه النشابوری ، علی بن مخلد بن شیبان النیسابوری ابوالحسن خطته مشهوره فی المربعه الصغیره سکه زنحونه ، علیبنمحمدبن آدمالذهلیالنیشابوری، علیبن محمدبن معاویهالنیشابوری علیبن موسی بنخاقان النیسابوری ، علیبنمحمد الزیادابادی النیشابوری و زیاد

اباد قریه بیهقی ، علی بن نصر الوراق النیشابوری ، علی بن یعقوب بن صباح القس النیشابوری ، علی بن یونس البلخی حدث بنشابور ، عیسی بن جعفر ابوموسی قاضی الری ، عیسی بن ابی عیسی الدرابجردی النیشابوری ، عیسی بن حنان النیشابوری ، عمروبن زرارة بن واقد ابومحمد الکلابی النیشابوری ، عمروبن هشام بن زبیر النیشابوری عمروبن معمر العمرکی النیشابوری ابوعثمن ، عمروبن عامر بن الفرات ابوسعید الذهلی النیشابوری ، عمروبن مسلم ابوحفص الزاهد النیشابوری ، عمروبن صالح المروزی حدث نیشابور ، عمروبن عصام الاستوایی ، عمار بن عبدالجبار ابوالحسن النیشابوری ، عاصم بن عصام بن منیع بن ثعلبه الشیری النیشابوری ، عاصم الباخرزی النیشابوری ، عصمة بن الفضل المیری النیشابوری سکن بغداد ، عصمه بن ابراهیم الزاهد النیشابوری : عصمه بن ابان النیشابوری ، عامر بن شعیب النیشابوری یقال له الاسفنجی من قریه بارغیان من رستاق نیشابور ، عباس بن سهل ابوالفضل المیدانی النیشابوری من میدان زیاد ، عباس بن الضحاک البلخی ، عقیل بن خویلد بن معویة بن سعید رشد صاحب رسول الله النشابوری عقیل بن عمر بن بکر والی نیشابوری ، عقیل بن الهلال النشابوری ، عقیل بن یحیی النشابوری عمران سوادالبغدادی نزیل نیشابور ، عمران بن سهل ابوسعید النیشابوری ، عمران بن علی الخزاعی النیشابوری : عتیق بن محمد بن سعید الحرسی ابوبکر النیشابوری ، عبدان بن یوسف السلمی النیشابوری ، عبدان بن محمد بن الفضل النیشابوری غسان بن سلیمن الهروی ، غسان بن محمد بن عبدالله بن سالم النیسابوری ، غسان بن عبدالله السلمی الصبری حدث بنشابور ، فضل بن محمد بن المسیب بن موسی ابومحمد السران البیهقی النیسابوری ، فضل بن عماد التمیمی النیسابوری و ملقب ببندش او ابن بندس ، فضل بن الحکم بن نصر بن عقیل العدل النیسابوری ابوالعباس التاجر ، فتح ابن الحجاج ابونوح الفقیه النیسابوری فتح ابن محمد بن عبدالرزاق التمیمی

النیشابوری ، فتح بن نوح بن سنان بن راشد بن عبدالله العامری ابو نصر الشاهنبری محله فی اعلی البلد ، فتح بن محمد السمرقندی حدث بنشابور ، فضیل بن اسحق بن النصر بن اسحق النیشابوری ، فضالة بن ابی زید التشیری عم محمد بن رافع ، القسم بن الضحاك القرشی ، القسم بن حیوبه النیسابوری و هو من رستاق نیشابور باستوا، القسم بن دهیم البهیقی النیشابوری ، القسم بن محمد بن عبدالله الفرغانی ابوعبدالرحمن المذکور توفی فی اسفر این ، قرة بن حبیب العتوی اصله من نیشابور ، قتادة بن مطر النیشابوری ، قطن بن ابراهیم التشیری ابوسعید النشابوری محمد بن الازهر بن حریث بن ماهان ابوجعفر السحری نزل بنشابور فی عنفوان شبابه و بها ولد ابنه ابوالعباس و بها توفیا جمیعاً ، محمد بن احمد حفص النیشابوری ابوعبدالله ، محمد بن اسلم بن سالم بن زید الکندی ابوالحسن الطوسی توفی بنشابور و دفن فی جنب اسحق بن راهویه فی مقبره شادیاخ وهذا من انشاده :

ان الطبیب لطبه و دوایه   لایستطیع دفاع مقدوراتی

ما للطبیب لموت بالداء الذی   قد کان سوی مثله فیما مضی

هلك والمداوی والذی   حلب الدواء و باعه و من اشتری

محمد بن ابان ابوبکر البلخی المستملی ، محمد بن اسمعیل بن ابراهیم بن المغیره البخاری ابوعبدالله الجعفی وردبنشابور علی کبر سنه واقام بها خمس سنین الا ان وقعت الفترة بینه و بین شیخ عصره محمد بن یحیی الذهلی رضی الله عنه

ولولا ذاك لما خرج من نیشابور فقد کان سکنها قال ابوحسان مولب بن سلیم الکرمینی مات محمد بن اسمعیل رحمة الله عندنا لیلة الفطر اول لیلة من شوال سنه ست وخمسین ومأتین وکان بلغ عمره اثنین وستین الاعشر لیله وکان مولده فی شهر شوال من سنه اربع وتسعین ومائة وکان فی بیت وحده فوجدنا لما اصبحا و هو میت و هذا کان فی

فترة اخرجوهفيهــا من بخارا و سببه جريب ابن ابي‌الورقا و تمسك محمد بن يحيى
الذهلي النشابوري و قال انه اخرجه من نيشابور و هوامام عصره وقيل سبب اخراجه
خالدبن احمدالذهلي الامير خليفه الطاهريه ببخاراالان اباعـبدالله محمدبـن اسمعيل
ابي تعليم اولاده رحمة‌الله عليه رحمة واسعة ؛ محمدبن اسدابوعبدالله النيسابوري الخوشي
والخوش قريةمن قرى اسفراين ؛ محمدبن ابراهيم بن‌طهمن، محمدبن احمدبن محمد
النيشابوري ، محمدبن احمد بن غالب النيسابوري الانصارى ، محمدبن اسكاف بن
خلدالنيسابوري ، ابوعبدالله‌الجـوري ، محمدبن اشرس بـن موسى‌السلمي ابـوعبدالله
النيشابوري ، محمدبن ابراهيم بن‌سعيدبن عبدالرحمن العبدي ابوعبدالله الفقيه الاديب
نزل بنشابور وتوفي بها ؛ محمدبن احمدبن انس القرشي النشابوري ؛ محمدبن اسحق
بن ابرهيم بن‌يونس النيشابوري ابوعبدالله محمدبن احمدبن الجراح ابوعبدالرحيـم
الجوزجاني حدث بنشابور واقام بها ،محمدبن اسمعيل الرماني النيشابوري؛ محمدبن
ايوب بن‌الحسن‌الزاهدالنيشابوري ابوعبدالله‌الفقيه، محمدبن ازهر ابوحفص النيشابوري
محمد بن اسمعيل بن‌علي‌الهاشمي ابوعبدالله البغدادي حدث بنشابور ، محمدبـن
احمدبن اسلمه‌السلمي ابوعبدالله النيشابوري ، محمدبن احمدبن ابرهيم بن‌داود ؛
محمدبن ابرهيم الصابغ النيشابور، محمدبن افلح‌بن عبدالله الملقب‌بالترك‌النيشابوري
كنيته‌ابوعبدالرحمن ختن‌يحيى‌بن يحيى‌علي‌ابنته ، محمدبن احمد بـن حفص ابوعـون
النيشابوري ،محمدبن احمدبن الحليل بـن‌سوادبن عبدالله القـرشي النيشابـوري ،
محمد بن بنداد ابوعبدالله النيشابوري ؛ محمدبن بشربن النجم الحرشي النيشابوري ،
ابوعبدالله محمدبن بكربن خلد ابوجعفر النيشابوري ساكن بغداد ، محمد بن بحر
ابوعبدالله الاسفرايني ،محمدبن الجنيدالزاهد ابوعبدالله الاسفرايني ،محمدبن‌جعفر بن
محمدبن علي ابن حسين‌بن علي‌بن ابيطالب رضي‌عنهم ابوجعفر يعرف بالديباج ورد

خراسان نزل بنشابور وسمع منه مشايخها و توفى بجرجان وله بها مشهد رضى الله عنه ،
محمدبن حجاج بن عيسى السلمى النيسابورى ابوجعفر الوراق محمدبن الحسن بن
الحيرى النيشابورى ، محمد بن الحجاج العـامرى النيشـابورى ، محمدبن الحجاج
النيشابورى، اخواسمعيل بن الحجاج، محمدالحسن بن شهريار النيشابورى ابوعبدالله
محمدبن الحسين بن طرخان النيشابورى ، ابوعبدالله السعرانى الصواف و المنسوب
اليهم سكه طرخان ، محمدبن حفص ابوثابت الجرشى النيشابورى ، محمدبن حماد
ابوعبدالله الابيوردى الزاهد، محمدبن حمدويه بن عبده بن شيبه الانصارى ، محمدبن
الحسين الكابلى النيشابورى ، محمدبن خلد ابوبكر الصومعى الطبرى الزاهد الفقيه
ورد بنسابور و بها ظهر حديثه و بهامات ،محمدبن خلد الحنجرودى ابوبكر النيشابورى
محمدبـن الشامى حدث بنشابـور ، محمد بن خلف بن شعبه النعـمان النيشابـورى
ابوعبدالله القشيرى ويعرف بحمدان بن خلف ، محمدبن خالدبن بشر النيشابورى ابوبكر
المعروف بالفاق ، محمدبن دادويه بن منصور ابوبكر الفقيه الزاهد توفى فى صفر سنه
خمس و ستين ومأتين و دفن فى مقبره حيره ، محمدبن دافع بن ابى زيدالقشيرى
النيشـابورى شيخ عصره فى خراسان ابوعبدالله خطة السكه الادلى بمن باغ الزارس ،
محمد بن رحابن السندى ابوعبدالله النشابورى ، محمدبن زيـادبن سنان القشيرى
النيشابورى ؛ محمدبن زيدبن عبدالله الثعلبى الشامى ابوالحسن البزاز سكن بنشابور
و بهامات ؛ محمدبن سعيدالحلاف النيشابورى ابوعبدالله اخوخشنام ، محمدبن سعيد
القاضى نزيل بنشابور و بهامات ، محمد بن سعيدبـن هناد ابوعالـم العوسخى نزيـل
بنشابور بهامات محمدبن سهل بن ابرهيم بن حماد ابوعبدالله النيشابورى ، محمدبن
سعيد ابولقاسم النيشابورى سكن مصر ، محمدبن سعيد الهروى محمدبن سليمن بن
عبدربه المروزى ، محمد بن شعيب ابوعبدالله الاسدى النيشابورى ، محمدبن شعيب

ابوبکر النیشابوری الحیری ، محمدبن سادان ابوسعید النیشابوری المعروف بالصبری
محمدبن طاهر ابوبکر النیشابوری من رستاق جوین ، محمدبن عبدالله بن حبیب
ابویحیی النیشابوری ، محمدبن عبدالله بن عمار العتکی النیشابوری ، محمدبن عبدالله
الخوی النیشابوری محمدبن عبدالرحمن قدم بنشابور حاجاً ، محمدبن عبدالرحمن
ابوعبدالسعران النیشابوری ، محمدبن عبدالرحمن الانصاری النیشابوری المحتسب
محمد بن عبدالرحمن بن موسی ابوعبدالله النیشابوری ، محمدبن عبدالرحمن ابوجعفر
النیشابوری من رستاق استوا ، محمدبن عبدالرحیم بن سعودبن عبدالله بن رزین
النیشابوری و یعرف بجمش ، محمدبن عبدالوهاب بن حبیب بن مهران العبدی ابو-
احمد الادیب الفقیه الفراو کان اعقل مشایخنا و یلقب بحمد وذلك ان اهل الثروة و
الشرف فی بلاد نا خصوصاً بنشابور یلقبون اولادهم لعزهم وشفقتهم علیهم فیقولون
لمحمد حمدا و حمش اوغیر ذلك ، محمد بن عبدالجبار العبدی ابو مسافر النیشابور
وروی ان الاصمعی لماورد بنشابور نزیل بلاده فی القصر ویعرف الیوم بقصرجند
بسکه شکش وقال الاصمعی سمعت اعرابیا یقول ایاك و الحسناء فانها تزهو علیك
بحسنها و اکثر عشاقها ثم انشأ

ولن تصادف مرعی مرعاً الا وجدت به آثار مأکول

محمد بن عبدالعزیز ابوعمر المروزی ، محمدبن عبدالسلم المؤذن النیشابوری ،
محمد بن علی بن الحسین بن شفیق المروزی ابوعبدالله المطوعی ، محمد بن علی بن
حمزه ابوعبدالله الحافظ المروزی ، محمدبن عمربن زیادبن مهاجربن ابی السمح
النیشابوری ، محمدبن عثمان القیسی النیشابوری ، محمدبن عیسی یزید الطرطوسی
ابوبکر التمیمی وتوفی ببلخ و من قال بنشابور و هم محمدبن عمیره ابوعبدالله الجرجانی
بهراة ، محمدبن عیسی بن عبدالرحمن ابوعلی النیشابوری ، الوزیر بن الوزیر ذوالتمینی

محمدبن عمرویه الهروی ابوعبدالله ، محمدبن عمروالقرشی النیسابـوری ، محمدبن عمرو ابوعبدالله القهندزی ، محمدبن عمرو بن النصر النیشابوری ابـو علی الجوشی ، محمدبن عقیل بن خویلد بن معویة بن سعیدالخزاعی، ابو عبدالله النیشابوری، من اعیان العلماء الصالحین المنسوب الیه المسجد و المناره علی رأس سکه حرب ، محمدبن عبدك ابو عمروالزوزنی النیشابوری ، محمد بـن عنبر بن عثمان الحرشی النیشابوری ، محمد بن کاشه بن محصن ابو عبدالله الکرمانی ، محمد بن عنبر الاطروش ابوالحسن الخزار الکوفی نزیل بنیشابور و مات بها و دفن فی مقبرة بـاب معمر ؛ محمد بـن الفضل المعبری ابو عبدالله الوری الزاهد ؛ محمد بن فیض النیشابوری ؛ محمد بـن القسم بن مجمع الطالقانی النیشابوری ؛ محمد بن کیسان النیشابوری ، ابـو عبدالله التمیمی و یعرف بابی عبدالله المحاملی؛ محمد بن منصور بن عبد الرحمن ابو عبد الله النیشابوری ؛ محمد بن منحل مولی عبد الرحمن بن تمرة القرشی النیشابوری ؛ محمد بن معویه بن اعین النیشابوری، ابو عبد الله الهلالی و یقال ابو علی نزیل مکه ،محمد بـن موسی العال النیشابـوری، ابو عبدالله المطوعـی الفقیه ؛ محمد بن مکی ابو عبدالله المروزی،محمد بن موسی ابو عبدالله السلمی النشابوری محمد بن موسی البلخی ؛ محمد بن مسلم بن واره ابو عبد الله الرازی ؛ محمد بن مسلم النشابـوری ؛ محمد بن مروان الاسدی النیشابوری ؛ محمد بن المهلب السرخسی ، محمد بن النعمان بن بشیر النیشابوری، ابو عبد سکن بیت المقدس و بهامات ؛ محمدبن نوح السعدی النیشابوری،محـمد بن نصرالله النیشابوری ؛ محمد ابن الوجیه النیشابوری،محمدبن هانی بن عبدالله السلمی ابو عبد الله النیشابوری من میدان زیاد،محمد بن یحیی بن عبدالله بن خلد بن فارس النیشابوری، ابوعبدالله الذهلی امام اهل الحدیث فی عصره بلا مدافعه ، محمد بن یوسف بن عبدالله ابـو

سعید النیشابوری و یعرف بالجوسقی ؛ محمد بن یحیی بن عمار ابو مسلم القهستانی رضی الله عنهامحدث کبیر المحل و قیل توفی بنشابور ، محمدبن یونس ابو عبدالرحمن السرخسی ، محمد بن یحیی بن موسی النیسابوری، ابوعبدالله الاسفراینی و یحیی ملقب یحیویة ، محمد بن یزید بن عبدالله النیشابوری ، ابو عبدالله السلمی شیخ اهل الرای ،محمدبن یحیی ، محمد بن یوسف ابوبکر المقری النیشابوری ، محمد بن یحیی ابو ابراهیم الصفار النیشابوری ،محمدبن یحیی بن سعید ابوبکر النیشابوری و هو ولد ابراهیم بن محمد الصیدلانی ، محمد بن یحیی بن بلال البزاز النیشابوری والد ابی حامد البزاز

الامام مسلم بن الحجاج بن مسلم ابو الحسین القشیری النیشابوری المقدمو الحجة فی التمییز بین الصحیح و السقیم وکان مسکنه اعلی الزمجار و منجزه خان محمش و معاشه من ضیاعه باستواو توفی رحمة الله عشیة یوم الاحد و دفن یوم الاثنین لخمس سبعین من رجب سنه احدی وستین و مأتین ومقبرته فی راس میدان زیاد

قال الحاکم رضی الله عنه سمعت ابا عمرو بن ابی جعفر یقول سمعت ابا العباس بن سعید بن عقده و سألته عن محمد بن اسمعیل البخاری و مسلم بن الحجاج النیشابوری ایهما اعلم فقال کان محمد عالماً و مسلم عالماً فکررت علیه مراراً و هویجیبنی بمثل هذا الجواب ثم قال لی یا عمرو قد یقع لمحمد بن اسمعیل الغلط فی اهل الشام و ذاك انه اخذکتبهم فنظر فیها مربما ذکر الواحد منهم بکنیته و یذکرو فی موضع آخر باسمه و یتوهم انهما اثنان فامام مسلم فقل ما یقع له الغلط فی العلل لانه کتب المسانید ولم یکتب المقاطیع والمراسیل

ذکر مصنفاته کتاب المسند الکبیر علی الرجال ، کتاب الجامع الکبیر علی الابواب کتاب الاسامی و الکنی کتاب المسند الصحیح ، کتاب التمییز ،

کتاب العلل، کتاب الواحدان ، کتاب الافراد ، کتاب الاقران ، کتاب سئوالات احمد ابن خلیل ، کتاب الانتفاع باهب السباع ، کتاب عمرو بن شعیب مذکر من لم تحیج بحدیثه و ما اخطأفیه ، کتاب مشایخ مالك بن انس ، کتاب مشایخ الثوری ، کتاب مشایخ سعبه ، کتاب ذکرمن لیس له الاراو واحد من رواة الحدیث ، کتاب المخفرنین کتاب اولاد الصحابه فمن بعد هم من المحدثین ، کتاب ذکر اوهام المحدثین ، کتاب تفصیل السنین ، کتاب طبقات التابعیین ، کتاب افراد الشاملین من الحدیث عن الرسول صلی الله علیه و سلم ، کتاب المعمر فیه ذکر ما اخطاء معمر

مسلم بن الحسین الذهلی النیشابوری و یقال انه ابو معاذ بن مسلم ، بن معاذ بن مسلم ابو سلمه النیشابوری، مسلم بن الحسین بن معاذ بن مسلم النیشابوری رای سفیان بن سعید الثوری ، موسی بن یزید بن عبد الرحمن ابو عمران الاسفنجی النیشابوری واسفنج من رستاق ارعنان ، موسی بن ابراهیم بن سعد ابو عمران الروزنی النیشابوری، موسی بن یزید العمی النشابوری، موسی بن سلیمن عبد الرحمن ابوعمران النیشابوری ، مسعود بن عبدالله بن زرین بن محمد بن برد ابو عبدالله السلمی النیشابوری القهندزی اخو الجماعة و هو اولهم ، مسعود بن قتیبة بن زیاد ابو قتیبة النیسابوری ، منصور بن طلحة بن طاهر ابوالعباس اخو عبدالله طاهر و خلیفة مرو و سرخس و مرو الرود وکان عالماً و هو مدفون بنیشابور بالشاد یاخ فی محلة محمدآباد ومن اشعاره فی الحیة الکثیفة الطویله لیس للحیة الطویلة معنی غیر قبیح اسمها و عم النوادان راها الحکیم اعرض عنها ادراها الشنعیه قام ینادی و قال لمدح الخلیفة الواثق بالله

ان الذی بعث النبی محمدا	و هب الخلافة للامام المهتدی
قمران اجدی و ناران سطا	لا یعدلان عن الطریق الاقصد
اشرب علی وجه السرور مدامة	خمراً کالعیوق او لفرقد
من لون اعید قد تضرع کفه	من لونها اوخده المثورد

قال ابو تمام فى حق عبدالله طاهر و لم يقبل صلته .

يا ايها الملك المقيم بيلدة	لاتأمنن حوادث الا زمان
صاح الزمان بآل برمك صيحة	خروا لشدتها على الاذقان
وثنى باخرى مثلها فازادهم	واتى الزمان على بنى ماهان
و غدايصيح بآل طاهر صيحة	غضب يحل بهم من الرحمن

منصور بن جعفر بن عبدالله بن زرين السلمى النيشابورى ابو العباس ، منصور بن الحارث الزمجارى ابو عبد الرحمن النيشابورى ميشر بن عبدالله بن رزين بن محمد ابن سرو السلمى ابوبكر النيشابورى اكبر الاخوة التهند زى ، ميسر بن القاسم النيشابورى اخوانس ، مسيب بن زهير بن مسلم ابو مسلم البغدادى نزيل بنشابور و بهامات ، مسرور بن موسى ابو عبدالله النيشابورى ، مسرور بن نوح بن خزيمه ابو بشر الذهلى النيسابورى ، معاذ بن الحارث بن معاذ بن محمد بن مخلد بن حسان السامى النيسابورى، معاذ بن مسلم بن رجا و رجا اسمه فى العجم ابادوار النيشابورى معاذ بن خلد النيشابورى مسكن عستلان ، معاذ بن اسدالمروزى حدث بنشابور ، مقاتل بن ابراهيم ابو الحسن العامرى البلخى القلاس ، مخلد بن مالك ابو جعفر الحمال الرازى سكن بنشابور و بها خرج حديثه و بهامات ، مخلد بن عمرو بن لبيد ابو موسى البلخى حدث بنشابور فى ميدان الحسين بن معاذ ، مخلد بن خلد بن عبدالله التميمى النشابورى ابو عبدالله ، محمود بن خداش الطالقانى ، محمود بن غيلان ابو احمد المروزى ، محمود بن محارب ابو سهل النيشابورى ، محمود بن هشام بن محمد بن ميمون بن ابراهيم ابو يحيى النيشابورى ، محمود بن احرب ابو حامد المقرى النيشابورى ، محمود بن يزيد النيشابورى، مهدى بن حرث النيشابورى من رستاق استوا من قرية يقال لها الفرعرى ، محمش بن عصام النيشابورى ابو عمرو المعدل مهر جان الزاهد النيشابورى، محمش بن عبد الرحمن السالمى ، مطرف بن عبدالله

اليشابوری نصر بن فضاله ابو عبد الرحمن النيشابوری، نصر بن خلف بن ابو محمد
النيشابوری ، نصر بن زياد بن نهيك بن حسل القاضی النيشابوری ابو محمد وكان
كوفی المذهب واعقابه عواخر هم كوفيون وولی قضا بنشابور سنه ثلث عشرو مأتين
و توفی لسبع بقين من سفر سنه ست وثلثين ومأتين هوابن سته و تسعين ، نصر بن
جناح ابو الليث القهستانی ، نصر بن ابرهيم ابو احمد النيشابوری الحقاف ، نصر بن
خلف الفرا ابومحمد النيشابوری. نصر بن الحسين المعزى بقروية التاجر النيشابوری
نصر بن جميل القشيری النيشابوری ، نصر بن عبدالله بن مروان النيشابوری ابوالقسم
المؤدب نزيل بغداد ، نصر بن مهران ابو سعيد الطوسی حدث بنشابور ، نوح بن صالح
ابو القسم الفرا النيشابوری، نوح بن عبدالرحمن الصيرفی النيشابوری، النصر بن محمد
ابن النصر بن سلمه بن الحرود بن يزيد ابو محمد النيشابوری البيشكی و هی قصبة
الرخ و بقره الان بيشكی مشهد يزار قال يحيی بن منصور القاضی ان سعيد بن عثمان
ابن عفان لما توجه الی خراسان وردعلی طريق اصبهان الی بيشك و منها الی طريق
الرخ فل نزل بيشك مرض بها فتزوج و خرج و قدولدت له بنتاً فسما هاعين نساء و
كانت بيشك الی ان تزوج بها محمدبن نصر البيشكی وكان من علماء الوقت فولدت
ابناً فسماه النصر و هو النصر بن محمد البيشكی جدوالد ابی الحسن المحمی النصر
ابن سلمه بن عروة ابو سعيدالنيشابوری ، النصر بن سلمه المؤدب النيشابوری ، النصر
ابن منصور ابو غياث الحادثی النيشابوری ، نعيم بن زياد بن ابا زياد النيشابـوری ،
نعيم بن مرتع ابوالفضل النيشابوری نعيم بن ذرين بهلول ابو منصور النيشابـوری ،
وليد بن محمد بن النعمان ابو سعيد السلمی البصری وكان ملقب بـالحجام حـدث
بنشابور هرون بن المهدی بن المنصور ابو جعفر الرشيد امير المؤمنين و هومـات
بسنا باد طوس و هی قرية وهو ابن ستة و اربعين سنه وكانت خلافته ثلث وعشرين

سنة و شهرين و ثلثه عشر يوما ، هرون بن عمرو الار غيانى من رستاق نيشابور ، هرون بن يزيد بن اخت ابى جعفر محلد بن مالك النيشابورى ، هاشم بن الوليد ابوطالب الهروى سكن بغداد ، هيثم ابن سعيد النيسابورى ؛ هشام بن الزبير الشيبانى النيسابورى همام بن علی النسابوری . ابو الحسين البشکری و یعرف مالسورسی ، هملم بن زکریا ابومحمد النيسابورى ، يحيى بن محمد بن يحيى بن عبدالله بن خلد بن فارس الذهلى حيكان امام نيشابور فى الفتوى و الرياسة و سكه و مسجد منسوبتان اليه و صار شهيداً ، يحيى بن معاذ الرازى ابو زكريا الواعظ سكن به نيشابور و توفى بها و قبره فى مقبرة باب معمر القريب من قبر احمد بن حرب رحمهما الله ، يحيى بن جعفر بن عبد الله السلمى ، يحيى بن ابراهيم الضرير النيسابورى الزاهد ، يحيى بن المسى ابو زكريا النيسابورى يحيى بن اسحق بن حكيم بن ابى خديجه النيسابورى يحيى بن صالح النيسابورى ، يحيى بن معاذ بن مسلم النيسابورى يحيى بن بكر بن مسلم النيسابورى يحيى بن الياس النشابورى يحيى بن الحسن بن غافم النيسابورى ، يحيى ابن اكثم بن محمد التميمى ، ابو محمد القاضى المروزى ، يحيى بن عاصم البخارى حدث بنشابور و اقام بها ، يحيى بن الحسين ابو زكريا الا سفراينى النيسابورى و يقال انه من قرية خوريد من اسفر ابن رستاق نيشابور ، يحيى بن عامر بن خداش النيسابورى يحيى بن الجنيد ابو زكريا النيسابورى ، يحيى بن حماد كاتب عبدالله طاهر وهو نيشابورى ، يحيى بن منصور الزوزنى من رستاق نيشابور ، يزيد بن صالح ابو خالد الفرا النيسابورى، يزيد بن مخلد ابو خالد الهروى حدث بنيشابور يعقوب ابن سفيان ابو يوسف القسوى امام اهل الحديث بفارس ، يعقوب بن يوسف النيسابورى يعقوب بن عبدالله ابو يوسف النيسابورى ، يعقوب بن اشرش ابويوسف، يوسف بن عيسى البخارى ابو يعقوب ساكن نيشابور وله دار معروف بها ، يوسف بن يحيى

ابن‌عبدالله بن خلد بن فارس الذهلی اخوالامام محمد بن یحیی ، یاسین بن‌النصر بن یونس بن سلیمن بن سلمن الباهلی ابو سعید القاضی النیسابوری و خطة سلیمان بنشابور مشهوره ؛ یعمر بن بسر المروزی من‌کبار اصحاب عبدالله مبارك یونس بن آدم ابو محمدالنیسابوری ، یونس بن افلح ابو محمد الملقب باکترك النیسابوری ابو الاسود المنسوب الیه المحلة و هی محله فی اعلی البلد بنشابور علی‌طریق‌الجبل تدعی باب ابی الاسود ؛ ابو نصر الدهان النیشابوری ؛ ابوبکر بن ابی‌طالب اخو ابراهیم بن ابی طالب

ذکر الطبقة الخامسة من علماء نیسابور و من دخلها و نشر علمه

ابرهیم بن اسحق بن مهران بن عبدالله الثقفی النیسابوری سکن بغداد الی ان توفی بها وکان احمد بن حنبل یحضره و یبسط فی مجلسه و یفطر عنده و هو اکبرالاخوة؛ ابرهیم بن احمد بن عبدالله بن خبله ابو اسحق الهروی ، ابرهیم بن اسحق بن یوسف الا نماطی ابواسحق النیشابوری ابرهیم بن‌اسمعیل الغیری ابو اسحق الطوسی‌محدث عصره‌بها ، ابرهیم بن اسمعیل النیشابوری ، ابرهیم بن اسمعیل ابو اسحق المعدل النیسابوری القران ، ابرهیم بن بلال ابو اسحق الاسفراینی و هو نیسابوری؛ ابرهیم ابن‌جعفر بن الولید ابو اسحق المعدل النیسابوری من باغ الرازمین ، ابرهیم بن ابو اسحق الکرامینی النیشابوری من محلة الجوری ، ابرهیم بن الحسن النیسابوری المیدانی من میدان زیاد ، ابرهیم بن حمش الزاهد ابو اسحق الواعظ النیشابوری ابرهیم بن الحصین بن بشر النیشابوری ، ابرهیم بن خلد الزوزنی ابو اسحق ، ابرهیم بن زیادة العابد النیشابوری ، ابرهیم بن سعید ابو اسحق النیشابوری المعرف ماکزمکی ، ابرهیم بن سلمة بن زیاد النیشابوری ، ابرهیم بن علی بن محمد بن آدم الذهلی ابو اسحق النیشابوری ، ابرهیم بن‌علی المرورودی حدث بنشابور ؛

ابرهیم بن علی بن‌الحسین ابو اسحق الترمذی نزیل بنشابور ، ابرهیم بن عمر بن عباد النیسابوری ابو اسحق الحیری ، ابرهیم بن‌عیسی بن عمیر الذهلی ابو اسحق النیشابوری ، ابرهیم بن عبدالرحمن بن‌سهل الاناذباری ابو اسحق النیسابوری ، ابرهیم بن الفضل بن اسحق الهاشمی و الفضل ملقب بفضلویه ؛ ابرهیم بن محمد بن نوح بن عبدالله بن خلد بن اشر بن ابو اسحق المزکی النیشابوری و محمد مکنی ابوطالب ، عبدالله بن سعیدیقول ما رأیت مثل ابرهیم بن ابی طالب ولارای مثل نفسه‌و توفی یوم الاحد الثانی من‌رجب سنه خمس و تسعین و مأتین و دفن فی مقبرةالحسین ابن‌معاذ و قال ابو عبدالله محمد بن‌یعقوب الحافظ غیر سره یقول‌انما اخرجت مدینتنا هذه من رجال الحدیث ثلثه محمد بن یحیی و مسلم بن الحجاج و ابرهیم بن ابی طالب رحمهم الله و له تصانیف فی علم الحدیث ، ابرهیم بن محمود بن حمزةالفقیة ابو اسحق المالکی المعروف بالقطان و مسجده و مدرسة المعروف بمیان دهیه ولم یکن بعده للمالکیه بنیسابور مدرس ؛ ابرهیم بن سعید ابو اسحق المعدل الصیدلانی ابرهیم بن محمد بن مخلد النیشابوری ابو اسحق الضریر ، ابرهیم بن عبدالله بن موسی بن‌جعفر بن محمد بن علی‌بن‌الحسین بن علی بن‌ابیطالب رضی‌الله عنهم‌المعروف بابی اسحق الاسبح المدنی‌حدث بنشابور سنه خمس و ثمانین و مأتین ؛ ابرهیم بن محمد بن عبدالله الا بیوردی نزیل بنشابور ، ابرهیم بن محمد بن‌هانی ابو اسحق النیشابوری‌المحدث علی‌رأس میدان زیاد ، ابرهیم بن مخلد ابو اسحق البلخی‌سکن بنشابور ، ابرهیم بن محمد بن هاشم ابو اسحق البناتخدی النیشابوری ، ابرهیم بن محمد بن‌سفیان ابواسحق‌النسابوری‌الفقیه ، ابرهیم بن محمد بن‌اسمعیل النیسابوری ابرهیم‌بن الحسن‌المهلبی ابو اسحق النیسابوری ، اسمعیل بن قتیبة بن عبدالرحمن السلمی ابو یعقوب الزاهد البتبقانی و هی قریة علی نصف فرسخ من البلد وکان‌اکبر

من وجوه نيشابور توفى سنه خمس و ثلثمائه بمحلة سولقا باد و هناك خطتهم و قبورهم ، احمد بن ابرهيم بن ابى صلح المروزى ابو صلح نزيل نيشابور ، احمد ابن اسحق بن ابرهيم الطوسى نزيل بنشابور ، احمد بن حمدويه بن مسلم ابو على البيهقى من رستاق بنشابور و من قرية ايوره محـدث كبير ، احمد بن حمدون ابو حامد الاعمش النيسابورى ، احمد بن حجاج بن عاصم بن مرواس النيسابورى ابو جعفر ، احمد بن الحسن بـن فضل ابـوالفضل المستملى النيسابورى ، احمد بن حفص الزاهد النيشابورى ، احمد بن حذيفه ابوالحسن النيسابورى البشتى ، احمد ابن خلد ابوالحسن الدامغانى نزيل بنشابور شيخ كبير و سكن بنشابور و توفى بهـا احمد بن خلد بن احمد الذهلى ابومحمد ولم يكن فى اولاد خلد بن احمد الامـير افقه منه قول قضا بنشابور احمد بن خلدالحيرى ، احمدبن الخليل بن محمدالبشتى احمد بن زرعة بن قيس الذهلى النيسابورى ، احمد بن سلمة بن عبدالله النشابورى ابوالفضل البزاز ، احمد بن سهل بن بحر ابوالعباس النيسابورى ، احمد بن سهـل بن مالك ابوبكر الاسفراينى النيسابـورى ، احمد بن سعيد بن مسعود ابو العباس المروزى قيل ما اخـرجت خراسان من الـرؤسا مثل ابى العباس فى الرأى والعقل والدها ، احمد بن سليمن العبدى النيسابورى ، احمد بن شعيب بن بحر ابو عبد الرحمن الفقيه ، احمد بن صلح بن عبدالله ابوبكر الجوهرى النيسابورى ، احمد ابن عماد بن كوكب ابوالحسن العامـرى ، احمد بن يملـك ابو العباس الجوهرى المروزى والدعمر اقام بنشابـور مفيدا ومستفيدا ، احمـد بن عمرو بن معقل ابو حامد النيسابورى ، احمد بن على بن عبدالله المعروف بابى على الانصارى ، احمد ابن على بن عبدالله بن سنان النيسابورى ، احمدبن عبدالله ابوحامد المناشلى النيسابورى من محله مناشل ، احمد بن عقيل بن الازهر البلخى ، احمد بن عثمان بن عبدالرحمن

النسوی ابو عبد الرحمن ، احمد بن علی العدنـان النیسابوری ، احمد بن عبدوس
بن حمدویه ابو العباس النیسابوری ، احمد بن عباس بن حمزة الواعظ النیسابوری ،
احمد بن علی بن اسد البردعی ، احمد بـن الفضل بن منصور ابو حامد السامانی ،
احمد بن محمد بن عمار النیسابوری ابو حامد المستملی ، احمد بن محمد بن سعید
الصیدلانی ، احمد بن محمد بن سالم ابو حامد النیسابوری ، احمد بن محمد بن
الازهر بن السحری ابوالعباس الازهری ، احمد بن محمد بن یزید البزاز ابو حامد
النیسابوری ، احمد بن عبیده بن زیاد النیسابوری ابوبکر الوبری ، احمد بن محمد
ابن موسی الدهقان النیسابوری ، احمد بن محمد بن بکر النیسابـوری ابو العباس
نزیل بغداد ، احمد بن محمد بن الحسن ابو بکر الذهبی من ماملة بلخ و عداده فی
نیشابور بین و بها مسکنه و اعقابه ، احمد بن محمدبن ابی خلدابو جعفر الاصبهانی
نزیل بنشابور قدیما و توفی جمادی الاخر سنه ثلث وثلثمائه و دفن فی مقبره باب معمر
احمد بن محمد بن عمر ابوبکر المکندری مولده المدینه ومنشائه الحرمین و ورد
بنشابور واقام بها و ولد له بها ابـو عمر المکندری ، احمد بن محمد بن نصر ابـو
جعفر الترمذی ، احمدبن محمد بن عمر بن بسطام ابوبکر المروزی والمراوزه بهایسمونه
البسطامی ، احمد بن محمد بن آدم الشاشی ابوبکر احمد بن محمد بن عمر ابو
الحسن النیسابوری ، احمد بن محمد بن حفص بن یزید بن مسلم بن علی الحرسی
ابو عمرو الحیری شیخ نیسابور فی عصره فی الریاسه والعداله و الثروة والتحدیث و
وفات الشیخ الجلیل الزکی بن الزکی العاشر من آذر ماه سنه سبع عشره و ثلثمائه
رحمه‌الله و صلی علیه فی مصلی حیره ، احمد بن محمد بن هاشم المعدل ابوحامد
الطوسی سکن بنشابور الـی ان مات بـها ، احمد بـن محمد بن جعفر ابو حامد
النیسابوری ، احمد بن محمد بن حامد ابو نصر البلخـی ، احمد بن عبد الکریـم

الجرجاني وكنيته ابو زرعه ، احمد بن حبيب الدهان النيسابورى ، احمد بن محمد ابن عمار المستملى النيسابورى ، احمدبن المبارك الزاهـد ابو عمروالمستملى و ملقب بحملويه العابد وكان مستجاب الدعوة و راهب اهل عصره دعا يوم الجمعه وقال اللهم اقبضنى اليك فمات ليلة الخميس الحادى عشر من جماد الاخره من سنه اربـع و ثمانين ومأتين و دفن عشية يوم الجمعه فى مقبرة الحسين بن معاذ رحمه الله رحمة واسعه ، احمد بن محمد بن سعيد ابوحامد الصيدلانى النيسابورى ، احمد بن محمد ابن الحسين ابو العباس الماسرخس بن بنـت الحسن بن عيسى النيسابورى ، احمد بن نصر بن ابرهيم ابوعمرو الحافظ المعروف بالخفاف ومات يوم الاحد بسبع خلون من شعبان سنه تسع و تسعين و مأتين و دفن يوم الاثنين تحت الحوض الذى لصدق به رحمه الله رحمة واسعة ، احمد بن نصر بن عبدالوهاب النيسابورى ، احمد بن نصر البوزجانـى الشهيد و بـوزجان من رساتيق نيشابور ، احمد بن هرون البـودنجى ابوبكر البرزعى الحافظ ، احمد بن يحيى بن يوسف اسمه يعقوب ابوبكر البسطامى المقيم بنشابور اليلس بن رجاالنيسابورى ابو اسحـق الدهقان ، بدل بن محمد بـن اسدالحوشى الاسفراينى ، بشار بن حمدان ابو عفان المعـدل النيسابورى ، تميـم ابن محمد بن طمغاج ابو عبد الرحمن الطوسى ، جعفر بن محمد بن الحسن ابوالفضل النيسابورى شيخ عشيرته فى عصره ، جعفر بن محمد بن سواد بن سنان ابـو محمد النيسابورى من اكابر الشيوخ ، جعفر بن احمد بن ابى عبدالرحمن النيسابورى ، جعفر بن احمد بن نصر ابو محمد الحافـظ المعروف بالحصيرى ركن مـن اركان الحديث بنشابور فى الحفظ والاتقان و توفى سنه ثلث و ثلثمائه و دفن بشاهنبر ، جعفر بن سهل ابوالفضل المذكر النيسابورى ، جعفر بـن محمد بن موسى الحافظ ابو محمد النيشابورى ، جعفر بن المفيد بهذا يعرف فى بغداد وبنيشابور مسكنه و

عشیرته ، جعفر بن شعیب ابو محمد الشاشی ، جعفر بن احمد بن سلمه السلمی ابو محمد النیسابوری ، جعفر بن ولویه النیسابوری ابو محمد الدقایق ، جعفر بن محمد بن الفضل بن زیاد التمیمی ابوالفضل النیسابوری السعدی الملقب بصعومه جعفر بن محمد بن القسم الزاهد ابومحمد النیسابوری ، جعفر بن حمویه الفارسی نزیل بنشابور ، جعفر بن محمد بن الحرات النیشابوری ، جعفر بن یعقوب بن سلیمن المقری النیسابوری المطوعی ، جبریل بن مخاع بن الفضل السمرقندی ، الحسن بن سفیان بن عامر بن عبدالعزیز بن النعمان بن عطاء الشیبانی ابوالعباس النسوی من قریة بالوز و هی علی ثلث فراسخ من بلد النشابور و محدث خراسان فی عصره و توفی رضی الله عنه سنه ثلث و ثلثمائه ، الحسن بن مخلد بن سنان النیسابوری ابو محمد المطوعی ، الحسن بن علی بن نصر ابو علی الطوسی الملقب بکروش توفی بطوس ، الحسن بن حمدون بن الولید بن عسان بن الولید مولی عبدالقیس ابوعلی النیسابوری و کان یسکن بباب عروة ، الحسین بن علی ابی عیسی الهلالی ابو علی النیسابوری الدرا بجردی المحدث بن المحدث ، الحسن بن ابی جعفر واسمه محمد بن یحیی الجوزجانی ابو علی الحاجی ، الحسن بن عبدالله ابو علی النیسابوری ، الحسن بن علی بن القاسم بن عباس بن عبدالصمد ابو علی الشادیاخی ، الحسن بن الازهر بن الحارث بن سکسک النیسابوری ابو علی السکسکی ، الحسن بن عبدالرحیم بن سهل بن نوفل النیشابوری ابو علی : الحسن بن صاحب بن حمید ابوعلی الشاشی ، الحسن بن عبدالله بن مخلد النیشابوری ، الحسن بن جعفر بن محمد الهمدانی نزیل بنسابور ، الحسن بن بالربه بن زید بن سیار النیسابوری ابو علی الحیری ، الحسن بن اسمعیل بن سلیمن ابو علی الفارسی نزیل بخارا ، الحسین بن الحسن بن مهاجر بن النیسابوری ابو محمد المهاجری من کبار المحدثین و کان

يحدث فی سكه معقل فی مسجد عبدالله عامر و توفی فی سنه ثمان و سبعين و مأتين
الحسن بن محمد زياد نيشابوری ابو علی القيانی الحافظ احدارکان الحديث واستاد
محمد بن اسمعيل البخاری ، الحسن بن احمد بن حفص بن عبدالله النيسابوری ابوعلی ،
الحسين بن معاذ بن محمد منصور النميری ابو علی النيسابوری مسكنه بباب
عروة ، الحسين بن علی بن مهران النيسابوری ابو علی الدقاق ، الحسين بن احمد
بن الفضل بن عبدالله بن عيسى ابو علی البلخی ، الحسين بن اسمعيل بن علی الارنيانی
ابو عبدالله النيسابوری وارنيان قرية من رستاق استوا الحسين بن معاذ بن ادريس
النيسابوری ابو عبدالله المودب ، الحسين بی عبدالله بن محمد بن مخلد النيسابوری
الحافظ ابو علی الباعكی ، الحسين بن المسيب ابو علی المروزی نزيل بنشابور ،
حمدون بن احمد بن بكر النيسابوری ابو نصر الذهلی ، حمدون بن احمد بن عمار
بن رستم النيسابوری الزاهد ابو صلح القصار وكان من الابدال من اصحاب ابی حفص
و هو والدابی حامد الاعمشی ، حمدون رجا بن رجا بن شجاع بن المهدی النيشابوری
ابو رجا العمری من محلة الزمجار ، حمدون بن الفضل بن عمر النيسابوری ابوسعيد
الخفاف ، حمدون بن خالد بن يزيد بن زياد النيسابوری ابو محمد الملقابادی ،
حماد بن معاذ بن سعيد بن حماد الباهلی ساكن نيشابور ابو سليمن ، حاتم بن
الحسين ابو سعيد الساسی نزيل نيسابور ، حاتم الخليل بن سنان بن عبد الرحمن
ارداد القرشی السمرقندی الحراث بن زكريا المقری ابو سعيد النيسابوری ، حامد
بن موسى الابزاری وهی قرية بقرب البلد ، حمدان بن محمد بن رجا ابوعلی البيهقی
حمادبن الحكم ابوبكر النيسابوری ، حم بن احمد بن سعيد بن محمد البلخی ،
حمويه بن عماد النيسابوری ابو عبد الرحمن السراج ، حيان بن محمد بن حيان
الميرانی النيسابوری ، خلد بن احمد بن خلد بن حماد بن عمرو بن مخلد بن ملك

و هوالخمخام بن الحارث الذهلى الامير توفى ابوه بنشابور و هو احمد بن خلدو يقال خلد ولد بنشابور و سكن بخارا و له بها آثار مشهورة محمودة الا ما فعل فى حق امام اهل الحديث محمد بن اسمعيل البخارى الجعفى فانها زلة و سبب لزوال ملكه ، خشنام بن اسمعيل بن مسيب ابوبكر النيسابورى من المتقين الاثبات ، خشنام بن ابى معروف النيسابورى ابو محمد داود بن الحسين بن عقيل بن سعيد النيسابورى ابوسليمن الخسروجردى ، داودبن عبيدالله بن الفضل النيسابورى ابوالفضل الاستوايى، زكريا بن دلشاد بن مسلم بن العباس النيشابورى ابو يحيى الفرهادجردى، زكريا بن داود بن بكر بن عبدالله النيسابورى ابو يحيى الخفاف المقدم فى عصره ، زكريا بن يحيى بن الحرث النيسابورى الزكى ابو يحيى البزاز شيخ اهل الراى فى عصره وله مصنفات كثيرة ، زكريابن يحيى بن موسى بن ابرهيم النشابورى ابويحيى الملابادى ، زكريابن ولويه الزاهد النيشابورى ابويحيى الواعظ ، زكريا بن يحيى حوثرة البرنودى النيسابورى ابو يحيى الدهقان ، زنجويه بن محمد بن الحسن بن عمر النيسابورى ابو محمد الزاهد المعروف باللباد وكان من العباد ، سعيد بن اسمعيل بن سعيد منصور ابو عثمن الزاهد الواعظ الحيرى وبها مسجده و و منزله وله بالرى و نشا بها ثم سكن بنشابور الى ان توفى بها وكان مجاب الدعوة و مجمع العباد والزهاد وكراماته كثيرة لايحصى و توفى رحمة الله عليه ليلة الثلثالعشر بقين من ربيع الاخر سنه ثمان و تسعين و مائتين ، سعيد بن شادان بن محمد ابو عثمان النيسابورى وهو الذى يعرف سعيد بن ابى سعيد البشتى سعيد بن عيسى بن زيد ابو عثمان النيسابورى وكان من فقها اهل الكوفه ، سعيد بن سعيد ابو عثمان النيسابورى ، سليمن بن سلام ابو داود النيسابورى ، سليمن بن منصورابو داود

النیسابوری ، سهل بن عبد العزیز سورةالصنعانی ، سلیمن بن اسرائیل ابوعبدالله الخجندی ، شعیب بن ابرهیم بن شعیب النیسابوری ، ابو صالح العجلی هویقول سمعت اعرابیا یقول ما اطیب الثلج بماء العذب یستخرخ الحمد من اصل القلب ، صلح بن خخضویه النیسابوری وکان من حفاظ الحدیث ، صلح بن محمدالجوینی ابو سعید النیسابوری ، صلح بن محمد رجیح الترمدی طیب بن محمد بن طلحه بن طاهر النیسابوری ابو اسحق الطاهری ، عبدالله بن احمد بن شبویه ابو عبدالرحمن المروزی من ائمه اهل الحدیث ، عبدالله بن احمد بن الهیثم بن مخلد ابو محمد النیسابوری الخفاف ، عبدالله بن اسحق بن الیاس بن ابی عصام النیسابوری ابوالقاسم من باب عروة ، عبدالله بن احمد بن جعفر السرخسی ابو محمد الفقیه ، عبدالله بن بشر بی عمیرة البکری ابو محمد الطالقانی سکن بنشابور و بهامات ، عبدالله بن نحر بن عبدالله بن طیفور ابوبکر الطیفوری ، عبدالله بن جعفر بن خاقان بن غالب من ولد حجاج بن غلاط السلمی ابو محمد المروزی محدث عصره ، عبدالله بن الحسن بن ایوب السلمی من الزهاد رازی ، عبدالله بن زید بن سیار ابو محمد النیسابوری المودب ، عبدالله بن سلمه بن یزید القاضی النیسابوری ابو محمد بن سلمویه ، عبدالله بن سلیمن بن الاشعث بن اسحق بن بشر بن عمرو بن عمران الازدی و قتل عمران یوم صفین بین یدی امیرالمومنین علی علیه السلام ، عبدالله بن صلح بن یونس ابو محمد الفرائضی النیسابوری ، عبدالله بن علی بن الجرود ابو محمد النیسابوری نزیل مکه ، عبدالله بن عمر بن سلیمن ابوالعباس الرکنی النیسابوری عبدالله بن قتیبه بن سعید الثقفی ابو قتیبه بن ابی رجا البغلانی ، عبدالله بن محمد بن محمد بن عبدالرحمن الفقیه النیسابوری ابو محمد بشرویه و محمد ملقب بحمویه

القرشی ، عبدالله بن محمد داود النيسابوری الدهان ، عبدالله بن محمد بن علی الحافظ
البلخی رکن الحديث وله مصنفات فی التواريخ والعلل و غيرها ، عبدالله بن محمد بن
العباس ابو محمد المروزی ، عبدالله بن محمد بن الحسن المؤذن النيسابوری
ابو محمد الحيری ، عبدالله بن محمد بن عمر ابو محمد النصر آبادی النيسابوری
من محلة نصر آباد فی اعلی البلد وکان بذکر اصحاب الرأی ، عبدالله بن عمرو القراطی
الواعظ النيشابوری ابوبکر ، عبدالله بن محمد بن سعيد ابومحمد المروزی ، عبدالله بن
محمد بن عبدالله بن يونس بن عبدالله السمنانی ابوالحسين من اعيان المحدثين ، عبدالله
بن محمد بن الحسن بن شهريار النيسابوری ، عبدالله بن محمد بن مالك النيسابوری نزيل
سمرقند ، عبدالله بن محمد بن رجا النيسابوری ابومحمد ، عبدالله بن محمد بن
ابی خلد النيسابوری ابومحمد الصيدلانی ، عبدالله بن محمد بن عبد العزيز الجرجانی
ابوالحصب العاصی ، عبدالله بن هرون بن يحيی النيسابوری ابوبکر الحری ، عبدالله بن
يحيی بن موسی السرخسی ابومحمد العاصی ، عبيدالله بن عبدالله النيسابوری
ابوعبدالرحمن الحداد نزيل بغداد ، عبدالرحمن بن محمد بن عقيل بن خويلد بن اسد
الخزاعی صاحب رسول الله صلی الله عليه وسلم ، عبدالرحمن بن الحسن بن خلد القاضی
ابوسعيد النيسابوری امام اهل الرأی فی عصره بلامدافعه وخطته وخطه اسلافه محله متاشل ،
عبدالرحمن بن جعفر ابوسعيد النيسابوری سکن مرو ، عبدالرحمن بن رجا ابوالقسم
النيسابوری فقيه لاهل الرأی من قرية بزديغر ، عبدالرحمن بن يوسف بن خراش الحافظ
البغدادی ، عبدالرحمن بن بحر بن معاذ النسوی ابومحمد البزاز ، عبدالملك بن الحكيم
بن عبدالملك النيسابوری ابوبکر بيهقی الملقب بعبدان الخسروجردی ، عبدالصمد بن
هرون بن عمرو بن حنان بن يزيد القيسی النيسابوری وهو يلقب بمقاتل قيتبه ، عبدالرحمن
بن عيسی الجرجانی ابوعبدالرحمن ، عبدان بن محمد بن عيسی الحافظ ابو محمد

المروزی الزاهد علی بن ابرهیم بن احمد ابوالحسین النسوی اقام بنشابور ، علی بن احمدبن محفوظ بن معقل ابوالحسن المحفوظی النیسابوری و سکه معقل خطهتم ، علی بن احمد الفقیه الشافعی الجرجانی ، علی بن الحسن بن شهریار ابوالحسن الرازی نزیل بنشابور وقبره بالحیره ، علی بن الحسین بن بشر بن القسم النیسابوری ابوالحسن الفقیه ، علی بن الحسن بن سلم الاصبهانی ابوالحسن الحافظ ، علی بن مهران النیسابوری ابوالحسن الصفار من محله باب عروة ، علی بن الحسن بن هشام ابوالحسن النیسابوری ، علی بن حمدون بن هشام ابوالحسن النیسابوری من اجله مشایخنا ، علی بن الحسین بن بشار النیسابوری ابوالحسن الکرمانی کان ابوه من اهل کرمان نزیل بنشابور ، علی بن خاتم البخاری ابوالحسن الحاجی ، علی بن الحسن بن معاذ النیسابوری ابوالحسن السحتیانی ، علی بن حمدان بن سلمه ابوالحسن المروزی ، علی بن سعید بن عبدالله ابوالحسن العسکری من اعیان المحدثین کثیر التصنیف وقد حدث عنه حفاظ الدنیا فی عصره وتوفی بالری سنه ثلث عشره وثلثمائه ، علی بن عبدالرحیم بن سنان ابوالحسن الصفار النیسابوری ، علی بن عمر بن علی بن عمر النیساری ابوالحسن الدنودی ، علی بن عبدالله بن احمد الطبری ابوالحسن الفقیه ، علی بن الفضل بن اسحق النیسابوری ابوالحسن المناشك علی بن یحیی بن خلد المروزی ابوالحسن الخالدی ، علی بن محمد بن حمدویه الطوسی ابوالحسن نزیل بنشابور ، علی بن محمد بن العلا النیسابوری ابوالحسن القبابی و قباب اقصی محلة من البلد علی طریق العراق ، علی بن محمد بن حمدان البغدادی نزیل بنشابور ، علی بن موسی بن یزید ، الفقیه ابوالحسن القمی امام اهل الرأی فی عصره ، علی بن محمد بن یزید الحداد ابوالحسن الطبسی نزیل بنشابور ، عیسی بن محمد بن عیسی بن عبدالرحمن بن سلیمن ابوالعباس الطهمانی ویعرف بالکاتب المروزی هو امام فی اللغة واحد الاشراف فی نفسه وابائه واسلافه توفی رضی الله عنه فی سنه



ثلث وتسعین ومأتین ، عیسی بن القاسم بن موسی النیسابوری ، عیسی بن اسحق بن
موسی الحطمی ابوالعباس الانصاری القاضی بن القاضی بنشابور ، عمرو بن بشر ابوحفص
النیسابوری سکن بغداد ، عمرو بن نصر بن عبدالله النیسابوری ، عباس بن حمزه بن
عبدالله بن اشرس ابوالفضل الواعظ النیسابوری صاحب احمد بن حرب والسکه منسوبة
الی العباس وهو من اکابر العظام وله مع ذی النون بصر مباحثات وحالات وکان مجاب
الدعوة توفی رضی الله عنه فی شهر ربیع الاول سنه ثمان وثمانین و مأتین ، عمران بن
موسی بن بجامع ابواسحق السجستانی وهو محدث ثبت مقبول کثیر الرحله والتصنیف
و توفی بجرجان سنه ثلثمائه ، عمران بن موسی ابو موسی الاعیانی النیسابوری ،
عبدوس بن محمد بن عبدالله السحوری النیسابوری ، عصمة بن مسعود بن منصور بن
ابرهیم النیسابوری ابوسعید القطان عسان بن محمد النیسابوری العابد ابوجعفر القارونی،
القسم بن خلد بن قطی ابوسهل المروزی محدث عصره بمرو ، امام الحدیث فی عصره
محمد بن اسحق بن خزیمة بن المغیره بن صالح بن بکر السلمی مولی محشر بن مراحم ابوبکر
العالم الاوحد المقدم باتفاق اهل عصره علی تقدمه رضی الله عنه وکان یسکن بجنجرود
وکان شیخ محمد بن اسمعیل البخاری ومسلم بن الحجاج النیسابوری ومحدثی عصره.
قال الحاکم سمعت ابابکر محمد بن علی الفقیه الشاشی یقول حضرت ابابکر محمد بن
اسحق بن خزیمه فقال له ابوبکر النقاش المقری البغدادی بلغنی لماوقع بین المزنی و
بین عبدالحکم ماوقع قیل للمزنی انه یرد علی الشافعی قال لایمکنه الابمعونة محمد بن
اسحق النیسابوری ایاه قال ابوبکر کذاکان و ایضاً سمعت عن محمد بن یحیی اذتته
امرأة فسالته عن مسئلة فی الحیض فقال محمد بن یحیی اذهبی الی جنجرود ثم مثات
یعرف بمحمد بن اسحق بن خزیمه مسئلته عن هذه المسئله و کراماته مرویه رضی الله
عنه وارضاه وتوفی من ذی القعده سنه احدی عشره وثلثمائه وصلی علیه انبه ابوالنصر

وکان قداماتلا میدان الحسین والی جنجرود فی الموضع الذی صلی علیه ودفن فی حجرة من داره ثم صیر تلك الحجرة مقبره اللهم ارحمه ، محمدبن اسحق بن مهران بن عبدالله الثقفی ابوعبدالله السراج النیسابوری محدث عصره وتوفی رضی الله عنه سنه ثلاثعشره وثلثمائه وهکذا قرأت علی قبره فی مقبرة الحسین بن معاذ علی طریق الیمین من الشارع عن یمین قبر یحیی بن یحیی ، محمدبن اسحق بن ابرهیم بن مخلد الحنظلی ابوالحسن ولد بمرو و نشاء بنشابور وانصرف فی آخر عمره الی مرو و توفی بها ، محمدبن اسحق بن عبدالله بن ابرهیم بن عبدالله المستلی النیسابوری ابوعبدالله الملقب بالمنتوف، محمدبن اسحق بن الاشعث السحری النیسابوری هذاشیخ من محله باغسین وله بهااعقاب محمدبن اسحق الشافعی النیسابوری شیخ قدیم ، محمدبن اسحق بن عبدالرحمن ابوعبدالله المناشکی النیسابوری، محمدبن اسحق الانماطی النیسابوری ، محمدبن اسحق بن النعمان النیسابوری ابوعبدالله الصفار ، محمدبن اسحق بن نصر اللباد النیشابوری ، محمدبن اسحق بن الصباح ابوعبدالله التاجر النیسابوری ، محمدبن اسحق بن ابرهیم النیسابوری ابوالعباس البیهقی الزاهد ، محمدبن اسحق بن ابرهیم النیسابوری ابوعبدالله الصیدلانی ، محمدبن ابرهیم بن القسم النیسابوری ابوعبدالرحمن المدینی ، محمدبن ابرهیم بن اسمعیل الفقیه ابو عبدالله النیسابوری ، محمد بن ابرهیم بن بشر بن عبدالله بن حبیب النیسابوری ، محمدبن ابرهیم بن عبدالله الادیب النیسابوری ابوبکر ، محمدبن ابرهیم بن مقاتل بن صلح المبکنی النیسابوری ، محمدبن ابرهیم بن القسم الاصبهانی نزیل بنشابور ابوبکر محمدبن ابرهیم بن هاشم النیسابوری ، محمد بن ابرهیم بن القسم النیسابوری ابوعبدالله الحشاب ، محمدبن ابرهیم بن سعید بن قطبه القیسی ابوعبدالله النیسابوری من محله باب عروة وهومن بیت کبیر ، محمد بن اسمعیل بن مهران بن عبدالله ابوبکر الاسماعیلی النیسابوری احد ارکان الحدیث بنشابور کثرة

ورحلة واشتهاراً وتوفى رحمةالله فى‌ذى‌الحجه فى‌سنه خمس وتسعين و مأتين و قيل لايصح سماع من مسمع من‌الاسماعيلى بعدالتسع والثمانين وانه كان لايقدران تحرك لسانه الا بلا و كان اذا قيل‌له كماقرأناقال لا.لا.لا مقام نعم و تحرك رأسه ، محمدبن اسمعيل‌بن‌موسى بن‌عبدالله‌البلخى ، محمدبن اسمعيل‌بن‌الحجاج النيسابورى‌الحجاجى وهوشيخ قديم : محمدبن اسمعيل‌بن‌اسحق ابوالحسن المروزى ، محمدبن احمدبن المثنى بن سعيد النيسابورى ابوعبدالله و هومحدث‌كثيرالحديث والرحلة من رستاق الزاوه ، محمد بن احمد بن نصر المروزى ابوبكر النيسابورى ، محمدبن احمد بن حفص النيسابورى و هوغيرالحرشى محمدبن احمدبن ابورجا القاضى الجوزجانى و كان من اعيان الفقهـا على مذهب الكوفيين ، محمدبن احمد بن عبدالله‌النيسابورى ابو احمد المناشكى محمدبن احمد بن عبيدالله النيسابورى ابو عبدالله العامرى ، محمد بن احمدبن ايوب بن الصلت المقرى ، محمدبن احمد بن منصور ، محمدبن احمدبن هاشم ابوبكر النيسابورى ، محمد بن احمدبن المغيره‌التميمى ابوبكر النيسابورى ، محمدبن احمدبن سعيدالنسوى ابوالحسن ، محمدبن احمدبن مجاهد السمرقندى شيخ قديم ، محمدبن‌احمدبن عبدالله بطحا النيسابورى ، محمدبن‌الحسين النيسابورى ابوجعفرالكاتب ، محمدبن احمدبن بالويه النيسابورى ابوالعباس‌البالوى ويلقب بعصيده وكان من اعيان المشايخ ، محمدبن احمدبن بوعون النسوى‌ابوجعفر الردنفى ، محمدبن‌احمدبن نعيم ابو عبدالله نزيل بغداد ، محمدبن ايوب بن الحسن الفقيه ابوبكرالنيسابورى محمدبن جمعة‌بن‌الخلف‌الحافظ ابو قريش القهستانى الاصم وكان من الحفاظ المتقين توفى رحمةالله‌فى‌قهستان سنه ثلاث عشرة وثلثمائه ، محمد بن جابربن حمادالمروزى ابوعبدالله‌الحافظ الفقيه احدائمة اهل زمانه ادركته‌المنيه فى الكهوله رحمةالله يروى‌عن ابن عباس قال الشاعر:

انت‌بشرط النبى‌اذقال يوماً اطلبوالخيرفى حسان الوجوه

محمدبن جعفربن ابرهیم بن‌مسلم النیسابوری ابوجعفر ، محمدبن حمید ابو عبدالله القهستانی نزیل بنشابور ، محمدبن‌جعفربن محمدبن‌یزیدالشعرانی ابوعبد النیشابوری الازاروازی قریة من‌جوین هویروی هذا الشعرعن اعرابی :

یافالق‌الاصباح انت ربی وانت مولایی وانت حسبی
فاصلحن بالیقین قلبی ونجنی‌من کرب یوم‌الکرب

محمد بن حمدان بن مهران المهرانی ابوبکر النیسابوری سماعه کله بنیسابور ، محمدبن حبیب‌بن فضاله الحلاب ابو عبدالله النیسابوری ، محمدبن الحسن بن عبیداله بن محمدبن طغان الترك النیسابوری ، محمد بن الحسن ابوعلی الحیری ، محمدبن‌الحسین‌بن عمارة ابوعبدالنیسابوری المقری من‌المدینه الداخله ، محمدبن‌الحسن‌بن هشام‌الحیری ابوبکر النیسابوری ، محمدبن محمدبن الجسین بن معاذ النیسابوری یلقب بحمویة‌الطویل محمدبن حامدبن محمدبن ابرهیم‌النیسابوری ابوبکرالحیری، محمدبن‌الحمیدالبزازالنیسابوری ، محمدبن‌الحسن‌بن‌الحسن‌ابوبکر النیسابوری‌ویعرف‌بابی‌بکربن‌ابی‌علی‌البرزعی ، محمدبن‌الحسن ابوعبدالله‌الزمجاری، محمدبن حمزةبن عبدالله السمرقندی ، محمدبن خالد ابوبکرالقاضی الرازی نزیل بنشابور ، محمدبن خشنام بن سعد ابو عبدالرحمن النیشابوری ، محمدبن داودبن یزیدبن‌حازم ابوبکرالرازی، محمدبن‌دلویه ابوبکرالنیشابوری ، محمدبن ابی‌ذرة القاری النیسابوری ، محمدبن دلویه‌بن عبدالله النیسابوری ابوبکرالخراز ، محمد بن درست‌الزاهد ابوعبدالله النیشابوری شیخ قدیم ، محمد بن رومی النیسابوری ، ابوعبدالله شیخ صاحب اخبار وحکایات ، محمدبن مسیح‌بن سریع ابومسیح‌العامری الترمذی ، محمدبن روح‌النیسابوری ابواحمدالاستوایی شیخ قدیم ، محمد بن رزام ابواحمد الهروی الفقیه الادیب من اجله اهل البلد ، محمدبن زیاد النیسابوری ابو عبدالله الفقیه البردیعی و کان من الزهاد والفقها ، محمدبن زکریا بن قمیم

علی النیسابوری ابوالعباس الضریر کف بصره بعد الثمانین ، محمدبن شعیب‌بن محمد
بن المغیره بن بکر السلمی النیسابوری ابوبکر الجنجرودی ، محمدبن شعیب‌بن‌علی
ابوبکر النیسابوری ویلقب بالصر ، محمدبن‌شادان‌بن اسمعیل النیسابوری‌ابوالعباس،
محمدبن شادبن عبدالله النیسابوری ابوعبدالله ، محمدبن شهریار النیسابوری ، محمد
بن شعیب بن صالح النیسابوری ابو عبدالله القصری و یقال انه من قصر عبدالجبار ،
محمدبن‌الصباح النیسابوری ابوعبدالله الخیاط ، محمدبن صالح بن جمیل ابوالحسن
الطوسی محدث کثیر ، محمدبن صالح‌بن یونس النیسابوری ابوعبدالله ، محمد بن
صالح بن الهیثم القشیری ابوبکر النیسابوری من محله ملقاباد ، محمد بن طیفور
الزاهد ابوعبدالله النیسابوری ، محمد بن طاهر بن عبدالله بن طاهر الامیر ابوعبدالله
النیسابوری وتوفی ببغداد ، محمدبن عبدالسلم‌بن‌بشار ابوعبدالله النیسابوری‌المعروف
بالوراق کان مورق علی اسحق بن راهویه و کان من العباد ، محمد بن عبدالله بن
یوسف بن خرشید النیسابوری ابو عبدالله الدیری و دیر قریة علی فرسخ من البلد ،
محمدبن عبدالله بن المبارك الخیاط النیسابوری ، محمدبن عبدالله بن اسحق الحواد
ابوعبدالله الطوسی ، محمدبن عبدالملك بن سلمه النیسابوری ابوعبدالله القشیری ،
محمدبن عبدالله بن حامد النیسابوری ، محمدبن عبدالله بن الجنید النیسابوری ابو
عبدالله ، محمدبن عبدالله بن القسم ابوعبدالله العمری ، محمدبن عبدالله العاملی ابو
عبدالله النیسابوری ، محمدبن عبدالله بن یزیدالرازی ابوبکر سکن بنشابور ، محمد
بن عبدالله بن عمروالمروزی ، محمد بن عبدالصمد النیسابوری ابوبکر الاسفراینی
محمدبن عبدالله بن محمدبن مخلدالهروی ابوالحسن المخلدی ؛ محمدبن عبدالملك
بن سلمه النیسابوری ، محمدبن ابی عیاض النیسابوری ، ابوعبدالله الواعظ الزاهد ،
محمدبن عیسی النیسابوری نزیل مکه ، محمدبن علی‌بن ابرهیم ابوعبدالله الحافظ

المروزی ، محمدبن عمربن هشام الحافظ ابوبکرالرازی وتوفی بمرو ، محمدبن علی‌بن علویةالفقیه ابوعبدالله الجرجانی الرزاز من ائمة عصره للشافعیین ، محمدبن عمروبن سلیمن‌بن‌عبدالرحمن‌بن عبدالله النیسابوری‌وهوابوبکربن عمرویه‌الملقابادی، محمدبن عمربن‌العلا العامری ابوعبدالله الجرجانی الصیرفی ، محمدبن علی‌بن‌الحسن النیسابوری ابوعبدالله ، محمدبن عبدبن عامربن مرداس‌بن هرون‌السعدی توفی فی۔ البادیه ، محمدبن عمروبن جبریل النیسابوری من رستاق بیهق، محمدبن عمروبن خالد ابوبکرالبلخی ، محمدبن علی‌بن الحسن ابوعبدالله المرقدی ، محمدبن علی‌بن رافع‌التمیمی‌الحافظ ابوبکرالبلخی ، محمدبن‌العباس بن الحکم المروزی ، محمدبن عبدربه‌النیسابوری ، محمدبن علی‌بن سعیدبن جریرالنسوی ابوعبدالله ، محمد بن علی‌بن عثمان‌بن حمزة الانصاری ابوعبدالله المدنی ، محمدبن علی‌بن‌الحسن‌بن‌خلیل النیسابوری ابوعمر والقطان المجاور برباط قراره ، محمدبن عبدالله النیسابوری محمدبن‌عبدالله بن مهدی‌بن‌ابی‌المهدی النیسابوری‌ابوبکرالشعرانی‌من‌قصبه‌المهرجان کثیر الرحلة والحدیث ، محمدبن ابو عبیدالله الحافظ الملقب بقرطمة البغدادی ، محمدبن عمروبن الربیع بن سلیمان‌الطافی ابوعبدالله‌الطوسی ، محمدبن علی‌القاضی ابوعبدالله المروزی المقلب بالخیاط الزاهد العابد المجتهد فله قضاء نیشابور ، محمد بن علی‌بن ابرهیم المروزی ابوتراب ، محمدبن العباس‌بن یوسف‌بن القسم‌بن‌سلیمان بن سلیط النیسابوری من المدینه الداخله ، محدبن علی العمری ابوجعفر الشافعی سکن بنشابور ، محمدبن فراس ابوعبدالله‌الاسفراینی النیسابوری ، محمدبن الفضل محمدبن الطیب ابوالحسن النیسابوری و ملقب بفوزالبشتی ، محمدبن فوزبن عبدالله بن مهدی النیسابوری ابوبکرالعامری ، محمدبن الفضل بن عصمة النیسابوری،محمد بن قتیبة‌بن عبدالله‌بن موسی النیسابوری ابوبکر الاسفراینی ، مخمدبن‌القاسم‌ابونعیم

صاحب الرباط هراوه ؛ محمدبن قبيصته اللقابادى ابوبكر النيسابورى ، محمدبن كرام العابد ابوعبدالله السحرى وقيل انه من بنى قرارمولده بقريةمن قرى زرنج و نشأ بسجستـان وحصل عنداحمدبن حرب فى خراسان ، محمدبن الليث ابو عبدالله النيسابورى،محمدبن محمدبن رجابن السدى ابوبكر النيسابورى من اهل اسفراين، محمدبن المسيب بن اسحق بن ادريس النيسابورى ابوعبدالله الارغيانى وكان من العبادالمجتهدين، محمدبن المنذربن سعيدبن عثمان الهروى ابوعبدالرحمن شكر ، محمدبن ماهان الجوينى ، محمدبن منصور النيسابورى من اهل اسفراين ، محمدبن محمدبن شاد النيسابورى ابوعبدالله الرادسانى ؛ محمدبن محمدبن سعيدبن عبدالحميد الانصارى ابونصر المقيم بنشابور،محمدبن موسى الواسطى ابوبكر الصوفى صاحب الاحوال قد سكن بنيسابور مدة ثم سكن بمرو و صارله بها اصحاب من افضل المسلمين وتوفى بها ، محمدبن مهران النيسابورى ، محمدبن مصربن معن المروزى ابومضر الرباطى صاحب الاخبار و الحكايات ، محمدبن نصر الامام ابو عبدالله المروزى الفقيه العابد العامل امام اهل الحديث فى عصره بلامدافعه وتوفى بسمرقند فى المحرم سنه اربع و تسعين ومأتين وقيل رجال خراسان اربقه ، عبدالله بن المبارك ويحيى بن يحيى واسحق بن ابرهيم الحنظلى و ابو عبدالله محمدبن مضر المروزى ، محمدبن نعيم بن عبدالله النيسابورى ابوبكر المدنى وذلك ان منزله ومسجده فى المدينه الداخله فنسب اليها من اعيان المحدثين الثقات الاثبات ، محمدبن النصربن سلمة الجرودبن يزيد ابوبكر الجارودى شيخ وفيه وعين علماء عصره خطأ وكمالا وثروة وختطة المشهوره ومسجده فى المربعة الصغيره والجارود جدابيه صاحب ابى حنيفه ، محمدبن نصر الفراء النيسابورى محمدبن هاشم بن زياد الترمذى ، محمدبن هارون بن سعيد بن عبدالحكيم السمرقندى

الکاغذی ابونصر ؛ محمدبن یحیی بن سهل النیسابوری ابوبکر المطرز والمسجد فی المربعة منسوب الیه وهی خطه کثیره لاهل الحدیث، محمدبن یحیی بن خالدبن مهران النیسابوری ابوبکر الاعوج، محمدبن ابی یزید بن صالح الفرا النیسابوری ابواحمدبن ابی خالد ، محمدبن یاسین بن النصر بن سلیمن بن ربیعه الباهلی ابوبکر الفقیه النیسابوری محمدبن یاسین بن النصر ابواحمد النیسابوری الفقیه اخو ابوبکر ، محمدبن یحیی بن خالد ابویحیی المروزی ، محمدبن یحیی بن عبدالرزاق البخاری ، محمدبن یحیی بن مهران ابوبکر المستملی النیسابوری ، محمدبن یوسف بن معقل ابوعبدالله النیسابوری الاموی ، محمدبن یوسف بن سعید ابوحمزه النسوی ، موسی بن اسحق بن موسی الحطمی ابوبکر الانصاری القاضی ، موسی بن هرون بن عبدالله الحافظ ابوعمران البزاز ، موسی بن محمدبن موسی النیسابوری الذهلی ابوعمرو الاعین ، موسی بن عبدالمؤمن النیسابوری ابوالعباس البشتی محدث مفید واسع الرحلة ، موسی بن الحسین بن عبدالرحمن النیسابوری ابوعمران البیهقی مضارب بن ابرهیم النیسابوری ؛ ابوالفضل الادیب وکان اوحد عصره بنیسابور فی الادب والنحو ، مذکوربن الحارث النیسابوری ابواللیث البوزجانی ، مطهربن محمدبن یحیی النیسابوری ، ابوعلی منصوربن علی بن عبدالله النیسابوری ابونصر السختیانی ، منصوربن اسدالنیسابوری ، مکی بن محمدبن احمدبن ماهان ابوالعباس البلخی ؛ مکی بن عبدالغفار النیسابوری مسددبن قطن بن ابرهیم النیسابوری ابوالحسن القشیری وکان مزکی عصره والمقدم فی الزهد والورع واکبر بیت فی العلم بنشابور بیته من الطرفین جمیعاً، موقل بن الحسن عیسی بن ماسرخسی النیسابوری ابوالوفا الماسرخسی شیخ بنشابور فی عصره ابوة وثروة وکمال عقل و کرماً حتی یضرب به المثل فی ذلک، محمود بن هزیمة النیسابوری المقری ؛ محمودبن عبدالرحمن البلخی مقبل بن رجا الطوسی ؛ محبیب بن ابرهیم بن سلیمن بن

ابرهيم بن يزيد النيسابورى ابوعوانة الاسفراينى من علماء الحديث ومن الرحاله فى اقطارالارض مطلب الحديث ، يوسف بن موسى بن عبدالله بن خالدبن حموك ابويعقوب المروروذى من اعيان محدثى خراسان المشهورين بالطلب والرحله وتوفى بمروالروذ سنه ست وتسعين ومأتين ، يوسف بن يعقوب بن يوسف ابوعمروالنيسابورى نزيل بغداد يوسف بن الجوزجانى ابويعقوب العابد النيسابورى ، يوسف بن ابرهيم النيسابورى ابويعقوب الماكيانى، يونس بن ابرهيم بن النصر ابومحمدالنيسابورى .

ذكر الطبقة السادسة من العلماء النيسابوريين ومن سكنها وحدث فيها من علماء المسلمين رضى الله عنهم

احمد بن اسحق النيسابورى ابوحامد الاسفراينى ، احمدبن اسحق بن ابرهيم بن موسى الحيرى ، احمدبن ابرهيم بن احمدبن حاجب النيسابورى ابوسعيدالحاجى وكان ملقب بحمدان ، احمدبن ابرهيم بن داودالنيسابورى الميدانى من ميدان زياد وتوفى سنه خمس عشرو ثلث مأته احمدبن ابرهيم بن شادان بن عبدالله النيسابورى ابوحامدالحفاف ؛ احمدبن اسحق ابوحامد البزاز النيسابورى ، احمد بن اسمعيل بن جبريل النيسابورى ابوحامدالمقرى الضرام وكان من كبارقراء المجتهدين ، احمدبن بشر بن محمودالنيسابورى ابويحيى الاسفراينى ؛ احمدبن جعفر بن مشكان النيسابورى ابوحامدالخفاف ، احمدبن جعفر بن احمدبن بكر بن زيادابوحامدالشيبانى النيسابورى، احمدبن حمدان بن على بن سنان النيسابورى الزاهدالعابد ابوجعفر بن حمدان الحيرى وكان مجاب الدعوة وتوفى رضى الله عنه سنه احدى عشر وثلثمائه بنشابور قبل ابى بكر محمدبن اسحق بن خزيمه ، احمدبن حمدويه بن موسى النيسابورى ابوحامدالمؤذن وكان من اعيان الصالحين جاورمكه خمس سنين احمدبن حامدبن ابى حامد ابوعمر

الشاشى ، احمدبن الحسين النيسابورى ابوحامد السراج ، احمد بن الحسين بن محمدبن عبدالله بن بكر بن جعد المذكر ابوحامد النيسابورى المعروف بالدقاق، احمدبن جعفر بن عمير المروزى ، احمدبن السرى بن سهل النيسابورى ابوحامد الجلاب وكان مسكنه كالماباد ، احمدبن سعيد العابد النيسابورى ، احمد بن شاذان بن محمد النيسابورى ابوالعباس الاسفراينى ، احمدبن عبدالرحمن بن محمدبن نصر النيسابورى احمدبن عبدالرحمن ابوحامد السرخكى وهى قرية على باب البلد ، احمدبن عبدالرحمن بن يحيى بن سعيد النيسابورى ابوبكر الجودى ، احمدبن عبدالرحمن بن اسمعيل النيسابورى ابوحامد الجلودى ، احمدبن على بن الحسين بن شهريار الحافظ النيسابورى المقدم العالم بالحديث صاحب المصنفات الكثيرة المفيدة وروى عنه حفاظ الدنيا فى عصره وكان ابوه من الرى سكن بنشابور وبها نشأ ومات وقيل مات فى سنه خمس عشره وثلثمايه بالطابران من طوس و هو اربع و خمسين سنه ، احمد بن عبيد بن عبدالعزيز ابوطاهر النسوى ، احمدبن عبدالله ابوحامد الذهلى النيسابورى احمدبن محمدبن الحسين الحافظ ابوحامد بن الشرقى النيسابورى صاحب الصحيح وتلميذ مسلم بن الحجاج واحده عصره فى المفرقه ومات فى رمضان سنه خمس وعشرين وثلثمايه ودفن فى مقبرة شاهنبر والخطة المشهوره بالشرقيين فى اعلى الزمجار ؛ احمد بن محمدبن همام ابوالحسين النيسابورى، احمد بن محمدبن السعيد النيسابورى ، ابوبكر بن ابى الحجارة شيخ معروف ويسكن سكة الخندق ، احمد بن محمدبن اسحق ابوحامد الوراق النيسابورى ، احمد ابوعلى النيسابورى احمدبن محمدبن حامدبن منصور بن الفضل البزاز الطوسى ابوحامد سكن بنشابور وقال الحاكم واظنه نيسابورياولى قضاطوس ونسب اليها ، احمدبن محمدبن يحيى النيسابورى ابوالحسن الرازى احمدبن محمدبن على الفقيه ابوحاتم النيسابورى و يعرف بالسحرى، احمدبن محمدبن ابوحامد الغازى، احمدبن محمد بن زنجويه الموازيني، احمدبن

محمدبن ادم الساسی، احمدبن محمدبن عبدالرحمن بن نصر الحکیم العبدی، احمدبن محمدبن الحسین النیسابوری ابوالحسین الحداسی ، احمدبن محمدبن عمر بن جعفر بن حفص محمد النیسابوری ابوعمرو السمسار و کان من المتعصبین لاهل السنه الباذلین للمال و الجاه و کان ابومجاب الدعوة ، احمدبن محمدبن موسی النیسابوری ابوحامد القلاسی، احمدبن محمدبن یحیی بن بلال البزاز ابوحامد المعروف بالخشاب النیسابوری مدفون فی باب معمر، احمدبن محمدبن اسحق بن ابرهیم بن عمار الخزرجی ابوعمرو المزکی احمدبن محمدبن الحسین بن قریش الماهیانی ابونصر المروزی الغازی سکن بنیسابور حتی مات بها ، احمدبن محمدبن حمدان المؤدب ابوحامد النیسابوری ، احمدبن محمدبن صالح النیسابوری ، احمدبن محمدبن عبدالله النیسابوری ابوعبدالله العمری، احمدبن منصور المروزی الاحول ، احمدبن محمدبن معروف النیسابوری ، احمدبن نصر بن محمدبن اشکات النجاری ابونصر الزعفرانی، احمد بن یونس بن ابرهیم بن النصر النیسابوری ابوالعباس ، احمدبن یوسف الصابونی الفقیه ابوالحسن المناظر ، احمدبن یحیی بن سعید النیسابوری ابوحامد الکردی ، ابرهیم بن محمدبن نصر النیسابوری ابواسحق الکرامیسی ، ابرهیم بن الحسین بن محمد ابواسحق المقری ، ابرهیم بن محمدبن ابرهیم ابواسحق النیسابوری الفقیه و کان یعرف بالخدامی من باب عروه سکه خدام وهو من اجلة الفقها لاهل الرأی ، ابرهیم بن احمدبن محمد النیسابوری ابواسحق السختیانی ، ابرهیم بن اسحق بن ابرهیم الادیب النیسابوری ابواسحق المروزی ، ابرهیم بن محمدبن مرشد النیسابوری ابواسحق المعدل النیشابوری ، ابرهیم بن ابی مطیع ابواسحق النیسابوری القطان ، ابرهیم بن محمد بن قمیصه ابواسحق النیسابوری ، ابرهیم بن محمد ابواسحق النیسابوری المعروف بالابیوردی ، ابرهیم بن احمدبن الحسن ابواسحق النیسابوری المعروف بالبغدادی ، ابرهیم بن محمدبن ابرهیم بن شداد

النيسابوری ابواسحق الشدادی الحاکم ، ابرهیم بن علی بالویه ابواسحق البلخی ، ابرهیم بن محمد ابواسحق الرییس البسطامی سکن بنسابور بباغ الدارس و بهامدرسته وداره اللتی بناها لاهل الحدیث ابرهیم بن سیمجور ابواسحق الامیر بن الامیر العادل بن العادل ولی بنسابورسبع ستین فصارت ایامه تاریخا فی العدل و توفی ببخارا فی سنه خمس وثلثین وثلثمائه ابرهیم بن عبدالله ولقب عبدالله بن عبدوس بن احمد بن جعفر الحرش ابواسحق العدل النیسابوری من محلة الحیره ، اسمعیل بن ابرهیم بن عمال الخزرجی الانصاری ابومحمد النیسابوری ، اسمعیل بن ابرهیم بن عبدالرحمن النیسابوری اسمعیل بن مطرب بن بحر بن سنان النیسابوری ابوعبدالله الزمجاری ، اسحق بن ابرهیم بن عبدالملك النیسابوری ابویعقوب الهجری محدث جرجان فی عصره اسحق بن عیسی بن یونس ابو یعقوب المرجانی ، اسحق بن محمد بن عبدالله النیسابوری ابویعقوب الجنابدی ، اسمعیل بن محمد ابویعقوب الوراق النیسابوری وکان من الصالحین ، الیاس بن محمد بن یوسف بن حفص ابویحیی الطوسی ، احمد بن علی بن الحین القاضی الترمذی ، بکر بن محمد بن اسحق بن خزیمه ابونصر النیسابوری قال الطاهر محمد بن الفضل بن اسحق توفی عمی ابوالنصر سنه ثلاث وعشرین وثلثمائه یروی عنه هذا البیت،

لسان الفتی نصب و نصف فؤاده　　فلم یبق الاصورة اللحم والدم

وکاین تری من ساکت لك معجب　　زیادته اونقصه فی التکلم

بکر بن عبدالله بن محمد القاضی ابوعلی بن ابوبکر الحنال الرازی وقدروی وحدث بالمناکیر بکر بن محمد بن عبدالله النجاری، بشر بن العباس بن الاشعث المروزی، جعفر بن محمد بن احمد بن بحر بن التمیمی ابومحمد النیسابوری جعفر بن احمد بن عمرو ابو محمد النیسابوری جعفرك الغازی، الحسین بن محمد بن الحسن بن ابرهیم القاضی ابوعلی الجنابدی ولی قضا بنسابور، الحسن بن محمد بن ابرهیم ابوطاهر الجنابدی النیسابوری، الحسن بن

ابو محمد النصر آبادی السمسار وکان من العباد الحسن بن محمد بن بکر النیسابوری ابوعلی بن خان یحیی بن معاذ، الحسن بن محمد بن جابر النیسابوری ابوعلی الشعیری المعروف بحسن الوکیل، الحسن بن علی بن الحسین جعفر النیسابوری ابوعلی من محله عمرآباد، الحسن بن محمد بن سنان النیسابوری ابوعلی السواق القنطری، الحسن بن محمد بن یاسین بن النصر الباهلی النیسابوری، الحسن بن محمد بن قیس بن صالح النیسابوری ابوعلی البزاز، الحسین بن محمد بن احمد بن یونس بن جندل النیسابوری ابوعلی القهستانی نزل ابوه بنسابور، الحسین بن محمد بن هارون ابوعلی النیسابوری، الحسین بن محمد بن موسی بن محمومه النیسابوری ابوعلی السمسار وکان من اهل الصدق والمعروف بطلب الحدیث والرحلة، الحسین بن فوران النیسابوری، الحسین بن محمد بن بشر النیسابوری ابوعلی الانماطی، الحسین بن نصر النیسابوری ابوعلی البادی وبارقریة من قری بنسابور، الحسین بن هارون ابوعلی المراغی من الرحاله فی طلب الحدیث و توفی بنیسابور سنه خمس عشره و ثلثمائه، الحسین بن اسمعیل بن یحیی النیسابوری ابوعلی الصفار، الحسین بن بحر بن عبدالله المعلم النیسابوری ابوعلی المعروف بالصوفی، الحسین بن محمد بن محمد سام التمیمی ابوعلی الحاکم البلخی، حمید بن محمد بن علی الشیبانی ابوعمر و النیسابوری یعرف بحمید الضبی، حامد بن محمود بن معقل النیسابوری ابومحمد القطان حامد بن محمود محمد النیسابوری ابوالعباس المشهور بابی العباس بن کلیم الشاهد و مسکنه سکة سکش، حامد بن احمد بن محمد بن حبیب ابواحمد المروزی، حامد بن ابی حامد الاشروسنی حدث بنیسابور، حوتره بن محمد النیسابوری ابومحمد البرنودی خلف بن حنظلة بن خاقان السرخسی ابو محمد، زکریا بن محمد بن اکار المعدل النیسابوری، ابویحیی المیدانی من میدان زیاد، زید بن یحیی بن الحسین العامری النیسابوری

ابوالحسین من محله دروان کوس ، سلمین بن داود بن عبدالله النیسابوری ابوایوب و یعرف بابن داود النسوی و کان ابوه نزل بنسابور ، سهل بن عبدالله ابوحاتم السجستانی ، سفیان بن محمد بن حاجب بن محمود النیسابوری ابوالفضل الجوهری و کان من المشهور بطلب الحدیث بخراسان والعراق ومن اهل الثروة والافضال علی اهل العلم رحمةالله ، سلمه بن النصر بن سوادة بن عقیل القشیری ابوالنصر النیسابوری من باب — الحیر ، صالح بن نوح بن منصور النیسابوری ابوالفضل الفرهاد جردی ، صدیق بن عبدالله الرادسانی النیسابوری ، طاهر بن یحیی بن قبیصته النیسابوری ابوالطیب البلغی ، عبدالله بن محمد بن عمر النیسابوری ابومحمد العطری ، عبدالله بن محمد بن ابرهیم النیسابوری ابومحمد الزوزنی ، عبدالله بن محمد صبیح بن عبدالعزیز و هوابوبکر بن سالم بن عبدالله عمر بن الحطاب العدوی ابومحمد الجوهری ومنزله فی سکه حمدان

قال الحاکم رحمةالله ومنزل ابی ایضا سکه حمدان ومسجده ومسجد ابی الذی کان علیه المیذنه قدیما وقال ابی توفی عبدالله اخی من الرضاعه سنه خمس عشر و ثلثمائة ، عبدالله بن الفضل بن محمد بن عقیل بن خویلد الخزاعی ابو بکر النیسابوری عبدالله بن الحسین بن محمد النیسابوری ابو بکر المؤدب ، عبدالله بن محمد بن داود القشیری النیسابوری ابومحمد الدهان ، عبدالله بن محمد بن زیاد بن فاضل الفقیه النیسابوری ابو بکر الشافعی سکن بغداد و کان امام الشافعیین فی عصره ، عبدالله بن محمد بن مسلم النیسابوری ابوبکر عبدالله بن محمد بن هاشم بن طرماخ الطوسی ابومحمد و کان من اعیان المحدثین فی — عصره ، محمد بن علی بن طرخان الباهلی ابو بکر البلخی محدث بلخ فی عصره ، عبدالله بن محمد بن منازل النیسابوری ابومحمد الصوفی المجرد علی الصحة والحقیقه لاعلی مجری العاده وتوفی رضی الله عنه لیلة الخمیس الخامس من ربیع الاول سنه احدی و ثلاثین وثلثمائه و دفن فی مقبره شاهنبرول حالات عجیبه قال ابوعبدالله الملقابادی

عاولت عبدالله بن منازل فی‌طریق الحج و معنا ابوعلی‌الثقفی وکنانجتمع و یذکر فضل‌الجنید بن‌محمد فنزیر ناشوقا الی‌لقائه‌وعبدالله بن منازل ساکت فلما دخلنابغداد فقمت اناوابوعلی‌الثقفی وقلنالعبدالله قم بناتروروا بالقاسم فقال اذهبااتتما فقلنالاتجئی فقال‌لافتجبنا وذهبناالیه فزادت مشاهدته علی‌مـاکان عندنا من اخباره فقال لناهل صبحکما غیرکما قلنا بلی‌هل‌من اصحابنا یعرف بعبدالله بن منازل قال‌کیف‌لم یحضرنا قلنا لعله فقال اذانصرفتما الی فاسئلاه ان یصبحکما قلنانعم انصرفناالیه و قصصناعلیه ماسمعنا ووصفنافلم یتکلم‌بشئی‌الی‌ان اصبحنااليوم‌الثانی‌وعرضنا علیه‌زیارة ابی‌القاسم فامتنع قلنا اذاامتنعت فاخبرنا الذی منعك عن زیارة هذاالشیخ فقال لابدان اخبرکم قلنا لاقال ان‌کان امرابی‌القاسم علی‌ما وصفتموه‌فمامثل ماتسمعوه منه الامثلا لطعام الطیب تیناوله الرجل ثم‌یخرج فضله علی‌ما ترون وکذلك علم‌المعرفة انمایلقی‌الحق الی‌من شاء من خلقه لەطیبه ثم لایخرج بلسانه و لاینطقه الحق الابارداه فلان اکون منحوس الخطه بالکلیه من ابی‌القاسم احب الی‌من ان اکون مغبونـاآخذ منه‌اردی ماالقی‌ویبقی‌طیبه عنده فاعجبنا کلامه و قمنا من عنده حتی دخلنا ابی‌القاسم و رحب بناوسالناعنه‌فقصصنا علیه القصه فبکی‌ابوالقاسم حتی‌کادان یغشی علیه وسکت ذلك اليوم ولم‌ینطق‌الی‌ان قمنا من‌عنده ، عبدالله بن‌دلشاد النیسابوری‌ابومحمد الرلعری ، عبدالله‌بن محمدبن احمدبن نصرالنیسابوری ابومحمدالعابد ، عبدالله بن محمد بـن ابرهیم البحاری ابومحمد الداعونی، عبدالله بن حمشادبن حنظل‌بن عمران بن‌حمـاد ابوعبدالرحمن المطوعی‌من سکة نوند ، عبدالله بن حمیدبن معقل القنطری، عبدالله بن سعید النسوی ، عبدالله بـن احمد النیسابوری ابومحمد الوبـری ، عبدالله ابن عبدالرحمن بن‌الحسین القاضی‌بن القاضی‌ابوالقاسم الحاکم ، عبدالله بن سلمه‌المودب ابومحمد النیسابوری، عبدالله‌بن‌سعید مخلدالطوسی‌نزیل بنسابور، عبدالله بن‌محمدبن

سلمه النیسابوری ابومحمد البزاز الحافظ ، عبدالله بن‌محمدبن یعقوب البخاری ابو-
محمد الفقیه‌الکلابادی المعروف بعبدالله الاستاد، عبدالله بن‌احمدبن‌محمدبن‌الحسین
الماسرخسی‌ابومحمد النیسابوری ، عبدالله بن اسحق بن یعقوب الکرمانی و غیره ،
عبدالله بن محمد بن الحسین بن الشرقی‌ابومحمد النیسابوری اخوابی حامد وکان
اسن‌منه واسند منه ، عبدالله ابن‌فارس بن‌محمدبن علی‌البلخی‌ابوظهیر العمری،عبدالله‌بن
ابی‌صالح المذکر ابوعبدالرحمن الزاهد المتکلم وکان من المجتهدین فی العباده
ولکن انه رای، رای القدر، عبید الله ابراهیم بن بابویه النیسابوری ابوالقاسم مـزکی
عصره ومن‌اعیان المشایخ‌ومسجده المعروف فی‌سکه‌معقل، عبیدالله بن‌محمدالنیسابوری
المعروف بعبدالوراق ، عبیدالله بن یعقوب بن‌یوسف‌الرازی ابوالقاسم الواعظ وتوفی
بنیسابور ودفن فی مقبره باب معمر، عبدالرحمن بن محمدبن الحسین بن‌علی بن احد
النیسابوری ابوالقاسم المذکر الواعظ الادیب الاوحد فی‌عصره فی صنعته بـلا مدافعه
وله کرامات مشهوره رضی‌الله عنه، عبدالرحمن بن‌محمد بن عبد الرحمن السرخسی
المذکر ابوبکر سکن بنسابور الی ان توفی بها ، عبدالرحمن بن محمد بن‌سلیمان
النیسابوری ابومحمد من‌قریه بغوحك ، عبد المرحمن بن‌محمد بن‌علویـه الابهری
ابوبکر القاضی ولی‌قضاء طوس وابیورد ، عبدالواحد بن سعید النیسابوری ابواحمد-
الارغیانی ، عبدالعزیز بن‌الحسن ابوبکر البردعی العابد ، عبدالعزیز بن‌محمدالخشاب
ابوعمر النیسابوری وکان من‌الزهاد یسکن‌سکة تنکش ، عبدالملك بن‌محمدبن‌عدی
الجرجانی‌ابونعیم‌الفقیه‌الاستر آبادی،عبدالواحدبن محمدبن‌احمدبن‌بالویه‌النیسابوری
ابوالحسن البالوی الحیری ، عبدالواحدبن محمد النیسـابوری ، عبد الواحدبن‌محمد
النیسابوری ، عبدالواحد بن محمد بن‌هانی‌ابوحاتم شیخ ال هانی و اشتغل بالفتوة
فصاراوحد اهل بلدنا فیها، عمر بن‌علی‌بن عبدالرحمن الجوهری ابوحفص المروزی
المعروف بابن علك، عقیل بن اسحق ابوحاتم‌النیسابوری المعروف بعقیل القنارزی

علی الوراق وهوابن محمدبن احمدبن علی بن عبدالله بن نور النیسابوری ابو محمد من سکه عاصم ، علی بن ابی علی النیسابوری ابوالحسن الزیقی ، علی بن نصر بن عماد الخزرجی ابوالحسن المعروف بابن الحسنك ، علی بن ابراهیم بن معاویه النیسابوری ابوالحسن المعدل وکان من الصالحین ، علی بن محمدبن محمودالنیسابوری ابوالحسن الضریر ؛ علی بن محمدبن احمد النیسابوری ابوالحسن القاضی من راس جوض ابی العنبر ، علی بن الفضل بن طاهر البجلی ابوالحسن الحافظ ، علی بن الحسین بن محمد بن حمدویه السنجابی المروزی ، علی بن قاسم بن علی النیسابوری ابوالحسن الخوافی الادیب الشاعر . علی بن العباس بن سهل النیسابوری ابوالحسین المذکر ، علی بن الحسین الانماطی ابوالحسین النیسابوری ، علی بن محمد الطلحی الکوفی ابوالحسین نزیل بنسابور ، علی بن محمدبن اسحق المروزی ، علی بن سهل بن مصلح النیسابوری ابوالحسین ، عبدوس بن الحسین بن منصور ابوالفضل النصرآبادی ، عمرو بن عبدالله بن درهم النیسابوری المطوعی الزاهد ابو عمرو المعروف بالبصری ، عمر وبن احمد بن محمد بن حمدان النسوی ابوالقاسم نزیل نیسابور ، العباس بن الفضل بن الحسن النیسابوری ابوالفضل المحمد آبادی ، العباس بن منصور بن العباس بن شدادبن داودالنیسابوری ابوالفضل الفرید آبادی وهی قریه بباب البلد ، العباس بن محمد موهار النیسابوری ابوالفضل ، العباس بن مرزبان المودب ابوالفضل الاصبهانی نزیل بنسابور ؛ العباس بن ابراهیم بن العباس النیسابوری ابوالفضل هذا شیخ من اسفراین من قریة کوران ، عمران بن موسی بن حصین السنجری نزیل بنسابور ، عباس بن حمویه بن احمدبن نصربن زیاد القاضی ابوفضل المستملی ، فضل بن محمد بن عقیل بن خویلدالنیسابوری ابوالعباس و یلقب بفضلان الخزاعی و خطتهم برأس سکته حرب مشهوره ، الفضل بن محمدبن احمدبن مطرف النیسابوری ابوالعباس الکرامیسی ،

الفضل بن حاتم بن هاشم بن سنان النیسابوری ابو العباس الفضل بن محمد بن اسحق بن خزیمه ابو العباس السلمی وهی اکبر ولد الامام ابی بکر ، القاسم بن عمر بن سلمین ابومحمد النیسابوری اخو ابی العباس الکوکنی ، القسم بن محمد بن الحسین بن زیاد بن الحسین بن اسلم النیسابوری ابومحمد الاسلمی من باب معمر من سکه ابی دز، لیث بن محمد بن لیث بن عبدالرحمن المروزی ابونصر الکاتب ، محمد بن علی بن ابی طالب بن زیاد ابوجعفر القزوینی ، احمد بن الحسین النیسابوری ابواحمد بن ابی العباس الماسرخسی ، محمد بن عبدالوهاب الثقی ابوعلی الامام المتقدی به فی الفقه والکلام والوعظ والورع والعقل والدین

قال الحاکم سألت ابا محمد عبدالله بن محمد الثقفی عن نسبة جده قال سمعت جدی ابا علی ینتسب ابا محمد بن عبدالوهاب بن عبدالرحمن عبدالوهاب بن عبد الاحد بن ابی بن کعب و هو محمد بن الحجاج بن یوسف بن الحکم و ینتسب الی مصر وقال کان ابی عبدالوهاب امیر قهستان فی عهد عبدالله طاهر فولدت بقهستان سنه اربع واربعین ومائتین وقال ابومحمد توفی جدی ابوعلی رحمةالله لیلة الجمعه و دفن یوم الجمعه الثالث والعشرین من جماد الاولی سنه ثمان وعشرین وثلثمائه ودفن فی مقبرة قز،وهی ابن تسع و ثمانین سنه رضی الله عنه وارضاه وحالاته مشهوره ، محمد بن جعفر بن ورنه النیسابوری ابوعبدالله المازنی محمد بن محمد بن سعید النیسابوری ابو العباس البختری ، محمد بن زکریا النیسابوری ابوبکر الکاغذی من مصنفی الحدیث ، محمد بن الحسن بن الجلیل ابوبکر القطان اسند اهل نیسابور فی مشایخ النیسابور بین فی عصره ، محمد بن حمدون بن خالد بن یزید بن زیاد النیسابوری ابوبکر بن ابی حاتم السلمی من اعیان المحدثین وتوفی رحمةالله ربیع الاخر سنه عشرین و ثلثمائه ودفن فی مقبره الحیرة، محمد بن عمرو بن هشام بن الزبیر النیسابوری ابو احمد البزاز مسجده وداره فی میدان

زیاد، محمدبن سعیدبن اسمعیل النیسابوری الفقیه ابوبکر بن ابی عثمان الزاهد، محمدبن عبدالله بن العنبر بن عطاء بن العنبری ابوعبد الله النیسابوری وکان من اعیان وجوه بنسابور ،محمدبن عبدالرحمن الاصبهانی ابوجعفر الارزنانی من الحفاظ الاثبات، محمدبن محمدبن یوسف قاضی القضاة بخراسان ابوذر البخاری محمدبن خالدبن احمد الذهلی الامیر،محمدبن علی بن زیاد النیسابوری ابوالفضل السمدی،محمدبن حمویه بن عبادالنیسابوری ابوبکر طهمان محمدبن الرومی ابو عبدالله الزمجاری،محمدبن ابرهیم بن عبدویه بن سدوس بن علی بن عبدالله الهذلی ابوعبدالله العددی النیسابوری المعروف بکثرة السماع والرحله والتصنیف، محمدبن حمدویه بن سهل الغازی ابونصر المطوعی المزوری،محمدبن الحسن بن اسحق النیسابور ابوجعفر الصوفی ویقال له الاصبهانی لان اباه من اصبهان، محمدبن احمدبن ابرهیم الوراق ابوبکر الخیاط الهروی، محمدبن شریك بن محمد ابوبکر الاسفراینی، محمدبن سعدبن حمدویه النسوی ابوعبدالله،محمد بن عمران بن موسی النسوی ابوجعفر الشرمغولی قریه بنسابور، محمدبن عبدوس بن العلاالنیسابوری ابوبکر الاهاری محمدبن احمدبن قریش بن یحیی النیسابوری ابوبکر الکاتب ویعرف بالابرص ومسکنه محلة باب الدیر وهومن اهل الصدق، محمدبن شعیب بن ابرهیم بن شعیب النیسابوری الفقیه ابوالحسن ابوالحسن العجلی البیهقی،محمد بن هرون بن منصور النیسابوری ابوسعید المسکی وکان من الاعیان فی الحدیث والعقل والثروة والسخا،محمدبن علی بن الحسین البلخی ابوعبدالله الختائی ، محمد بن احمدبن ابراهیم ابوبکر النیسابوری الصوفی، محمدبن جعفر بن سلیمان النیسابوری ابوبکر الصیرفی محمد بن همام بن معوبة النیسابوری ابوعبدالله المهلبی، محمدبن الحسین بن اسحق المقری النیسابوری ابوعبدالله، محمدبن محمدبن صدیق النیسابوری ابوحامد محمدبن یحیی ابوبکر النیسابوری ، محمدبن حسن بن عمرو بن عروة النیسابوری

ابوعمرو الزمجاری ، محمدبن ابرهیم‌بن عبدالله النیسابوری ابوبکر الخاررنجی ، محمدبن‌الفضل بن‌عبدالله النیسابوری ابوالفضل ، محمدبن‌اسمعیل‌بن‌عیسی‌الجرجانی ابوعبدالله المستملی ، محمدبن یعقوب بن‌اسحق الجوهری ابوبکر النیسابوری ، محمدبن‌عمروبن‌سلمة بن هشام النیســابوری ابوبکرالبزاز، محمدبن‌ابرهیم‌بن‌شاذان بن‌عقیل النیسابوری المذکر ابوبکر الاکارعی الشعرانی ، محمدبن‌احمدبن الحسن بن زیادالقیمی ابوالفضل النیسابوری الزورابدی وخطهتم باب معاذ سکـةالرشنه ، محمدبن احمدبن فوران‌النیسابوری ابوبکر الدهان ، محمد بن ابراهیم بن فوران النیسابوری ابوعبدالله ، محمدبن اسحق بن محمدبن ابوتراب الموصلـی، محمد بن اسحق بن عبدالله النیسابوری ابــواحمدالشاد یاخی ، محمد بــن احمد بــن زهیر بن طهمان القیسی ابوالحسن الطوسی محدث کثیر الحدیث و التصنیف ، محمد بن الحسن بن حمیدبن معقل النیسابوری ابوبکر الصوام ، محمد بن علی بن حمویــه النیسابوری‌ابوالعباس العطار، محمدبن حسنویــه بن علی النیسابوری الشیخ الصالح ابوبکر،محمدبن منصوربن‌عبدالله الزاهدالنیسابوری ابوعبدالله وکان مجاب الدعوة رحمة‌الله،محمدبن‌حمدان بن‌سهل‌بن‌موسی‌النیسابوری‌ابوبکر‌الصائغ،محمدبن‌عبدوس النیسابوری ابوعبدالله‌السیسرآبادی، محمدبن علی‌بن الحسن النیسابوری ابو جعفر النحتری ، محمدبن احمدبن عبدالوهاب‌النیسابوری ابوعبد الله التاجر ، محمد بـن هارون‌بن‌مطرف بــن‌اسحق النیسابوری ابــو جعفر و یعرف بابی المطرفی ، محمد بن‌حسنویه بن‌اسمعیل النیسابوری ابوبکرالفانی، محمدبن‌احمدبن‌الفضل‌النیسابوری ابواحمدالشخنانی ، محمدبن احمدبن‌اسمعیل الحثعمی وکان قاضی الری ، محمدبن احمدبن عمرویه النیسابوری ابوعبدالله البیلی الشاهد ، محمدبن سلوان‌الکرابیسی ابوبکرالنیسابوری، محمدبن سهل‌بن‌عبدالله النیسابوری ابوعبدالله المؤدب، محمدبن

احمدبن الحسن النیسابوری ابوبکر الکاتب ؛ محمدبن احمدبن اسدبن مشکان النیسابوری ابوعبداله المروزی ، محمدبن موسی بن‌معاویة النیسابوری، محمدبن ابراهیم‌بن اسمعیل‌الطوسی‌نزیل‌نیسابور ،محمدبن‌موسی‌بن‌محمدبن زهیرالنیسابوری ابوحاتم السختیانی ، محمدبن عقیل بن‌فضالةالنیسابوری ابوبکر ، محمدبن علی‌بن الحسن ابوعبداله البخاری ، محمدبن الحسین‌بن الهیثم ابوبکرالخزاعی البصری ، محمد بن‌عبداله‌بن‌معقل‌بن بشربن حسان‌بن‌حسان‌الهروی المزنی، محمدبن‌جعفر ابو عبدالله‌القصاب النیسابوری ، محمدبن جعفربن محمدبن‌نصرویه‌النیسابوری، محمدبن الحسین‌بن محمویه ابوبکرالعابد النیسابوری ، محمدبن‌عبداله‌ابوالفضل السختیانی النیسابوری، محمدبن‌الحسین‌ابوعبدالله‌الباغکی‌النیسابوری‌من‌محلة‌باغك ، محمدبن الحسن بن ابی سعد یحیی بن‌منصور ابوافضل‌الشهید الحافظ الهروی ، محمدبن احمدبن حمویه‌ابو عبداله المزوری ، محمدبن احمدبن‌هارون‌بن حنان النیسابوری ابوعبدالله القرشی ، محمد بن‌ابی سهل الرباطی المزوری محمد بن‌الحسین‌بن معاذ النیسابوری ابوالحسین المازلی،محمدبن‌یعقوب‌بن‌داودالفارسی‌ابوعبدالله‌الموسدخابی، محمد بن احمد بن هلال ابوالنصر السمرقندی ، محمد بن‌یعقوب ابوجعفر الواعظ الطبری ، محمدبن‌عبدالرحیم‌الشاشی، محمدبن‌حمویه‌النیسابوری ابوعبدالله‌الحزکی، محمدبن محمدبن ابراهیم‌النیسابوری ابوبکرالنسوی ، محمدبن الطمعون ابوبکر بن‌محتاج‌الامیرصاحب‌جیوش‌خراسان ، محمدبن‌عبدالرحمن‌بن‌محمدالفقیه ابوالعباس الدغولی امام عصره بخراسان اقام‌بنیسابور مستفیداً ، علی‌بن‌محمدبن یحیی‌الذهلی وعبدالرحمن‌بشر واقرانهماسنین وبعدمحمدبن‌اسحق وابوالعباس السراجماکان‌احمد مثله ، محمدبن‌احمدبن یوسف‌السلمی ابوبکر النیسابوری ، محمدبن‌الفضل‌بن‌محمد بن‌المسیب‌الشعرانی‌النیسابوری‌ابوبکر البیهقی، محمدبن‌نصربن‌عمارالانصاری‌ابوبکر النیساری، محمدبن اسحق‌بن ابراهیم‌بن‌عمارالخزرجی‌الانصاری‌ابولحسن‌النیسابوری

روی‌عن فضیل بن عیاض‌وکنا نستطاب اذا مرضنا فصارهـلاکنا بیدالطبیب فکیف نجز غصتنا بشئی ونحن نقص بالماء الشریب، محمدبن یحیی بن سعید النیسابوری ابوبکر الجلودی ، محمدبن احمد بن علی‌الرئیس ابوالحسن ابن ابی عبدالرحمن النیسابوری المعروف کان‌ابوه بابی‌عبدالرحمن العـانخدی وکان ابی‌الحسن رئیس بنیسابور فضایله‌کثیره رحمةله، محمدبن‌عبدالله‌بن محمد بن رجابن سعیدبن علوان الوزیز ابوالفضل البلعمی رضی الله عنه واحد عصره‌فی‌الرای والعقل و اجلال العلم و اهله ، محمد بن محمد بن الفضل ابوالحسن الشعرا نی الطوسی سکن بنسابور ، محمد بن محمد ابوعلی‌القصاب‌الهروی، محمد بن علی ابوبکرالنیسابوری ابن‌اخت مسلم بن الحجاج، محمد بن‌احمدبن محمدبن‌زیاد النیسابوری‌ابواحمدالملقب‌وکان وجوه البلد ، محمد بن یونس بن ابرهیم بن‌النصر بن عبدالله النیسابوری ابوعبدالله المقری الشعرانی ، محمد بن عثمان ابوالطیب القطان النیسابوری و کثرالمقـام ببغداد محمد بن محمدبن عثمان ابوالسهل القطان ابن‌ابی الطیب ، محمد بن‌عمر بن جمیل ابوالا حرز الطوسی الاصـم ، محمد بن احمـد بن دلویه النیسـابوری ابوالحسن الصیدلانی ، محمد بن‌الحسین بن علاابوالعباس الزبیری النیسابوری من المدینة الداخلة، محمد بن‌احمد بن علی النیسابوری‌الادیب ابوبکرالعجلی، محمد بن علی بن محمد ادریس النیسابوری ابوعمروالمزکی، محمد بن قریش ابواحمد المروروذی‌شیخ بلده ، محمد بن الحسین بن‌یزیدبن عبدالرحمن ابواحمدالورای المعروف بالحافظ وکان اهل طوس یسمونه النیسابوری و اهل نیسابور الطوسی و کان من نیسابوری من محله الحیرة ، محمد بن احمد بن محمدبن معقـل ابوعلی المیدانی من میدان زیاد ، محمد بن‌عمربن حفص‌بن‌محمد العابد ابوبکر و کان من المجتهد ین لایشتغل الا بالصلوة والقرائة ولما توفی رغبت الخلائق فی الصلوة

علیه اکثر من الاعیاد ، محمد بن الطیب ابوالنصر الکشتی الزاهد ، محمد بن علی بن الحسن بن مهران بن عفان النیسابوری الحافظ ابوبکر التجار ، موسی بن العباس بن محمد النیسابوری ابوعمران الجوینی من ازادوار و هوصنف علی کتاب مسلم الحجاج، مکی بن عبدان بن محمد بن بکربن مسلم بن راشد النیسابوری ابوحاتم التیمی ، مسعودبن علی بن الحسن المروعی ابوالقاسم الجوال فی طلب الحدیث بمصر والحجاز ، معتزبن احمد بن یحیی الزمی منزم جیحون ابواحمد الحاجی ، محمود بن احمد بن عطا القهستانی نزیل نیسابور ، یحیی بن محمود بن عبدالله بن اسد النیسابوری ابوزکریا البرنودی ، یحیی بن عبدالرحمن النیسابوری ابوزکریا التیمی المعادی ، یعقوب بن محمد بن ماهان النیسابوری ابویوسف الصیدلانی ، یعقوب بن اسحق بن الجعد النیسابوری ابویوسف الجعدی شیخ من المشهورین یعقوب بن یوسف بن عاصم ابوالفضل العاصمی البخاری شیخ اهل بلدة فی عصره ، یعقوب بن محمود المقری ابویوسف النیسابوری من کبار القرا ، یعقوب بن یوسف بن یوسف ابویعقوب المکاتب مرتع بشسفروش یوسف بن جمیع النیسابوری .

قال الحاکم رضی الله عنه هذه اسامی المشایخ الذین مارزقت السماع منهم من هذه الطبقه فنشرع الان فی اسامی الذین ادرکتهم ورزقت السماع منهم بنسابور من هذه الطبقه ایضا علی الترتیب المذکور .

احمدبن اسحق بن ایوب بن یزیدبن عبدالرحمن بن نوح النیسابوری الفقیه ابوبکر، الامام، المفتی، المتکلم، الغازی، الرئیس، الزکی واحدعصره، رضی الله عنه وتوفی شعبان سنه اثنی و اربعین و ثلثمائه وهوابن اربع و ثمانین واشهر و مناقبه کثیره من الفقه والاصول والحدیث الفروسیة مقدم فی عصره فی جمیعها بلامدافعه، احمدبن ابراهیم المعدل الصیدلانی ابوبکر النیسابوری، احمد بن ابراهیم بن اسمعیل الامام اسماعیلی النیسابوری

واحد عصره و شيخ الفقها والمحمدثين و مات بجرجان، احمدبن اسحق بن‌عبدويه ابونصر العبدوی النيسابوری رئيس نيسابور ، احمد بن ابراهيم بن مالك بن سعيد الرازی ابوسعيد الصوفی نزيل خانقاه الشيخ ابوبكربن اسحق، احمد بن ابراهيم بن‌محمد بن عبدالله بن الحسين الفارسی ابوحامد المقری نزيل بنسابور، احمدبن اسمعيل بن يحيی خادم الارزی ابوالفضل الاسماعيلی من وجوه نيسابور و اولاد العرب، احمدبن ابراهيم‌احمد بن‌عبدالله الرقی‌النيسابوری‌وردجده من‌الرقه جاء ايام الطاهريه ، احمد بن ابراهيم بن‌عبدويه بن سدوس الهذلی ابوالحسن العبدوی النيسابوری الزاهد اخوابی عبدالله العبدوی .

احمدبن ابراهيم بن عبدالله الفقيه ابوسعيد الا صبهانی وكان مولده بنسابور، احمد بن ابراهيم بن محمدبن يحيی ابوحامد المزكی النيسابوری، احمد بن اسحق بن ابراهيم‌بن يزيد العدل ابوالحسن النيسابوری والدابی‌عمروالصغير، احمدبن بالويه ابوحامد العصفی النيسابوری، احمد بن بندار ابو زرعة الاسترابادی اقام بنسابور مدة ، احمد بن بسام ابوالحسين البغدادی.احمدبن جعفربن سليمان‌ابوحامدالبزاز النيسابوری‌من‌دارابجرد، احمدبن‌الحسن‌بن‌منده ابوعمروالاصبهانی‌نزيل‌بنسابور،احمد بن حسنويه علی‌اللبادابوالحسين النيسابوری التاجر، احمدبن‌الحسن بن‌الحسين‌بن منصورابوالحسين النصرآبادی النيسابوری ، احمد بن الحسين بن بندار بن ابان الاصبهانی القاضی ابوبكر الطوسی وتوفی‌بنيسابور، احمدبن‌الحسين بن‌محمد بن علی‌البلخی ابواحمدالفقيه الشافعی،احمدبن الحسين‌بن‌احمدبن عبيدبن‌الحسين بن الضبی‌ابونصرالمروزی، احمدبن‌الحسين‌بن مهران‌الزاهد ابوبكرالمقری‌النيسابوری امام‌عصره فی القرات وكان اعبدمن‌رأينا من‌الفقرا وكان مجاب الدعوة ، احمد بن الحسن بن احمدبن حفص‌بن مسلم بن يزيدبن علی الخرسی النيسابوری ابو بكر

القاضی، احمدبن الحسین بن احمد ابونصر الفقیه النیسابوری وهوابن ابی علی الفامی، احمدبن الحسین بن محمدحمویه النیسابوری والحسین یلقب محکومه ابونصر الوراق احمدبن الحسین بن علی قاضی القضاة بخراسان ابوحامد المزوری وکان ابوه همدانیا احمدبن الحسین الحافظ ابوالفضل الادیب الشاعر، احمدبن الحسین ابوبکر السروری المقری، احمدبن الحسین التاجر ابوالعباس الرازی من اعیان کتبة الحدیث، احمدبن الخضر بن احمدبن محمدبن عبدالله نهیك الشافعی ابوالحسن الفقیه النیسابوری، احمدبن داودبن عیسی الهاشمی ابوالعباس الطبری، احمدبن رافع بن الحسین ابویوسف المزوری، احمدبن زیدبن محمدالطوسی ابونصر التاجر، احمدبن سلیمن بن اسمعیل ابوالسین بن نوح ابوسعید الحیری النیسابوری وکان من الصالحین، احمدبن سعیدبن اسماعیل ابوالحسین بن ابی عثمان الزاهدالنیسابوری، احمدبن سعیدبن نصر بن بکاد الزاهد ابوبکر الواعظ البخاری، احمد بن سهل بن ابرهیم بن سهل الانصاری ابو حامد النیسابوری، احمدبن صالح بن علی المزوری، احمدبن طاهر بن عبدالله بن یزیدابوعلی بن طاهر النسابوری، احمدبن عبدالله بن محمدبن عبدالله بن عبدالله بن محمدبن بشربن معقل بن حسان بن عبدالله بن معقل المزنی صاحب رسول الله صلی الله علیه وسلم رضی الله عنه وکان امام اهل العلم والجود فی عصره بلا مدافعه وکان من اولیاء السلطان. وقال الحاکم انه هروی ولکن مات رضی الله عنه ببخارا و یعرف بابی محمد المزنی. احمدبن عبدالله بن زکریا بن عبدالکریم بن عبدالله بن عبدالعزیز ابوالحسین بن زکریا الفقیه الشافعی الجرجانی، احمدبن عبدالله بن سعید ابوالعباس الذهلی، احمد بن عبدالله بن سرمد ابوالحسین الکرابیسی النیسابوری، احمد بن عبدالله بن محمد بن اسمعیل الفقیه الشاهد ابوالحسین الطوائفی النیسابوری، احمدبن عبدالله بن احمد بن محمدبن الحسین ابونصربن ابی محمدبن ابی العباس الماسرخسی النیسابوری، احمد

بن علی بن محمدبن ابرهیم بن احمدویه الاصبهانی نزیل بنسابور، احمدبن علی بن عبدالرحیم التاجر ابوحامدالصفار النیسابوری، احمدبن علی بن محمدالفامی ختن- الحاکم ابی علی الجنابذی ابوبکر النیسابوری، احمد بن علی بن الحسن بن شاذان المقری ابوحامدالتاجر العابدالنیسابوری، احمد بن علی بن محمد الوراق ابو عمرو النیسابوری، احمدبن علی بن عمرو بن سلیمق الزاهد البخاری ابوالفضل السلمین، احمدبن عبدوش بن سلمویه الصرام ابوحامدالنیسابوری، احمدبن العباس بن عبیدالله المقری ابوبکر الامام البغدادی، احمدبن عبدالعزیز بن محمد بن اسحق بن ابرهیم - اسحق بن ابرهیم الوراق ابوحامد النیسابوری عم ولد ابی عمرو الصغیر، احمدبن عبدالله بن حمشاد بن محمدالغازی ابونصر التاجر النیسابوری وعاشر اکابر الشیوخ من - المتصوفه، احمدبن عمر بن سیبویه المزوری، احمدبن عبدالله بن محمد ابوصابر الفقیه من اصحاب ابی العباس احمدبن هارون، احمدبن الفضل بن محمد ابو بکر البزاز - النیسابوری، احمدبن القسم ابونصر الکاتب، احمدبن القاسم ابونصر النیسابوری - الکاتب وکان من اعقاب الحسین الفامی، احمدبن کوفی بن ایوب بن ابرهیم الاصبهانی التاجر ابوبکر، احمدبن اللیث بن الحسین بن علی الزاهد الخیاط ابواحمدالنیسابوری مجاور الجامع، احمدبن محمدبن عبدوس العبدی ابوالحسن الطرائفی النیسابوری وکان من اصحاب الصدق و المحدثین، احمدبن احمد بن سلیمن الحافظ الحنفی ابوالطیب الصعلوکی النیسابوری عم استاد ابی سهل رضی الله عنه ومدفون فی مقبرهٔ باغك، احمدبن محمدبن عبدالله القاضی ابوالحسین النیسابوری قاضی الحرمین وامام الکوفین فی عصره بلامدافعه، احمدبن محمدبن یحیی المعدل ابوالحسن بن یحیویه النیسابوری واقام ببغداد مدة ثم رجع احمدبن ابرهیم الفقیه الادیب ابو جعفر الجرجانی نزیل بنسابور، احمدبن محمدالقاسم المذکر السرخسی اقام بنیسابور، احمدبن محمدبن

سهل الفقيه البارع ابوالحسين الطبسي الشافعي، احمدبن نصر بن اشكاب البخاري، احمدبن محمدبن شعيب بن هارون الفقيه الجلابادي النيسابوري من محله جلاباد وكان من الصالحين العباد ، احمدبن محمدبن محمدبن ابرهيم بن عبده النيسا بوري التميمي ابوالحسين السليطي، احمدبن محمدبن ايوب الواعظ المفسر ابوبكر الفارسي نزيل بنسابور، احمدبن محمدبن ابرهيم بن هاشم الحافظ ابومحمد البلاذري الطوسي، احمدبن محمدبن اسمعيل بن مهران ابوالحسن بن ابي بكر الاسماعيلي الشاهد النيسابوري احمدبن محمدبن الحسين الواعظ ابوالعباس النصرالداري ، احمدبن محمدبن سهل ابوالحسن بن سهلويه المزكي النيسابوري شيخ اهل الراى في عصره، احمدبن محمد بن الحسين الخطيب ابوحامد الخسروجردي شيخ كبير، احمدبن محمدبن سعيد بن منصور الواعظ الحافظ ابوسعيد قدجمع الحديث وصنف في الابواب وهونيسابوري و مات بطرسوس، احمدبن محمدبن يحيى المتكلم ابو بكر الاشقر شيخ اهل الكلام في عصره بنسابور، احمدبن محمدبن موسى بن كعب الشاهد ابوسعيد الكمي النيسابوري وكان نقال فى رأس الاوقه منزل واحد يخرج منه محدث وشاهد وفقيه، احمدبن محمد بن الحسين الطوسي ابوتراب الواعظ النوقاني ، احمدبن محمدبن عيسى بن الجراح الحافظ ابوالعباس النحاس المصري، احمدبن محمدبن ابرهيم الواعظ ابوحامد المقرى النيسابوري ويعطى لكل علم حقه، احمدبن محمش بن مهران بن عبدالله الا صبهاني ابوالعباس الكافوري، احمدبن محمدبن الحسين بن علي ابوطاهر الطاهري النيسابوري من محلة جودي، احمدبن محمدبن احمدبن اسحق بن عبدالله ابو العباس بن ابي- الحسين المعروف بالصندوقي النيسابوري ، احمدبن محمدبن احمد بن بالويه ابو حامد النيسابوري، احمدبن محمدبن عبدالله الاديب اللغوي العلامة ابوعمرو الرزدي النيسابوري والرزد قرية من قرى اسفراين احمد بن محمدبن ابوحامد الحازرنجي

امام اهل الادب بخراسان فی عصره بلامدافعه ، احمدبن محمدبن ابرهیم ابو عمرو -
الزوزنی الکاتب ، احمدبن محمدبن الحسین البخاری ابونصر الطلاآبادی الکاتب
احمدبن محمدبن عبدوس بن حاتم الفقیه ابو الحسن اللحاتمی ابو حاتم الفقیه -
المزکی المزوری ، احمد بن محمد بن الحسن الفقیه ابونصر الطرائفی النیسابوری
احمدبن محمدبن اسحق المعدل ابوعلی البراز النیسابوری، احمدبن محمدبن احمد
بن محمدبن یحیی الانماطی النیسابوری ابن بنت ابی الحسین البزاز،احمدبن محمد
بن ابرهیم ابونصر الطبسی التاجر نزیل بنسابور،احمدبن محمدبن جعفر محمدبن یحیی
بن نوح ابوالحسین البحتری النیسابوری ، احمدبن محمدبن عبدالله العنبری ابومنصور
الصوفی النیسابوری ، احمدبن محمد بن صالح القاضی المنصوری من اهل منصوره،
احمدبن محمدبن المومل بن الحسن بن عیسی الحافظ ابوحامد الفقیه الادیب المزکی
الطوسی ، احمدبن المنصوربن محمد الحافظ ابوالعباس الصوفی الشیرازی ،احمد بن
موسی بن حماد ابوحامد النیسابوری، احمدبن ابرهیم بن محمد الفقیه الزاهد ابوحامد
البغولی النیسابوری، احمدبن محمدبن معقل السرخسی ابوعمرو الکاتب نزیل مزینان،
احمد بن محمدبن مسیح بن وکیلی النجفی ابوسعید الحافظ النسوی ، احمدبن محمد
بن الحسن ابوعمرو بن ابی طاهر المحمد آبادی محلة خارج البلد ، احمدبن محمدبن
شیرك الفقیه ابوحامد الشافعی الهروی مفتی هراة فی عصره ، احمدبن محمدبن ایوب
بن سلیمان الفامی ابوحاتم الجوبقی النیسابوری، احمدبن محمدبن عبدالله بن محمدبن
عبدالله بن محمد عبدالوهاب الصایغ ابوحامد النیسابوری ، احمدبن محمدبن اسمعیل
البغدادی ابوالحسن الخلال، احمدبن محمدبن ابراهیم بن جازم البخاری ابو نصر -
الحازمی المؤذن ، احمدبن محمدبن حسنویه العابد ابو بشر الحسنوی النیسابوری ،
احمد بن محمد بن عمر الزاهد ابوالحسین بن ابی نصر الخفاف المجاب الدعوة

احمدبن نصربن محمدالزهری ابوالحسن البغدادی الحنودی ،احمدبن هرون بن ابرهیم الفقیه ابوالعباس الحاکم المزکی شیخ اهل الرای فی عصره النیسابوری، احمدبن یعقوب بن احمدبن مهران بن عبدالله ابوسعید الثقفی النیسابوری، احمدبن یعقوب بن ناصح الاصبهانی الادیب ابوبکر النحوی ، احمدبن یوسف بن عبدالرحمن الصوفی ابوحامد العمروف بالاشقر ممن صحب المشایخ القدما بخراسان والعراق ، احمدبن یعقوب بن عفربن الجنیدبن موسی التیمی ابوالفضل الخجندی، احمدبن یعقوب بن العاطرعبد الجبار القرشی الجرجانی، ابراهیم بن اسمعیل بن ابرهیم العابدابواسحق المعروف بابوهتمك النیسابوری کان علی رأس سکه خشاوزه و توفی رحمة الله سنه ثمان و ثلثین و ثلثمائه وکان احدودب حتی رداوه فوق العمامم ، ابرهیم بن احمدبن محمدبن رجا الفراری النیسابوری ابواسحق الوراق، ابرهیم بن احمدبن عبیدالله المستملی ابواسحق الهمدانی الاعور، ابرهیم بن اسحق بن حمویه البزاز ابو اسحق الرازی، ابرهیم بن احمد الزاهد ابواسحق السلمانی النیسابوری، ابرهیم بن احمدبن محمدبن عبدالله الترنومدی، ابرهیم بن اسحق الادیب اللغوی ابواسحق الضریر ،ابرهیم بن جعفر السختیانی ابواسحق النیسابوری ابرهیم بن الحسن الفقیه ابوالحسن النیسابوری، ابرهیم بن سیمجور الامیر بن الامیر ابو اسحق بن ابی عمران الادیب والی امارة بخارا و هراة ومروو نیسابور فامابلاد قهستان فلم نزل برسمه، ابرهیم بن عصمة بن ابرهیم ابواسحق النیسابوری، ابرهیم بن علی بن بالویه البلخی ابواسحق، ابرهیم بن عبدالله بن اسحق العدل ابواسحق الاصبهانی، ابرهیم بن الفضل الهاشمی اللغوی، ابرهیم بن محمدبن ابرهیم ابواسحق الحری المعروف بابی الحامك الزاهدالنیسابوری، ابراهیم بن محمدبن احمد الفقیه ابو اسحق النجاری ، ابرهیم بن محمدبن یحیی المزکی النیسابوری ابواسحق شیخ نیسابور،فی عصره توفی رحمة الله سنه اثنی وستین وثلثمائه، ابرهیم بن محمد بن الحسین بن الحسن بن الخلیل القطان

ابواسحق العابد النیسابوری، ابرهیم بن محمد بن مکتوم المستملی ابواسحق المکتومی النیسابوری، ابرهیم بن محمد بن احمد بن محمومه الصوفی العارف ابوالقاسم النصرآبادی النیسابوری الواعظ لسان اهل الحقایق، ابرهیم بن محمد بن محفوظ بن معقل ابو اسحق المحفوظی النیسابوری، ابرهیم بن محمد بن ابرهیم بن الفضل بن اسحق الهاشمی المعدل ابواسحق بن ابی الفضل بن فضلویه المزکی النیسابوری، ابرهیم بن محمد بن عبدالله بن ابی بکر الخباز المذکر الرازی، ابرهیم بن محمد بن ابرهیم الفقیه الاصولی ابواسحق الاسفراینی، ابراهیم بن محب بن ابرهیم بن سلیمان بن خالد العبدی ابو اسحق النیسابوری، ابرهیم بن مضارب بن ابرهیم ابو اسحق النیسابوری، ابرهیم بن نصر ابواسحق المزوری، ابراهیم بن یوسف بن لقمان الفقیه البخاری، اسمعیل بن عبدالله بن محمد بن میکال ابوالعباس الادیب الشریف النیسابوری شیخ خراسان ووجهها وعینها فی عصره رضی الله عنه ومیکال کان ابن الواحد بن جبرئیل بن القسم بن بکر بن دیواشی وهوشور الملک بن سور بن شور بن سور اربعة من الملوك بن فیروز بن یزدجرد بن بهرام جور بن محمد بن احمد بن یوسف بن سالم بن خالد السلمی ابوعمرو الزاهد العابد شیخ عصره فی التصوف توفی الشیخ ابوعمرو النیسابوری رضی الله عنه لیلة السبت الثالث عشر من ربیع الاول سنه خمس وستین وثلثمائه ودفن بشاهنبر، اسمعیل بن محمد بن الفضل بن محمد بن المسیب ابوالحسن النیسابوری الشعرانی وکان جدهٔ شیخ عصره بخراسان وتوفی بقریة بیهق، اسمعیل بن احمد بن محمد التاجر ابوسعید الهلال الجرجانی سکن نیسابور وتوفی بها، اسمعیل بن عبدالله بن عمر سلیمان ابومنصور بن ابی الیاس الکوکبی النیسابوری، اسمعیل بن احمد بن محمد بن اسمعیل ابومحمد بن ابی الحامد الا سماعیلی الطوسی، اسمعیل بن احمد بن محمد بن یوسف ابو ابراهیم الاسترابادی، اسمعیل بن ابراهیم بن محمد الفقیه اسحق بن ابراهیم بن محمد بن محمد ابراهیم الحترجی

ابویعقوب العماری النیسابوری، اسحق بن ابراهیم بن عمرویه البخاری ابو ابراهیم الفقیه، اسحق بن سعید بن الحسن بن سفیان الشیبانی ابویعقوب النسوی، اسحق بن محمد بن اسحق بن محمد قبیصه المعدل النیسابوری، اسحق بن محمشاد الزاهد ابویعقوب الکرامی شیخهم وامامهم ذکر الحاکم رحمه‌الله سمعت من الثقه انه اسلم علی ید ابو یعقوب الکرامی من اهل الکتاب والمجوس بنیسابور ما یزید علی خمسة آلاف رجل و امراة ، اسحق بن احمدبن شیث بن الحکم ابونصر الفقیه البخاری الصفار احمدبن احمد بن خیرابواحمد البخاری ، اسد بن الهیثم بن عبیدالله المصری ابوالهیثم، اسدبن رستم بن احمد بن عبدالله ابوسعید الرستمی الهروی ، اسامة بن علی الهمدانی نزیل بنسابور، بکر بن محمد بن حمدان المروزی الصیرفی المعروف بالدحمیسی بکر بن احمد بن زکریا ابوعمرو الشاهد المعروف بالعدنی، بالویة بن محمد بن بالویه ابوالعباس المزنیانی، بشر بن احمد بن بشر بن محمود بن اشرش الاسفراینی، بشر بن محمد بن یاسین بن النصر بن سلیمان النیسابوری القاضی القضاة بنسابور، بشر بن عبدالله البصری ابواحمد ~~نزیل بنسابور، جعفر بن محمد بن الحارث المراغی نزیل بنسابور~~، جعفر بن احمد بن محمد الصوفی العابد ابوالقاسم بن المقری الرازی شیخ عصره فی التصوف والتوکل، جعفر بن نعیم بن شاذان بن قنبر ابو محمد النیسابوری، جعفر بن محمد بن جعفر ابومحمد بن ابی بکر بن جعفر البشتی النیسابوری، جعفر بن الفضل بن عیسی الفقیه ابومحمد الشاشی، جمیل بن محمد بن جمیل ابوالحسین الرازی صمعه بنت احمد بن محمد بن عبیدالله الرئیس النیسابوریه من ولد عثمان بن عفان رضی‌الله عنه، الحسن بن ابراهیم بن یزید الاسلمی ابومحمد الفارس القطان نزیل بنسابور، الحسین بن احمد بن موسی ابوعلی الفارسی، الحسن بن احمد بن الحسن بن موسی القاضی ابوعلی البیهقی، الحسن بن احمد بن الحسن بن محمد ابومنصور بن ابی الحسن المعاذی المزکی النیسابوری ، الحسن بن احمد عبیدالله ابوالغازی الصوفی البغدادی ، الحسن بن احمد بن یعقوب بن موسی بن امیر المومنین ابومحمد المامونی ، الحسن بن احمد بن محمد بن حفص الحرسی

النيسابورى ، الحسن بن محمد بن عبدالله الدنيورى ابومحمد ، الحسن بن يعقوب بن يوسف العدل ابوالفضل البخارى ، الحسن بن يعقوب بن يوسف الصوفى النيسابورى الزاهد صاحب الخانقاه مجمع الزاهد و الصوفيه توفى رحمه الله فى رجب سنه ست وثلثين وثلثمائه وهوفى سن النبى صلى الله عليه و سلم و شهدت جنازته بالحيره ودفن بقرب المشايخ السته ، الحسن بن محمد بن يحيى بن الحسن السحرى ابومحمد الاديب ، الحسن بن احمد بن موسى ابوعلى الفامى النيسابورى ، الحسن بن احمد بن الحسن القاضى ابوعلى البيهقى الاديب الفقيه ، الحسن بن محمد بن على ابوعلى بن ابى الحسن بن ابى عبدالله الطوسى الرود بارى ، الحسين بن على بن يزيد بن داود بن يزيد بن الحافظ ابوعلى النيسابورى واحد عصره فى الفحظ والايقان والورع والرحله ذكره فى الشرق كذكره فى الغرب مقدم مذاكير الائمة وكثرة التصنيف توفى رضى الله عنه الخامس عشر من جمادى الاولى سنه تسع واربعين وثلثمائه ودفن فى مقبره باب معمر ، الحسين بن داود بن على بن عيسى بن محمد بن القاسم بن الحسن بن الحسن بن على بن ابيطالب ابوعبدالله العلوى رضى الله عنهم ، الحسين بن الحسن بن ايوب الاديب ابوعبدالله الطوسى ، الحسين بن على بن محمد بن يحيى بن عبدالرحمن ابو محمد الحسينك بن ابوالحسن التميمى النيسابورى ، من بيت الثروة والمروة قريب حسين بن معاذ ، الحسين بن سختويه ابومحمد البزاز ، الحسين بن محمد بن احمد بن ابوعلى الماسرحسنى النيسابورى الحسين بن احمد بن جعفر ابوعلى الكرامى النيسابورى ، الحسين بن محمد بن على بن محمد الزبيرى القرشى ابوعلى النيسابورى الحسين بن حميدى سيبويه المعدل ابوعبدالله النيسابورى ، الحسين بن احمد بن عبدالرحمن ابوالصفار الهروى ، الحسين بن عبدالله بن محمد الفقيه ابوالطيب الشيرازى ، الحسين بن محمد بن الحسين بن يحيى الواعظ ابوسعيد البسطامى ، الحسين بن جعفر بن محمد الجرجانى ابوعبدالله الحسين بن جعفر بن يزيد ابوعبيدالله الرازى ، الحسين بن عبدالحميد بن

عبدالرحمن ابوعبدالرحمن الادیب النحوی النیسابوری، الحسین بن احمد بن جعفر - الصوفی ابوعبدالله الرازی، الحسین بن یحیی بن زکریا بن یحیی الواعظ ابوعلی الشافعی رضی الله عنه وقبله زعم بشقان، الحسین بن الحسن القاضی ابوعبدالله الحکیمی، الحسین بن عبدالله بن محمد بن عبدالعزیز ابوعبدالله النیسابوری، الحسین بن علی بن محمد الحسین العلوی رضی الله عنه . الحسین بن علی بن بندار ابوالقسم بن ابی الحسن الصوفی ، حسان بن محمد بن احمد بن هرون القرشی ابو الولید الفقیه امام اهل الحدیث بخراسان فی عصره توفی رضی الله عنه الیلة الجمعه الخامس من ربیع الاول سنه تسع واربعین و ثلثمائه و دفن فی مقبرة نصر بن زیاد القاضی المدفون فیها ثلثة من الصحابه و قد قال بعض العلماء فی الصیده التی یرثی له بها و قدبقی ربیه و مصرفه امام هذا الدهور و الاعصار ابوالولید الفقیه و السید القوم و فخر الخلایق الاکبر معدن کنز العلوم حمزة بن محمد بن احمد الزیدی الحسینی العلوی ابوعلی نجم اهل بیت النبوة فی زمانه الشریف حسباً و نسباً ، حمزة بن احمد بن محمد بن حمزة الفقیه ابوعلی الشاعر الزوزنی ، حمزة بن عبدالعزیز بن محمد ابوعلی المهلبی الصیدلانی النیسابوری ، حاجب بن احمد بن جم بن سفیان ابو محمد الطوسی حامد بن محمد بن عبدالله بن محمد الهروی ابوعلی الواعظ المعروف بالوفا، حامد بن محمد بن عبدالله الخیاط النیسابوری ، حامد بن محمد بن احمد بن جعفر الصوفی ابواحمد الکاغذی النیسابوری و توفی بسجستان، حامد بن احمد بن عبدالله بن حمشاد الفقیه ابواحمد المناشکی النیسابوری ، احمد بن محمد بن حمدون بن مرداس الفقیه ابو منصور الجرجانی مات بنیسابور حیدر بن فتح بن محمود بن هرون القرشی النیسابوری ، حمد بن محمد بن الخطاب الفقیه الادیب البشتی ابوسلیمن الخطابی، خلف بن احمد بن محمد بن خلف الامیر بن الامیر و من بیت ولاة خراسان الجلیل

بن احمد بن الجليل القاضى شيخ اهل الرأى فى عصره ، الخضر بن احمد بن محمد القروينى ابوعلـى ، الخضر بـن محمد بن يحيى البلخى و كان ابوه بنيسابور ، خلف بن ابراهيم بن عصمة بن ابراهيم البيلى النيسابورى ، خلف بن محمد الواسطى ابو محمد ، خطاب بن على بن الخطاب ابومحمد القروينى ، خديجه بنت احمد بن محمد بن رجا القاضى النيسابوريه و كان ابوها ابورجاء قاضى القصاة و كانت تحسن العربيه و الخط ، دعلج بن احمد بن دعلج الفقيه ابومحمد السجزى شيخ اهل الحديث فى عصره ، داودبن محمد بن نصير الاسفراينى ، داودبن محمد بن الحسين بن داود الحسين العلوى ، رشيق بن عبدالله الرومى ابونصر يسكين طابران من قرى طوس ، رافع بن عبدالله ابو اسامة المرو الرودى : رافع بن عصم بن العباس الصبى الهروى ، ربطه بنت عبدالله العابدة الزاهدة النيسابوريه ، زبيربن عبدالواحد بن احمد بن زكريا ابو عبدالله الاسترابادى ، زيد بن الحسين داود بن على الحسينى العلوى ، زيد بن عيسى بن جعفر بن مهدى الكوفى الزبيربن عبدالله بن موسى بن الحارث الثورى ابوعلى البغدادى ، زاهر بن احمد بن محمد بن عيسى السرخسى ابو على المقرى شيخ عصره ، سلمين بن محمد بن ناجيه ابوالقسم ابى بكر بن ناجيه النيسابورى ، سلمين بن محمد بن سليمن بن خلد العبدى النيسابورى من ميدانهانى، سليمن بن محمد بن داود الفقيه ابوعلى الفقيه الداودى الهروى ، سليمان بن محمد بن على ابوالقاسم المناشكى النيسابورى ، سعيد بن عبدالله بن محمد الزاهد ابوعثمان السمرقندى سكن بنسابور من صباه الى ان مات بها، سعيد بن نصر ابوعثمان الاندلسى، سعيد بن محمد بن احمد بن جعفر الشعيبى ابوسعد ، سعيد بن القسم بن العلابن الخالد البروعى ابو عمر المطوعى ، سعيد بن محصن الفقيه ابو عثمان الكشى ، سعيد بن محمد بن سعيد الفقيه ابواحمد المطوعى، سعيد بن محمد بن سلمه العارف

ابوعثمان الزاهدالمغربی ولادته بالقیروان فی قریة یقال لہا کرکنت کان‌واحدعصره فی الورع والزهد والصبر وجاورمکة فوق العشره وکان لایظهر فی‌الموسم و توفی بنیسابوررضی اللّٰه‌عنه سنه ثلاث وسبعین وثلثمائه ودفن بجنب‌ابی حفص وابی‌عثمان الحیره‌رضی‌اللّٰه عنهم، سعیدبن المسیب‌ابوعثمان الشیرازی، سعیدبن‌مشکان‌ابوعثمان الفاریابی ، سعیدبن محمدبن الفضل الفقیه ابوسهل‌بن ابی سعیدالنیسابوری، سعیدبن عبداللّٰه بن‌سعیدبن‌اسماعیل‌بن‌ابوعمروبن‌ابی‌عثمان‌النیسابوری، سعیدبن محمدبن‌احمد بن‌سعیدالصوفی‌ابوعثمان‌النیسابوری، سهل‌بن‌محمدبن سلیمن‌بن‌محمدسلیمن‌العجلی فقیه ابوالطیب بن‌ابی سهل الحنفی الصعلوکی‌النیسابوری ای مفیتها، سهل‌بن‌احمد بن‌سهل‌الدیوندی ابوسعیدالمرکز، سهل‌بن عثمان‌بن محمدبن سهل ابومحمدبن ابی سلمة‌البخاری،سلمة‌بن‌احمدبن‌سلمة‌بن‌مسلم‌الذهلی‌ابونصر المعادی‌الادیب‌النیسابوری، سلمة بن محمد الفقیه ابونصر الصیدلانی النیسابوری ، سیمابن‌عبداللّٰه مولی‌الحازمیه ویعرف عندنا بابی علی شدادبن احمد البوزجانی ابوعبد الرحمن قریب ابی‌الفضل شافع‌بن محمد بن یعقوب الاسفراینی ابوالنصر ، شجاع بن الحسن ابومقاتل الکاتب شعیب بن‌محمدبن‌شعیب‌بن محمدبن‌العجلی‌ابوصالح‌البیهقی،سیبه‌بن محمدبن‌شعیب‌بن هرون ابو محمد الشعیبی النیسابوری ، صلح بن‌محمد بن داود ابو محمد الترمذی ضمرة بن یحیی‌الدمشقی، طاهربن محمدبن یوسف‌البوشنجی ابوالحسن‌الفقیه، طاهر بن محمدبن سهلولیه بن الحارث‌العدل ابوالحسین النیسابوری ، طاهربن‌محمدبن عبداللّٰه بن ابراهیم ابوعبداللّٰه البغدادی‌نزیل نیسابور ، طهر بن‌محمدبن عبدان‌التاجر المعروف بابی‌الطیب بن عبدان وکان من‌الامناء الصالحین

قال‌الحافظ ابوعبداللّٰه: وکنت‌اتبرك‌بدعائه‌طاهر بن‌علی‌العمانی،طاهر بن‌احمدبن‌عبداللّٰه البیهقی‌ابوالطیب،طاهر بن‌احمدبن‌محمدبن‌طاهر الوراق‌ابوالقاسم‌المولقابادی‌النسابوری،

ابوالقاسم البخارى ؛ عبدالله بن على بن جمشادبن شختوية بن مېرويه ابو محمد بن
ابى الحسن التميمى النيسابورى ، عبدالله بن عمروبن محمد التاجر ابو محمد النيسابورى
عبدالله بن عالم بن حموية بن الحسين الصيدلانى ابومحمد ، عبدالله بن فارس بن محمد
على ابوظهير البلخى ، عبدالله بن الفضل بن الحسين البخارى ، عبدالله بن القسم الكرامينى .
عبدالله بن محمود بن حمدويه بن بعيم بن الحكم الموذن ابو محمد والد الحاكم
ابوعبدالله الحافظ النيسابورى مصنف هذا التاريخ ، عبدالله بن محمد بن موسى بن كعب
ابومحمد الكعبى النيسابورى ، عبدالله بن محمد بن على بن زياد ابو محمد العدل النيسابورى
عبدالله بن محمد بن بديل ابوبكر البديلى البخارى المعروف بالاشقر ، عبدالله بن محمد
ابن عمر الفقيه ابو محمد البخارى ، عبدالله بن محمد بن محمد بن حموية بن عباد
ابوالقاسم بن ابى بكر الطالطانى ، عبدالله بن محمد بن عبدالرحمن الصوفى ابومحمد
الحيرى النيسابورى المعروف بالرازى ، عبدالله بن محمد بن حمدان الدهقان ابوطاهر
الحونى النيسابورى ، عبدالله بن محمد بن عصام الرحى ابوالقاسم الحيرى النيسابورى
عبدالله بن محمد بن احمد بن حسان القاضى ابوالطيب بن فورس النيسابورى ، عبدالله
ابن محمد بن عبدالوهاب بن عطا القرشى الصوفى الرازى ، عبدالله بن محمد بن عبدالله
الحيرازى الرازى ، عبدالله بن محمد بن عبدالله الشيبانى الذهلى النيسابورى ، عبدالله
ابن محمد بن احمد بن محمد بن عبدالله الزاهد ابوبشر الخياط النيسابورى وكان مجاب
الدعوة رضى الله عنه ، عبدالله بن محمد بن عبدالله بن على بن زياد السدى النيسابورى ،
عبدالله بن محمد بن محمد بن عبدوس العدل ابومحمد الحيرى النيسابورى
عبدالله بن محمد بن مهيمن اليزدى ابومحمد التاجر وكان من اعيان خراسان ، عبدالله بن
احمد بن محمد بن عبدالله بن بالويه ابومحمد البالونى النيسابورى ، عبدالله بن محمد
ابن عبدالله بن دينار ابومحمد بن ابى عبدالله النيسابورى ، عبدالله بن محمد بن فضلويه

الصوفی الزاهد ابومحمد المعروف بالمعلم النیسابوری ودفن بشاهنبر، عبدالله بن محمد بن السری بن الصباح الکرمانی ابومحمد القبانی، عبدالله بن محمد بن احمد بن محمد ابن عبدالله المحمی النیسابوری، عبدالله بن محمد بن اسحق الزاهد ابومحمد الانماطی الزمجاری النیسابوری ودفن رضی الله عنه فی مقبرة ابی علی الثقفی، عبدالله بن محمد بن احمد بن محبوب التاجر ابی العباس المحبوبی المروزی، عبدالله بن محمد ابوالقاسم الاصبهانی، عبدالله بن محمد الساوعی ابومحمد المستملی، عبدالله بن محمد بن احمد بن حبیب الفقیه ابوذر بن ابی جعفر الکرابیسی النیسابوری، عبدالله بن محمد بن برزه التاجر ابو محمد التاجر الرازی نزیل بنسابور، عبدالله بن محمد بن ابراهیم بن الفضل بن اسحق الهاشمی ابومحمد بن ابی الفضل النیسابوری، عبدالله بن محمد بن عبدالله بن محمد حمدویه بن نعیم ابوالحسن الضبی النیسابوری، عبدالله بن موسی بن رامك النیسابوری ابوالقسم نزیل ببغداد، عبدالله بن موسی بن الحسین بن ابراهیم السلامی ابوالحسن البغدادی، عبدالله بن مضارب بن ابراهیم ابوالقاسم المقری النیسابوری وکان من العباد المجتهدین، عبدالله بن مفلح ابومحمد البغدادی نزیل بنسابور، عبدالله بن یحیی بن محمد بن عبدالله بن العنبری ابومحمد بن ابی زکریا العنبری النیسابوری، عبیدالله بن احمد بن محمد بن عبیدالله بن النصر بن محمد الرئیس بن الرئیس النیسابوری، عبیدالله بن احمد القاضی الکلاباذی ابوالقاسم البخاری، عبیدالله بن محمد بن نافع بن مکرم بن حفص الزاهد ابوالعباس العابد البشتی وکان من الابدال و جرب مرة بعد اخری انه کان مجاب الدعوة وتوفی رضی الله عنه سنه اربع وثمانین وثلثمائه ودفن فی بیته، عبیدالله بن علی بن عبیدالله بن داود القاضی ابوالقاسم الداودی المصری سکن بنسابور، عبیدالله بن محمد بن ابراهیم بن جبرئیل ابوبکر النیسابوری، عبیدالله بن ابی ذرین بن ابی رجا النیسابوری، عبیدالله بن محمد بن عبدالرحمن بن مخلد

الدهان البلخی ، عبيدالله بن منصور بن عبدالله الكلاحی المصری الشاعر ، عبيدالله بن
محمدالمتكلم النيسابوری ابونصر ، عبيدالله بن محمدبن محمد بن حامد ابوالقاسم
الزاهدالبلخی ، عبدالرحمن بن محمدبن جعفربن احمد بن سعيد ابو محمدبن ابی بكر
الجرجانی ولكن ابوه جرجانيا وهونيسابوری ، عبد الرحمن بن احمدبن حمدويه
المؤذن ابوسعيد بن ابی حامدالنيسابوری ، عبدالرحمن بن محمدبن عبدالله بن مهران
ابومسلم الحافظ الزاهدالبغدادی ، عبدالرحمن بن محمدبن محبوب بن حفص بن ابراهيم
التميمی النيسابوری الدهان، عبدالرحمن بن محمدبن حمدان القاضی ابو محمدالجرجانی
عبدالرحمن بن علی بن محمدبن يحيی بن عبدالرحمن ابوالفضل التميمی النيسابوری و
كان من وجوه نيسابور: ثروة وشهامة ومروة، عبدالرحمن بن محمدبن حسبكا بوسعيد
الحـاكم العری ، عبدالرحمن بـن محمدبن جعفر الواعظ ابونصر العقيلی النيسـابوری،
عبدالرحمن الحسن بن يعقوب الصوفی ابوالقاسم بن الحسن الحدادالنسابوری،عبدالرحمن
حمدون بن تجار الفقيه ابوالوليد النيسابوری ،عبدالرحمن بن ابراهيم بن محمدبن
يحيی ابوالحسن بن اسحق المزكی النيسابوری،عبدالرحمن بن عبدالله بن يعقوب بن سمعويه
ابوسعيدالنيسابوری ، عبدالرحمن بن احمدبن جعفرابوالقاسم الشيبانی النيسابوری
عبدالرحمن بن محمد بن الحسين الصوفی النيسابوری ابوالقاسم الحجاج حج بنفاو ثلثين حجة
مدفون فی مقبرةالحسين بن معاذ وهومات بنسا حمل تابوته الی نيسابور،عبدالرحمن بن محمد
بن محمدبن داود السجزی ابومحمدالنيسابوری، عبدالرحمن بن علی بن محمدالترمذی
ابوالقاسم صاحب الترمذ ، عبدالرحمن بن محمدبن عبدالرحمن الواعظ ابوبكر السرخسی
عبدالرحمن بن محمدبن الحسن ابومحمدالنصرآبادی النيسابوری ، عبدالرحمن بـن
حمدان الصيدلانی الزمجاری النيسابـوری ، عبدالرحمن بن عبدالله بن احمدبن اسحق
وجده امام اهل ابوبكرمحمدبن اسحق وهونيسابـوری ، عبدالرحمن بن محمدبـن

احمدبن بالویه ابومحمدالمزکی النیسابوری، عبدالرحمن بن احمدبن محمدبن ابرهیم من اولاد سعدبن عبادهالخزرجیالانصاری رضیالله عنهابومحمدبن ابیعمرو العماری النیسابوری، عبدالرحمن بن الحسن بن علیابوسعیدبن احمدبن علیالصفار النیسابوری، عبدالواحدبن احمدبنعمربن عبدالرحمن القرشی ابو عمر والکندری، عبدالواحدبن محمدبنالشاه ابوالحسین الصوفیالشیرازی، عبدالواحدبن احمدبن القسم من ولد عبدالرحمن بنعوف وهوابن ابیالفضل المتکلمالاشعری، عبدالواحدبن محمدبن عبدالرحمن ابوالحسنالنیسابوری، عبدالواحدبن علیبن عبدالله ابوالیسار المروزی عبدالواحدبن عبدالعزیزبن الحارث التمیمی ابوالحسن الواعظالحنبلی، عبدالصمدبن احمدبن الحسین بن علیالزیری ابوذرالقاریالنیسابوری، عبدالصمدبن محمد البخاری ابومحمد الحافظ النیسابوری، عبدالحمید بن عبدالرحمن بن الحسین القاضی بن القاضی ابوالحسن بن ابیسعیدالنیسابوری وکان من افراد زمانه و من الدین بهافتخارالاهل زمانه لااهل نیسابورخاصة توفی ببخارا رضیالله عنهحمل تابوته الی نیسابور، عبدالعزیز بن احمدبن محمداسحق ابواحمدالوراق النیسابوری، عبدالعزیز بن عبدالملک بن نصر الاموی ابوالاصبع الاندلسی، عبدالصمدبن محمدبن محمدبناسحق الزاهدالصوفیابونصر بن احمدالصفارالنیسابوری،عبدالعزیز بن الحسن بن احمدبنالدارکیالاصبهانی ابوالقاسم الفقیه، عبدالعزیز بن محمدبنالحسنالفقیه ابوالفضل البصروی،عبدالعزیز بنمحمدبنالبحتریالدامغانیابومحمدالتاجر،عبدالعزیز بن محمد بن محمد بن اسحق ابو محمد المعدل النیسابوری، عبدالمؤمن بن عبدالملک ابونصرالدهستانی، عبدالرحیم بن محمدبن یحیی القاضی النیسابوری، عبدالوهاب بن حمزه بن نصرابوابرهیم الجرجانی عبدالجلیل بن مذکوربن ثابت ابو محمد السعدی، عبدالملک بن محمد بن ابرهیم ابوسعیدبن ابیعثمان الواعظ

ابوذر النيسابورى وكان شيخ بنشابور فى‌عصره ، قيس بن‌طلحه بن احمد الفارسى ابومازن ، قاسم بن‌عبدالله‌بن محمدالعدوى ابونصرالجوهرى النيسابورى ، قناده بن محمدبن احمدبن عمرالنيسابورى ، كثيربن احمد الوزير ابو منصور العميد القاينى يتولى بنسابور نيفا وثلثين سنه ومات بهامخمل‌الى قاين ، كامل‌بن احمدبن محمد ابن جعفر المفيد النيسابورى ، ليث‌بن طاهربن الليث ابونصر النيسابورى ، ليث‌بن نصربن جبرئيل البخارى ابونصر الفقيه ، محمد بن احمد بن محمد بن زيد المعدل ابوعلى بن حيكان النيسابورى ، محمد بن احمد بن بالويه الجلاب ابومحمد المحدث النيسابورى ، محمد بن احمد بن طه الاصبهانى ابو عبدالله ، محمد بن احمد بن سعيدابوجعفر الرازى ، محمدبن احمد بن محمد بن عقبه‌القاضى‌ابواحمد الحنفى المروزى ، محمدبن احمدبن‌عبدالله ابوالحسن الصفارالنيسابورى ، محمدبن احمد بن زكريا ابوالحسن بن زكريا كان من افاضل شيوخنا و هونيسابورى و مدفون بمقبره شاهنبر ، محمد بن احمد بن الحسن الحيرى النيسابورى ابوالطيبب المنادلى ، محمدبن عبدالله بن محمد الفقيه ابوبكر البخارى ثم‌الاودمى ، محمد بن احمدبن محمد بن‌ابوالحسين‌المعادى الحسن الاديب النيسابورى ، محمدبن احمد بن محمد بن‌ابى الحيرى ابوبكر بن ابى‌الحسين‌الغازى النيسابورى ، محمدبن‌احمدبن شعيب بن هارون ابواحمد الشيبى‌العدل‌النيسابورى ، محمد بن احمدبن اسحق بن ابراهيم الصيدلانى ابوعمروبن ابى‌بكر العدل‌المتطيب النيسابورى ، محمدبن‌احمدبن حمدون بن الحسن بن يزيد ابو بكر الطيب المذكر النيسابورى ، محمد بن احمد بن اسحق ابوعمروالصغير و لقدكان‌كبيراً فى‌العلوم و العدالة و هونيسابورى ، محمد بن احمد بن بشرالصوفى ابو منصورالحيرى النيسابورى ، محمد بن احمد بن حمدان ابوعمرو بن ابى جعفر الحيرى النيسابورى ، محمد بن احمد بن موسى

النیسابوری ، محمد بن احمد بن محمد بن جعفر ابوعمرو بن ابی الحسین السحری
النیسابوری، محمدبن احمدبن حاضر الطوسی ابوبشر الحاضری، محمدبن احمد الخالدی
النیسابوری ، محمد بن احمد بن الحسن ابوالفضل الصابع النیسابوری ، محمد بن
احمدبن ثابت البزاز ابوالحسین البغدادی ، محمدبن احمد بن جعفر ابونصر الطوسی،
محمدبن احمد بن عبدوس ابوالحسن الحاتمی النیسابوری ، محمد بن احمد بن
عبد الاعلی ابو عبدالله المغربی ، محمد بن احمد الفقیه ابو بشر الادیب الشروطی؛
محمد بن احمد بن ابی الفوارس ابوالفتح البغدادی ، محمد بن احمدبن عبدالوهاب
الواعظ ابوبکر الاسفراینی ، محمدبن احمدبن یزید ابوبکر الاصبهانی ولکن ابوبکر
النیسابوری و ابوه کان اصفهانیا ، محمدبن احمدبن الحسین السمسار النیسابوری
ابوطاهر الطاهری ، محمدبن احمدبن محمدبن محمدبن خاقان ابو عبدالله البخاری
محمدبن احمد بن یحیی الفقیه ابوالفضل الترمذی ، محمدبن احمدبن محمد التمیمی
~~ابوالعباس بن ابی الحسن السلیطی النیسابوری~~ ، محمد بن احمدبن عبدالله السکری
ابواحمد المسکی النیسابوری، محمدبن احمد محمد حفص الحرشی ابونصر النیسابوری؛
محمد بن احمد بن نجم ابو الفضل الحلومی النیسابوری ، محمد بن احمدبن محمد
الطوسی ابی بکر بن ابی تراب المسافری النوقانی ، محمدبن احمد بن علی ابوبکر
القاضی الفارسی، محمد بن احمد بن حسنویه العارف الزاهد ابو احمد الحسنوی
النیسابوری من کبار مشایخ التصوف مدفون فی مقبره شاهنبر ، محمدبن احمدبن محمد
محمود ابوالحسن المراجمی النیسابوری تفقه عند الاستاد ابوالولید، محمدبن احمدبن
عمر الخفاف ابونصر النیسابوری ، محمدبن احمدبن الحامد ابوالحسن العطار النیسادی
محمدبن احمدبن سهل ابو سهل الوراق الزوزنی، محمد بن احمدبن عمرویه النیسابوری
محمدبن احمدبن علی ابوالحسن الصنعی الخنجرودی النیسابوری ، محمدبن احمدبن

محمد الفقیه ابو بکربن ابی سعید النسوی، محمدبن احمد بن علی بن عبدالرحیم ابوالحسن بن ابی احمدالصفار النیسابوری ، محمدبن احمدبن سعید ابونصربن ابی‌سعیدالوالی‌النیسابوری،محمدبن‌احمدعلی‌بن‌شعیب ابوبکرالکرابیسی النیسابوری من‌خان الدستی ، محمد بن‌احمد بن عبدالله‌الاردبیلی ابوالعباس الوراق ، محمد بن الحسن‌بن سعیدالجرجانی ابوبکر الوراق ح محمدبن احمدبن محمدبن عقیل‌ابوبکر القطان‌النیسابوری ، محمدبن احمدبن‌سعید الانماطی البخاری ابومحمد ، محمدبن احمدبن موسی القاضی ابوعبدالله الحازنی الداری ، محمدبن احمد بن یحیی الفقیه ابونصر السرخی ، محمدبن‌احمدبن بالویه ابومنصورالکسایتی النیسابوری، محمدبن احمدبن یعقوب المذکی ابوعبدالله الادیب، محمدبن احمدبن علی‌بن نصیر المعدل ابوعبدالله النصیری النیسابوری، محمدبن احمدبن‌عبدوس ابوبکربن‌ابوعلی‌بن‌عبدوس النیسابوری المزکی ، محمد بن ابراهیم بـن الفضل الهاشمی ابو الفضل المزکـی النیسابوری‌و اکثرشیوخ نیشابور فی‌العدالة ، محمدبن‌ابراهیم بن عمران‌بن موسی الجوری ابوبکر النحوی من جور فارس ، محمدبن‌ابراهیم بن علی حسنویه الزاهد ابوبکر الوراق النیسابوری‌وکان من البکایین من‌خشیةالله تعالی حتی لقب بالبکاء محمدبن ابراهیم بن الحسن موسی المناشکی النیسابوری ابو العباس المحاملی ، محمدبن‌ابراهیم‌القامی‌ابوبکرالنیسابوری، محمدبن ابرهیم‌بن‌نصر‌ابوعبدالله الاربندی محمدبن ابرهیم بن اسحق ابوبکرالصائغ ، محمدبن ابراهیم بن ابی‌عمران الامیر بن الامیر ناصرالدوله ابی الحسن النیسابوری ، محمد بن ابراهیم‌بن حمش‌ابوعبدالله النیسابوری نزیل نسا ، محمدبن ابراهیم‌بن یحیی الادیب‌ابوعمرو البشتی وانشد فی ذکر اصحاب الحدیث قصیدة بعضهاهذا .

ودع فکرجرجان فـان شیوخنا . بیلدة نیسابورا علـی‌فما الحزن

فیحیی بن یحیی لا یقاس بغیره … کلاك به عزا اذ اکنت ممتحن

و تا بعهم اسحق لله درة نعم … و الر باطی فضلهم غیر مکتمن

ابوالا ظہرالمفضال ثم ابن هاشم … ومسلم ارباب الحدیث فلا تجن

فمن مثلهم فی حفظهم ومحلهم … فاثارهم یسعی و تدفع فی المحن

ومنا ابن اسحق الخزیمی شیخنا … ومفخر ناشیخ قوم المشایخ والزمن

ولقدکان للا سلام رکنا ومرکزاً … فبقی الله قبرا فیه ذاشیخ مندفن

و منا ابو عمر بن نصر رئیسنا … به عرف العزالذی اهله سکن

و نفخر بالسراج فخراً مواظباً … و با لحیری من او ضحوالسنن

حسین و جارو دنیا و مسدد … وعن جعفر بن العلم بالحفظ مقرن

ولم اطمأن الا بذکر مفضل … ابی طالب کن بذکره مطمئن

و بعدهم الشوقی ثم مؤمل … اثلث با لمکی یا حبذ القران

ومنا ابو عثمان ثم محمد … غتیب ابا بکر اقر دایة ادن

ومنا الادیب الاریحی الذی مضی … ابوالقاسم الشیخ المذکور وامنن

ومنا الفقیه البیهقی محمد … فکیف الطباری وموفی اللحد والکفن

و منا الرئیس الفاضل ایسد … الذی بنصرنه لم ترتفع راس

اقول له و العقول منی تحیت … سلام علی الرئیس ابی الحسن

و منا من الاحیاء طال بقاء هم … دوام لهم فضل و عبر بلا شحن

کمثل ابی بکر بن اسحق صدرنا … امام الا سباب الفرایض والسنن

ومنا من الاصحاب قاموهنه … هوالبقی الطالب الحمد بالثمن

لقد بلغوافی الدین اشرف خطبه … ویحیی بن منصور وهم سادة الزمن

و حسان سیف الله و الصارم الذی … بدین به ولم یفروالم یدن

علیهم صلوة الله ما درّ سارق ویا صاح قمری علی شعب النن
وکل فقیه حاکم و مذکر فمنا ابرهیم المداین و الفطن

•محمدبن ابرهیم بن علی النیسابوری ابوالعباس من رستق باخرز ، محمدبن ابرهیم بن سعید ابوجعفر البوشنجی ، محمدبن ابرهیم بن ابوغثمان الزاهدالنیسابوری وکان من الصوفیه العباد رحمةالله علیه ، محمد بن اسحق بن ایوب بن یزید الصنعی ابوالعباس اخوشیخ ابوبکر النیسابوری ، محمدبن ابراهیم بن یحیی ابوبکر الکسامی النیسابوری، محمدبن ابراهیم بن نضر الوکیل ابوبکر النیسابوری، محمدبن ابراهیم ابو سعید الادیب النیسابوری ، محمد بن اسحق بن محمد بن یحیی الاصفهانی ، محمدبن اسحق بن محمد المعدل ابوالحسن المولقا بادی النیسابوری ، محمد بن اسحق بن بشرویه الزاهد من قریة ازاء ابوجعفر الزائی ، محمدبن اسحق بن محمد السجستانی ابوالحسن النیسابوری ، محمد بن بشر بن العباس ابو سعید الکرابیسی النیسابوری المعروف بالبصری ، محمد بن بکر بن بشر البونی ابو عبدالله الفقیه ، محمدبن بسطام الحسن ابوجعفر الاستوائی ،

محمدبن جعفر بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب رضی الله عنهم السید ابوجعفر الموسوی وکان اوحد الاشراف فی عصره ، محمدبن جعفر احمدبن موسی الفقیه الادیب، ابوبکر بن ابی جعفر المزکی البشتی، محمدبن جعفر بن ابرهیم بن یوسف ابوبکر الفامی النیسابوری ، محمدبن جعفر بن محمدبن مطر العدل ابو عمر و الزاهد النیسابوری محمدبن جعفر بن محمود ابوسعید الهروی، محمدبن جعفر بن ابرهیم النسوی ابوجعفر ، محمدبن جعفر بن الحسین بن محمدبن المفید ابوبکر البغدادی ، محمد بن الحسن بن ابوطاهر المحمد آبادی النیسابوری ، محمد بن الحسن بن علی بن بکر العدل ابوالحسن النیسابوری ، محمدبن الحسن بن الحسین التاجر العدل

ابوالحسن من اجل مشايخ العلم النيسابوری ؛ محمدبن الحسن بن احمد بن‌اسمعيل ابوالحسن المقری السراج النيسابوری ، محمدبن الحسن المو لقابادی، محمد بن محمد الصوفی‌ابوالعباس البغدادی ابن الخشاب ، محمد بن الحسن الفقيه ابوعبدالله الجرجانی الحسين ، محمد بن الحسن بن فوراك ابو بكر الا صبهانی ، محمد بن الحسن بن ثابت ابوبكرالنيسابوری ، محمدبن‌الحسين بن محمد بن اسمعيل السلمی ابوالحسن الكرابيسی النيسابوری ، محمدبن الحسين‌بن محمدابوالحسن‌الجرجانی محمدبن الحسين بن محمد ابو الحسن المادی النيسابوری ، محمدبن الحسين بن يحيی ابوجعفر المؤدب البشتی ، محمد بن الحسين الجرجانی ابو الحسين‌الخياطی النيسابوری الوراق امام نيشابور ، محمدبن الحسن بن زيدابو احمدالوراق الطوسی محمد بن الحسين ابوعبدالله‌الانباری الموضاحی ، محمدبن الحسين بن‌داودالحسينی العلوی ابوالحسن النيسابوری رضی‌الله عنه ، محمدبن الحسين بن داودبن علی ابو علی الحسنی النيسابوری العلوی رضی الله عنه، محمدبن الحسين بن موسی‌السمسار النيسابوری ابوسعيد ، محمدبن الحسين بن مهران .ابو الحسن الفقيه النيسا بوری محمدبن الحسين‌بن موسی‌السلمی ابوعبدالرحمن النيسابوری ، محمدبن‌الحسين بن محمد ابوالفضل قاضی المعروف بالحدادی النيسابوری، محمد بن الحسين الفقيه ابوعمروالبسطامی ، محمدبن حاتم‌الكشی ، محمدبن‌حيان التميمی ابوحاتم البشتی القاضی ، محمدبن حبكان ابوالحسن السحوری النيسابوری ، محمدبن حفص‌بن‌عمر ابوالعباس النيسابوری المعروف بالهروی ، محمد بن حيان الصوفی ابوبكر صاحب الاحوال مدفون فی‌مقبرة الحسين رضی‌الله‌عنه ، محمدبن محمدبن حامدبن محمود القطان ابوالعباس السامانی النيسابوری ، محمدبن‌حامدبن‌امة النيسابوری ،محمدبن حامدبن علی ابوبكر النجاری ، محمد بن حام بن منك النيسابوری ابوعبدالله‌الحمال

ظفر بن محمد العلوی الحسینی المصنف العالم النیسابوری رضی‌الله‌عنه ، محمد بن عبدالله بن احمدابوعبدالله الصفار الاصبهانی محدث عصره بخراسان و کان مجاب الدعوه لم یرفع الاکما بلغنا اربعین سنه توفی رضی الله عنه فی سنه تسع وثلثین ثلثمائه و دفن فی داره فی سلمة العنبی ، محمد بن عبدالله التاجر ابوعبد الرحمن النیسابوری، محمدبن عبداللهبن دینارالعدل ابوعبدالله النیسابوری ، محمدبن‌عبدالله بالویه ابو جعفر السامانی‌النیسابوری ، محمد بن‌عبداللهبن محمد ابوبکرالنیسابوری محمد بن عبدالله بن محمد ابوعبدالله المزنی اخوالشیخ المزنی توفی بنیسابور ، محمدبن عبدالله بن محمدبن صبیح العمری النیسابوری رضی‌الله‌عنه، محمدبن‌عبدالله بن محمد الرازی ابوالحسین ،محمدبن‌عبدالله بن جمشادالغازی ابوبکرالنیسابوری، محمد بن عبدالله بن محمدبن بشر المزنی ابوالحسین الهروی ، محمدبن‌عبداللهبن عبدالعزیزابوبکرالرازی، محمدبن‌عبدالله بن‌قریش‌الوراق‌الریدیجی‌النیسابوری،محمد بن عبدالله بن ابرهیم ابوالحسن السلیطی النیسابوری ، محمد بن عبدالله محمد الاسفراینی ، محمدبن عبداللهبن ابرهیم ابوسعید الزاهد المروزی ، محمدبن‌عبدالله ابن‌ابوجمشاد ابومنصورالنیسابوری ، محمدبن‌عبداللهبن الحسن السمیری النیسابوری محمدبن عبدالله الشیبانی ابوبکربن الحسن المعدل النیسابوری ، محمد بن عبدالله البزازی‌البخاری ، محمدبن عبداللهبن یعقوب ابوبکر النیسابوری ویعرف بالنسال ، محمدبن عبدالله بن شنویه الهمدانی ، محمدبن‌عبداللهبن الحسین الفقیه‌ابوبکرالصنعی النیسابوری ،محمدبن عبدالله بن احمد البوشنجی ابوبکر الواعظ الصوفی، محمدبن عبدالله الفضل الفارسی ابو عبدالله الوراق ، محمد بن عبدالله بن اسمعیل ابو جعفر الادیب الرئیس النیسابوری ، محمدبن‌عبدالله بن محمدابوبکر الفارسی محمدوعلی ابناء عبداللهبن‌محمدالدورقی‌النیسابوری،محمدبن‌عبدالله بن‌ادریس ابوعبدالله،محمدبن

عبدالله بن جمشاد ابو سعيد الحاسب النيسابورى، محمد بن عبدالله بن حمدون ابو سعيد النيسابورى ، محمد بن على بن الحسن الحسيني مولده بهمذان و منشاؤه بعراق رضى‌اللّه‌عنه ، محمدبن على بن الحسين ابوعلى الاسفرايني، محمد بن‌على بن الخليل الزمجارى ابوبكر التاجر النيسابورى ، محمدبن على بن‌على ابوعلى البرنودى النيسابورى، محمدبن‌على بن احمد الجلاب ابو منصور الفرسى ، محمد بن على‌بن محمد بن الحسن الطوسى ، محمد بن على بن‌الحسن ابوالطيب الخياط النيسابورى وكان مجاب الدعوة ، محمدبن على الدمشقى ابوبكر ، محمدبن عبدالله الكلاتى ابو احمد النيسابورى ، محمدبن على‌الاديب ابوالعباس الكرخى ،محمدبن على‌بن‌اسمعيل ابوبكر القفال الشاشى امام عصره بماوراءالنهر ، محمدبن على بن الحسين ابوبكر المودل النسابورى ، محمدبن على عبدالله الزوزنى ، محمد بن على‌بن‌محمدبن‌يحيى النيسابورى، محمدبن على بن موهل النيسابورى ، محمد بن على العلوى ابو جعفر اليمانى ،محمدبن‌على بن‌عمرو الاصبهانى ابوسعيد ،محمدبن على بن الحسن‌ابوبكر المروزى، محمد بن على سهل ابوالحسن الما سرخسى ، محمد بن على بن بكر النيسابورى، محمدبن‌على بن محمد ابوعلى الموذن النيسابورى ، محمدبن على بن الزراد ابوعبدالله البصرى، محمدبن على‌بن‌محمدالرازى ابوالحسن الفامى النيسابورى محمدبن عبيدالله بن محمد ابوبكر بن عبيد النيسابورى ، محمدبن عبيدالله ابرهيم بالويه ابوالقاسم النيسابورى، محمد بن عبدالرحمن بن محمد ابوالحسين بن ابى القاسم النيسابورى ، محمد بن عبدالرحمن بن محمد ابوالعيص ماملة ابى العباس الدغولى السرخسى ، محمد بن العباس بن احمد الصنى ابوعبدالله الهروى الوجيه الرئيس العالم رضى‌اللّه‌عنه ،محمدبن‌العباس بن حمويه ابوبكر الصيدلانى النيسابورى محمد بن العباس احب‌محمدبن جرير ابوبكر الاديب الخوارزمى، محمدبن‌العباس بن

محمد بن قوهنار ابوبکر الکسائی النیسابوری، محمدبن عیسی بن محمد ابوصالح بن
عیسی احد مشایخ خراسان، محمدبن علی بن عبدل ابواحمد الجرجانی، محمدبن
عیسی بن محمد بن عبدالرحمن ابو احمدالحلودی النیسابوری من کبارعبادالصوفیه،
محمد بن عبدالعزیزبن عبدالله بن ابرهیم ابوعلی الزعوزی النیسابوری، محمد بن
عبدالعزیز بن علی الحشتاب ابوالحسین، محمدبن عبدالعزیزبن علی ابوبکر الجرجانی
محمد بن عبدوس المقری ابوبکر المفسر، محمد بن عمربن قتادة بن نظر ابوالحسن
الزمجاری النیسابوری، محمدبن عبدان ابوعبدالله خادم الجامع بنیسابور النیسابوری
محمد بن عمربن محمد الاسفراینی ابوبکر الفقیه، محمد بن عبدوس بن الحسین
ابوعبدالله السمسار النسابوری، محمدبن عون بن اسحق المروزی ابوسعیدالزاهد،
محمدبن عبدوس بن حاتم ابونصر الدهان النیسابوری، محمد بن الفضل بن محمد
الکرابیسی ابو احمدالوراق النیسابوری وکان من المعروفین بطلب الحدیث فی الشرق
والغرب، محمدبن الفضل بن محمداسحق المذکر ابوسعیدالمقری النیسابوری، محمدبن
الفضل بن العباس الشافعی ابوالفضل النیسابوری، محمدبن الفضل بن محمدبن اسحق
خزیمه ابوطاهر النیسابوری، محمدبن الفضل بن محمدالادیب البلخی الربیع، محمدبن
الفضل بن محمدالفقیه ابوبکراهل بخارا، محمدبن الفضل بن لولوالحلوانی ابوالحسین،
محمد الفتح الانماطی ابوالعباس المعدل، محمد بن القسم بن عبدالرحمن ابومنصور
الصنعی النیسابوری، محمدبن القسم بن محمدبن الحسین الکرابیسی النیسابوری،
محمدبن القاسم محمدبن بشربن سالم الفارسی ابوبکر، محمدبن کافوربن کافورمولی
احمدبن خذیقه، محمدبن محمدبن محمدبن عبدالله بن خالدالبغدادی ابوجعفر التاجر
محدث خراسان فی عصره، محمدبن محمدبن یوسف ابونصر الامام الطوسی، محمدبن
محمدبن الحسن الشیبانی ابواحمد النیسابوری، محمدبن محمدبن یوسف المقری

ابوبكر البخارى اللحيانى ، محمدبن محمدبن مجمش ابوطاهر الزناطى النيسابورى، محمدبن محمدبن احمدبن عبدالله السلمى الحنفى ابوالفضل الوزيرعالم مرورحمةالله محمدبن محمدبن على العطار ابوسعيد النيسابورى، محمدبن محمدبن احمد ابوبكر البلخى، محمدبن محمدبن احمدبن اسحق ابوالحسن الحربى النيسابورى، محمدبن محمدبن جعفر ابوبكر النيسابورى، محمدبن محمدبن جعفربن مطر ابواحمدبن ابى عمرو المعدل النيسابورى ، محمدبن محمدبن احمدبن اسحق القاضى ابواحمد الحافظ امام عصره وصنف على كتاب مسلم البخارى وعلى كتاب ابى عيسى الترمذى وصنف كتاب الاسامى والكنى والعلل والمخرج على كتاب المزنى وكتاب الشروط وصنف النسوح والابواب توفى رحمةالله يوم الخميس الرابع والعشرين من الربيع الاول سنه ثمان وسبعين وثلاث مائة وهوابن ثلث وتسعين سنه وصلى عليه الرئيس فى ديوان الجين ودفن فى داره، محمدبن محمدبن حامد الترمذى ، محمدبن محمدبن عبدان ابوسهل بن ابى عبدالله النيسابورى ، محمد بن محمد بن الحسن الكنرى وهى قرية على فرسخ من البلد، محمدبن محمدبن اسحق بن النعمان العدل ابواحمد الصفار النيسابورى ، محمدبن محمدبن عبدوس المقرى ابوعمر والزاهد الانماطى النيسابورى ، محمدبن محمدبن الحسين الترمذى ابوسهل، محمدبن محمدبن يعقوب الحافظ المقرى ابوالحسين الحجاجى النيسابورى، محمدبن محمدبن اسمعيل بن منصور الخامى ابوبكر النيسابورى محمدبن محمدبن عبدالله بن عمرو الجرجانى؛ محمدبن محمد بن على النسوى ابواحمد المعروف بالبغدادى، محمدبن محمدبن يحيى بن عامر الفقية ابوالحسين الاسفراينى، محمدبن محمدبن داود السجرى العدل ابوبكر، محمدبن محمدبن عبدالله ابوالحسين بن ابى عبدالله المزنى النهروى، محمدبن محمدبن اسحق الثقفى ابوعمرو ابى العباس السراج النيشابورى ، محمدبن محمدبن ابوزرعة الكشى، محمدبن محمدبن الحسن بن

علی بن الحسین بن السری بن یزدجرد بن سیبویه بن شاپور الذی بنا بنسابور الفقیه الحاکم ابوالحسین الصفار النیسابوری ، محمدبن محمدبن شاده الزاهد ابوالخیر الکرابیسی النیسابوری، محمدبن محمدبن احمد ابوعمروالفامی النیسابوری، محمد بن محمدبن علی بن الحسن بن قتیبه، محمدبن محمد بن احمد الفقیه ابوسعید المطوعی النسابوری محمدبن محمدبن سمعان الحیری ابومنصور المذکر النسابوری ، محمدبن محمدبن احمدبن عثمان البغدادی ابوبکر الطرازی، محمدبن محمدبن سعید المعدل ابوطاهر بن الکسکری النیسابوری، محمدبن محمدبن سعد الانماطی النیسابوری ویعرف بابی الحسین المدنی، محمدبن محمدبن اسحق السعدی ابواحمد الهروی، محمدبن محمدبن رجا الامین ابونصر الزمام علی الضی النیسابوری ، محمدبن محمدبن احمد المعدل السراج ابوبکر النیسابوری ، محمد بن محمدبن عبدالله بن محمدبن صبیح العمری النیسابوری ، محمدبن محمدبن الحسین الکرابیسی ابوعبدالله الخالدی ، محمدبن محمدبن عبدالله المطوعی ابومنصور النیسابوری ، محمد محمدبن احمد بن انس ابونصر بن ابی الفضل الصرام النیسابوری ، محمدبن محمدبن احمدبن عبدالله السلمی النیسابوری، محمدبن محمدبن احمدبن احمدبن اسحق الکرابیسی النیسابوری، محمدبن محمدبن اسمعیل الزاهد ابونصر الکرابیسی النیسابوری، محمدبن محمدبن سهل بن ابرهیم النیسابوری ابونصر امام اهل الرأی بخراسان، محمدبن محمدبن احمد المروزی ابوالفضل الروحی ، محمدبن محمدبن الفضل الخفاف ابوعمرو القهندری النیسابوری محمدبن محمدبن ابراهیم بن سیمجور، محمدبن محمدبن عزیز بن محمد ابوالحسن دوست محمدبن محمدبن عبدالله بن ادریس ابوعبدالله الاسترابادی، محمدبن محمدبن ابو عمرو الرازی ، محمدبن عبدالرحمن النیسابوری ابوبکر ، محمدبن المومل بن الحسین الماسرخسی النیسابوری وکان احد وجوه خراسان رضی الله عنه

وما حالاتنا الاثلث شباب ثم شیب ثم موت ومن انساده فی وقت دخوله علی بعض الوزراء
الم تی انی ازور الوزیر وامدحه ثم استغفر واثنی علیه ونثنی علی وکل لصاحبه نسخر،
محمدبن موسی بن عمران الفقیه ابوالحسن الصیدلانی ، محمدبن محمدبن موسی
الحسین بن الثعلبی ابوالحسن الکوفی ، محمدبن موسی بن عمران ابوجعفر الموذن
الطوسی، محمدبن موسی بن القاسم ابوسعید الدباس النیسابوری، محمدبن نصرویه بن
البغدادی ابوعبدالله البزاز ، محمدبن نصر الطبری ابوعبدالله الفقیه ، محمدبن الولید
ابوالعباس الزوزنی ، محمدبن هشام ابوعبدالله المروزی ، محمدبن یعقوب بن یوسف
الاموی مولاهم ابوالعباس الاصم النیسابوری رضی الله عنه وارضاه مدفون فی مقبره
شاهنبر ، محمدبن یعقوب بن یوسف الشیبانی ابوعبدالله الاحرم الحافظ وکان یعرف بن
الکرمان ولکن هونیسابوری وله تصانیف کثیرة وهوصدر اهل الحدیث فی زمانه
رضی الله عنه وارضاه ، محمدبن یعقوب النحوی الاصبهانی ، محمدبن یعقوب بن اسحق
ابومصعب الاسفراینی ، محمدبن یوسف بن حمدان ابوجعفر التاجر النیسابوری، محمدبن
یوسف ریحان النجاری الامیر ابوالفضل، محمدبن یوسف بن ابرهیم الموذن ابوعبدالله
الدقاق النیسابوری ، محمد بن یوسف بن یعقوب ابوسعید السوسی ، محمد بن یحیی
ابن محمدبن عبدالله العنبری ابوالعباس بن ابی زکریا النیسابوری، محمدبن یزیدبن
محمد العدل اخوعبدالله الزاهد النیسابوری ، منصوربن احمدبن هارون الفقیه المزکی
ابوصادق نیشابوری، منصوربن محمدبن احمدبن حرب القاضی ابونصر البخاری ، منصور
بن عبدالله خالد الذهلی ابوعلی ، منصوربن عبدالرحمن بن الحسین ابواحمد النیسابوری مکی
بن احمدبن سعدویه البردعی ابوبکر ، مسیب بن محمدبن مسیب ابوعمر وابی عبدالله الارغیانی
موسی بن محمدبن موسی ابوالمعشر المالینی ، سعیدبن جمعة بن خاقان الادیب المطوعی
الطبری ، موفق بن محمدبن الجراح الادیب ابوسعید الهروی ، محمودبن الحسین بن

محمود ابوحامد القطان النيسابوری ، محمود بن محمد بن محمود ابومحمد المطوعی من اهل‌فراده عبدالله حمزة‌بن‌حبه ابومنصور الدهقان القندشنی النیسابوری منصوربن عبدالله‌بن‌حمزه ابونصربن‌ابونصر النیسابوری، معاذبن‌محمد الحسین المعدل ابوالحسن الانماطی المعروف بالمعادی النیسابوری منه المنان‌بن محمدبن سلمویه ابورشید العدل النیسابوری ، مطهربن محمدبن حاتم‌بن عبدالله ابوعلی النیسابوری ، مسلم‌بن عبدالعزیز الیمانی ابو عبدالله الخصیب نوح‌بن قلج‌بن احمدبن ابو حاتم النیسابوری ، نصربن محمدبن احمدبن یعقوب ابوالفضل الطوسی ، نصربن حاتم‌بن بکربن ابو اللیث الشاشی ، النصربن محمدبن احمدبن محمد ابوالقاسم المحمی النیسابوری ، نصربن محمدبن عبدالملك الصوفی الاندلسی ، النعمان‌بن محمدبن محمودبن احمدبن الحسن الطوسی ابوالحسن الروغندی ، النعمان الجرجانی‌ابونصر، ناصربن محمدبن ابی‌المعالی‌المروزی، نعیم‌بن الحسین الجرجانی‌ابوالحسین‌التاجر ناصربن عبدالرحمن بن ناصر ابونعیم الجرجانی ، ولیدبن احمدبن محمدبن‌الولید ابوالعباس الزوزنی، ولیدبن‌بکربن مخلدبن ابی‌زیادالعمری ابوالعباس‌الفقیه المالکی الاندلسی، هارون‌بن احمدبن هارون ابوسهل الاسترابادی ، هارون‌بن محمد هارون الصوفی ابوسهل الحمامی النیسابوری ، هارون‌بن محمد الازواری الجوینی‌ابوموسی هبته اللهبن الحسن الادیب النحوی العلامة ابوبکرالفارسی، هشام‌بن محمدبن‌بکر ابونصر السرخسی ، لاحق‌بن الحسن‌بن عمران ابوعمروالوراق البغدادی ، یحیی‌بن منصوربن یحیی عبدالملك ابومحمد الحاکم العالم الدین النیسابوری الجرودی ، یحیی‌بن محمدبن عبداللهبن العتبربن عطا مولا ابی خرقا السلیمی ابو زکریا العنبری النیسابوری ، یحیی‌بن محمدبن احمدبن محمدالحسینی العلوی ابومحمد ابی‌الحسین بن ابی‌زباره النیسابوری رضی‌الله عنه ، یحیی‌بن‌محمدبن سهل‌الاسفراینی ابوزکریا،

یحیی بن محمد بن احمد المقری ابوبشر القطان النیسابوری قریب محمد بن اسحق، یحیی بن عمرو بن صالح بن محمد بن یحیی ابوزکریا البشتی، یحیی بن احمد بن ابو عمرو المخلدی النیسابوری، یحیی بن اسمعیل بن یحیی المزکی ابوزکریا الحربی النیسابوری، یحیی بن یحیی بن عبدالله ابوزکریا المحسودی البخاری، یحیی بن محمد بن احمد بن المذکر الطوسی ابوزکریا، یحیی بن محمد یحیی المعدل ابوالقاسم الصیدلانی النیسابوری، یحیی بن زکریا بن الشاه السرخسی ابومنصور، یحیی بن احمد ابوزکریا بن ابی طاهر السکری النیسابوری، یحیی بن عبدالرحیم بن یحیی ابوزکریا الحیری النیسابوری، یحیی بن عثمان الواعظ السحرتی ابوزکریا، یوسف بن یعقوب بن اسحق، یوسف بن احمد بن سلیمان الدیر عالی، یوسف بن یعقوب بن ابرهیم البغوی ابویعقوب، یوسف بن اسحق الفقیه ابوالحسین الجرجانی، یوسف بن اسمعیل بن یوسف ابو یعقوب الساوی، یوسف بن محمد بن محمد بن یوسف ابوالجراح الطوسی یعقوب بن احمد بن محمد بن یعقوب الخسروجردی ابویوسف البیهقی، یعقوب بن محمد بن اسحق بن یزید ابو یوسف المذکر النیسابوری، یاسین بن محمد بن محمد بن یاسین ابویوسف النیسابوری

قال الحاکم الامام ابوعبدالله الحافظ النسابوری وقع الفراغ بعون الله وحسن تقدیره شهر رمضان سنه ثمان وثلثمائه

فذکرت بعد الاربعین سنه منها شیوخی واخوانی الذین استعدت عنهم حدیثاً اوحکایة اوانشاداً وخروا من العلوم الی هذا الشهر فعلقت وفاة من توفی من هذا الوقت، عبیدالله بن محمد بن عبدالله ابوالفضل القامی النیسابوری ابوعلی بن ابی الصامت بن ابی محمد النیسابوری، محمد بن احمد بن محمد السختیانی النیسابوری، العباس بن

ابى القاسم الرمكى الوزير النيسابورى ، عبدالواحدبن محمد ابوالوفا البزاز النيسابورى
محمدبن محمدبن على بن سهل بن مصلح الفقيه ابوبكر الماسرخسى النيسابورى، ابوبكر
بن محمدبن محمدبن على بن بكر النيسابورى ، عبدالعزيز بن عبدالله محمدبن عبدالعزيز
ابوعمرو النيسابورى المعروف بابى عبدالله الهروى، يحيى بن يحيى بن احمدبن ابوزكريا عمرو
الخلدى النيسابورى ، محمدبن الحسين بن الحسن الاصبهانى المقرى، مهدى بن محمدبن
محمد ابوسلمة الصيدلانى النيسابورى محمد بن عبدالله ابوالعباس الزاهد السختيانى
النيسابورى عبدالرحمن بن محمدبن احمد ابوالقاسم بن ابى بكر المسكى التاجر النيسابورى
عبدالله بن احمدبن محمد الماسرخسى النيسابورى ابومحمد، محمدبن احمدبن عبدالله بن
سليمان السليطى ابوعمرو النيسابورى ، ختن ابى بكر بن اسحق محمدبن عبدالاعلى بن
محمدبن ابوبكر الشاهد النيسابورى، محمدبن احمدبن حبيب ابوسهل المقرى النيسابورى
ابراهيم بن محمد الاصبهانى ابواسحق ، محمدبن محمدبن الفضل ابوحاتم القهندزى،
فاطمه ام على بنت ابى جعفر النيسابورى، محمدبن محمدبن عبدالله بن محمد ابوسهل بن
اخو الحاكم المصنف النيسابورى، محمدبن عبدالرحمن بن ابرهيم ابوالحسين النيسابورى
ابوعلى ، الحسين بن شيخ الرئيس ابى الحسين النيسابورى ، على بن عبدالله محمد بن
جعفر ابوالحسن البيسكى احمدبن عبدالحميدبن عبدالرحمن النيسابورى ، محمدبن
احمد ابوبكر الفرائضى البطحى النيسابورى ، عبدالله بن محمد عبدالله بن الزومى ابو
محمد الحيرى النيسابورى ابو عبدالله ، سعيد بن محمد بن سعيد ابوعثمان السكرى
النيسابورى ابوالقاسم على بن محمدبن على الجرجانى ، عبدالرحمن بن محمدبن محمد
بن حمد ابوسعيد النيسابورى ، الحسن بن داود رضوان ابوعلى الفقيه السمرقندى، عبدالله
بن احمد المذكر ابوالحسين الحنبلى وهو ابن بنت على الجنابدى ، محمدبن على بن الفضل
بن محمد الخزاعى ابونصر النيسابورى ، محمدبن على بن الحسين الخلقانى المعروف بابى

نصیر القصار ، محمدبن القاسم ابومنصور المنادی النیسابوری ، محمدبن احمدبن محمد
ابوبکر المقری النیسابوری ، عبدالرحمن بن محمدبن محمدبن احمد ابوالقاسم المزکی
النیسابوری الحسین بن محمدبن ابرهیم ابوعلی النسوی ، ابوسهل بن ابی بشر بن محمد
هارون النیسابوری ابوسهل بن ابی القاسم النیسابوری ابوبکر ، محمدبن محمدبن
جمش النیسابوری ، محمدبن ابی اسحق الکیال المطوعی الجرجانی، محمدبن محمدبن
احمد المعدل ابوعبدالله شیخ اهل الرأی النیسابوری، یحیی بن یحیی بن عبدالرحمن ابواحمد
النیسابوری ، عبدالله بن محمدبن احمد الصوفی الزاهد ابوالعباس السختیانی النیشابوری،
یحیی بن عبدالرحمن ابوزکریا العاصمی النیسابوری طغرل الترک مولی الشیخ العمید ،
محمد ابوعمرو السلیطی النیسابوری، السید ابوالفضل احمدبن محمد الحسینی العلوی
النیسابوری ، محمد بن عبدالاعلی بن محمد ابوبکر الفقیه النیسابوری ابن ابواسحق
محمود التاجر الاصبهانی ابوسهل بن حبیب المقری ابو عمرو بن علی الانماطی ،
عبدالرحمن بن عبدالله بن حمدون ابوسعید ابونصر المصلی العارضی ، محمدبن احمد
بن سهل ابوسهل الدستی علی بن محمد المذکر ابوالحسین المهرانی، عبدالله بن محمد
بن علی ابو محمد النیسابوری، عبدالله بن محمدبن عبدالله ابوالقاسم المطوعی النیشابوری
المعروف بالحرضی ، محمدبن عبدالله بن محمد ابونصر الصوفی الانماطی النیشابوری ،
علی بن محمدبن احمد ابوالحسن السلیطی النیسابوری ، علی بن محمدبن احمدبن
الحسن ابوالحسن المعادی النیسابوری، ابراهیم بن احمدبن حمزه ابواسحق الوزیر
الحسین بن علی بن الحسین الجوری النیسابوری ، محمدبن الفضل بن محمدبن یعقوب
النیسابوری ، شیبة بن محمدبن احمدبن ابومحمد الشعیبی النیسابوری، عاصم بن یحیی
النیسابوری ، ابراهیم بن محمدبن ایوب الفقیه ابواسحق الطراحی النیسابوری، محمدبن
احمدبن حاتم ابوحاتم الطوسی ابوعمرو الحموسی احمدبن ابی القراقی الاستوائی، احمد

بن منصور بن عبدالله اخو المعتز النيسابوری ، عبدالرحمن بن محمد ابوسعيد الشريفی الصوفی النيسابوری، محمد بن عبدالله بن احمد بن محمد ابوالفضل بن الرئيس النيسابوری، محمد بن احمد ابوبكر الحموسی الفقيه النيسابوری، محمد بن احمد بن حمويه ابوالحسن الرئيس بابيورد ، الحسن بن محمد بن شاذان الشاهد ابو محمد النيسابوری ، محمد بن احمد بن معاد ابوبكر القامی النيسابوری ، عبدالرحمن بن عبدالله بن الشيخ ابی بكر علی بن محمد الفازی ابوالحسن القطان الجرجانی، عبدالحميد بن محمد المذكر الخانقاهی ابوالقاسم ابوسهل البقال الواعظ ، اسمعيل بن الشيخ ابی علی العبدوی النيسابوری ، علی بن محمد بن عبدالله بن محمد بن عبدالله ابوالحسن الحداد النيسابوری ، علی بن محمد ابوالحسين بن غلكان الخياط النيسابوری ، عبدالله بن محمد بن علی الصفار ابو محمد الشاهد محمد بن احمد المولی ابونصر النيسابوری ، محمد بن علی بن الفضل الخزاعی ابوبكر النيسابوری ، محمد بن علی الطبری ابوجعفر البلادری الشريف ، ابوجعفر بن ابی محمد العلوی العباس بن محمد بن علی بن معدويه ابوجعفر بن ابی الحسن صهر الحاكم المصنف النيسابوری ابوسهل بن ابی بشر ، محمد بن هارون التاجر عبدالرحمن عبدالله بن علی بن محمد بن محتوية النيسابوری ، محمد بن علی المذكر ابوجعفر الجوردی ابوسهل بن مهران العدل النيسابوری ابوسعد الفلاحی الفقيه وتوفی سنه اربعمائه ، محمد بن يعقوب الفقيه الزاهد ابوبكر بن مخلد بن بنت ابی بكر بن ابی عثمان الزاهد النيسابوری ، احمد بن محمد ابو نصر البالوی النيسابوری، يحيی بن يحيی بن محمد بن عبدالله العنبری النيسابوری ابواحمد ، عبدالله بن محمد بن الحسن المهر سنان بن عمرو بن محمدك ابو منصور فاطمه بنت بكر بن محمد بن اسحق بن خزيمه سمعت اباها وحديث و توفت رحمها الله فی رجب سنه اثنين اربعمائه والله تعالی اعلم.

قال الحاکم الامام ابوعبدالله النیسابوری سألنی جماعة من اخوانی ان اذکر بعض ما انتهی الی من بناء المسجد القدیمه بنسابور والقهندز والمدینة الداخله وذکر الاودیه والمحال والرساتیق والارباع فلم احد السبیل الی الاستقضاء فیه بالاسانید فقد اجبتهم ان اذکر بعض ما یمکن ذکره بالاسانید وهذا کلامة الامام الفقیر محمد بن الحسین الخلیفه النیسابوری فترك الاسانید اعتماداً علی صحة قوله رضی الله عنه و اجتنابا من الاطالة

ذکر بناء قهندز و شهر قدیم و مفاخر و اوضاع و محلات و بارو و وادیها و محولات نیسابور و آنچ تعلق بامثال این امور دارد

امام حاکم فرمود اول کسیکه قهندز بنا نهاد انوش بن شیث بن آدم بود علیه السلام اساس آن بر سنگی بزرك سفید مدور املس نهاد و ازاینجهت در افواه خلق بود که آنرا قلعة حجریه یعنی سنگی گفتندی بعد از آن بمدتی مندرس شد و چند گاه بماند تا وقتیکه دوم بار بنا نهاد بعد از آن بطوفان خراب شد و تا زمان ایرج بن افریدون مهمل ماند از آن جهت که افراسیاب ساحر با لشکر عظیم بر ملك ایران غلبه کرد و شهرها خراب میکرد و اسیر و غارت میکرد و در ساحره ماهر بود دفع او متعذر بود درا ثناء اینکه در ملك ایران میگشت بصحراء قهندز رسید نزول کرد شهری بود بجوانب نظر کرد میدانی وسیع دید ازاینطرف کوهی قوی خوش منظر از آنطرف کوهی مقابل از جوانب جبال و تلال بوصف ایصال و ادیها روان چشمها جاری اشجار مثمره ثمار لذیذه میدانی مستدیر جبال محیط در شگفت افتاد قلعه اعلا قهندز بنا کرد و دیوارها احکام کرد و بنی اساس مرتب گردانید و بعضی کسان ساکن کرد و در زمان ایرج افریدون عمارت آن بیشتر و تمامتر شد.

ذکر حفر خندق قهندز

امام حاکم فرمود که چون نوبهٔ حکومت بمنوچهر رسید بقهندز آمد و در حوالی آن خندق حفر کرد و در جوانب مردم را ساکن کرد و بعضی را درون قلعه اسکان نمود و اهل مملکتی را بعمارهٔ ورفع دیوار و توطن در جانب آن تکلیف کرد و آتشکده در آنجا ساخت و قومی را بر آن خانه موکل کرد و حکم کرد که بچهل روز اهل مملکتی از عماراتی که گفته بود فارغ شوند پس در جوانب قهندز اماکن و مساکن پیداشد و درون قلعه مسکون گشت واجتماع مردم دست داد .

ذکر بناء شهر قدیم

امام حاکم فرمود که چون هرمز پادشاه شد وملك اورامسخر گشت منجمان وفال گویان او را خبر کردند که فرزندی اورا متوقع است که همهٔ روی زمین را مسخر کند وفرزند درراه بود هرمز بود مادرش را از حال بسرش خبر کردند درمحافظه آن بسر قوی جدی مینمود ووزراء پدرش طریق وفاداری رعایت نمودند تاج پدرش می فرستادند ومادرش تکیه میکرد آن تاج بر سینه مادر می نهادند یعنی تاج پدر بر سر پسر است و آنچ مصلحت میدیدند درمملکت جهت آن بسر حکم میکردند واحکام می نوشتند وبسلاطین زمان از زبان آن پسر منشور میفرستادند واورا شابور نام نهاده بودند یعنی شاه پسر یعنی پسر یعنی بسر پادشاه بقصد آنك چون پیدا شود هر نام که جهت خود اختیار کند نام او آن باشد چون بالغ شد نام خود همین اختیار کرد وبشاپور شهره یافت یعنی شاهزاده وبحسب دنیا عالی همت بود ورأی صایب داشت ملك شرق وغرب او رامسخر شد این شاپور شهر قدیم نیشابور درحوالی قهندز بنیا نهاد ومعماران وعمله تعیین کرد و گفت که برجوانب شهر خندق حفر کنند و باصل

مملکت بدرش که دیار بغداد ومداین است وآن جوانب بودرفت وایوان مــداین بساخت ودردیار شام‌شهر انبار بناکردوشهر کرخ وسجستان دراطراف بصره بساخت وشهری ساخت فیروز شاپورنام نهاد وبعد ما بنیسابور عود کرد وبرحوالی شهر خارج خندق عمــارات آغاز کرد انبار ده نام نهاد معماران و عمله مرتب کرد و تکلیفات شاقه فرمود رعایا عاجز آمدند معماران‌را امر کرد که هرروز پیش از آفتــاب بسر کارها روند وهر که ازرعایا پیش ازآفتاب حاضر نشود زنده درمیان خشت و گل دیوار گیرند وچنان کردندوخلق بر آن رنج قرار گرفتندوبعدازمنین کثیره کهجندران وبنیان انبار ده منهدم میشد استخوان جسد بنی آدم ازسرتاقدم ازمیان گل برخاك میافتاد وآن انبارده ازسده بنابود تاقریب زمان سلطان محمود عمرو بن لیث کــه والی نسابور بود خراب بودوازخاك آن بازاری مقابل جامع شهر بنانهاد چه شهر قوی وسیع بود واسباب عمارت بغایت متعذر

ذکر حفر خندق در جوانب شهر قدیم

امام حاکم فرمود که چون شاپور بمملکت دررفته بودلشگر ترك بار دگــر .. برملك ایران غلبه کردند چون شاپور بازآمدخلق ازآن فتنه فریاد برمی آوردند تا بلشکر چراد بسرآن اتراك رفت وبمحاربه ومقاتله ایشانرا از ملك ایران اخراج کرد وبازبنیسابور آمد بوقت طیب هوا ووزینة فضا وکثرة غذا وسعهٔ معاش ورتبــه ارتیاش وسکون غبار وثمار بسیار وعذوبه میاه واسطاه جایگاه فارغ البال منتظــم الحال مملکت مسخر ومهمات میسر دشمن مقهور ولشکر منصور اینجا مقام نمود وبناء شهر متصل بقهندز واقامه شهرستان واخراج ابراج وتشییه اساس فرمودومحلات وعمارات بهم واصل کرد وخندق شهر وقهندز بهم متصل کرد وبرجارجانب شهرجار

دروازه مرتب داشت شرقی وغربی وجنوبی وشمالی ومهندسان رافرمود طریق بنا
بایشان نمود تاچنان بنانهادند که چون آفتاب طلوع کردی شعاع آن ازهرچاردروازه
در درون شهر سطوع کردی وآن ازعجایب بناها بود وبوقت غروب ازهرچاردروازه
آفتاب درنظر بودی که پوشیده شدی همچنین ساختند وبسی زمان بنیان بر آن سان
بود وبنام خودشهررانام نهاد.

امام حاکم فرمود وآن بناست که تاغایة اثر آن پیدا وعلامة آن هویداست
ودروقت حفر خندق بوی خبرآوردند که گنجی پیداشد اندك اهتمامی نمود وضبط
آن یکی ازنواب فرمود گفتند هشتادخروارزر بوداز آن اهتمام پشیمان وازآن التفات
پریشان شد چه آن مقداررا کم داشت واندك پنداشت وترسید که برقصورهمة اوبر
فرط خست حمل کنند اشارتی کردکه همه رانفقه کنیدودیگر ذکر آن نکرد

ذکر ارتفاع زمین نیشابور بنسبت بابلاد دیگر

امام حاکم فرمودکه درکتب متقدمان حکما ثابت است که زمین نشابور ارفع
مقام مسکون است ویك دلیل آنستکه دردواوین قدیمه نام این شهر ابرشهر نوشتندی یعنی
شهریکه بابر نزدیکست ازکمال ارتفاع خصوصیة دارد بابر اورا بابر اضافت کنند
ودیگر دلیل آنك معتدل الهواست نه حار مفرط نه بارد مفرط نه سموم مفسد مهلك
بخلاف باقی ممالك

ذکر قری و قنوات که بر حوالی شهر و قهندز بود باز دیاد عمارات در شهر و سور داخل شد و باغات و بساتین محلات شهر گشت

امام حاکم فرمود که شصت دیه با اسواق و بساتین و مقابر داخل محلات شهرست و در اطراف شهر اکنون متفرق مشهور بکوجها و محلهاء شهر معدود از بنیان بلده اما :

آن مصر و مملکت که تو دیدی خراب شد

وان نیل مکرمت که شنیدی سراب شد

و نا مهاء دیهها که یکان یکان بوده همکنان بعماره همه را جمله ساختند این است .

الزیـق بویابـاد ، حنانهٔ خشك، شحنهٔ علیا ، شحنه سفلی، مـاهکاباد ،سورین کوی ، دزدان ، زمجارسفلی ، زمجا علیا ، باغ کبار ، وینکاباد ، عارکاباد، دودیه‌یهود باغك و شهرستانه، شابور و این را نصر آباد گفتندی، لمانجی‌سفلی،بشماناباد ، داربجرد حیره طبیرانه وایـن را کوی دزکان گفتندی، وافکرسلیط ، وافکرمعاد، مناسك‌سفلی مناسك علیا، خرقن‌علیاباد، حافظ محفوظ،باغ‌بهله، برز گرابـاد، محمدآبـاد، خول، خندرون ،کنارسفلی، راقعه، سیمجردعلیا، سیمجردسفلی، حفصـاباد ، تلاجرد علیا، تلاجردسفلی،حنجرودعلیا، حنجرود سفلی، سهل‌تاشیش، قناه، خشانه‌قناة حمزه علیا، خرکابـاد، عمرویاباد، قناه علیا ازجـودی، بـاب‌طاق، ومسجدقریهٔبود، جوری‌علیا، جوری‌سفلی، حوسق، سیسنویه،حایط ، سلمه ، سوانقادرعلیا، سوانقادرسفلی، ورودهای‌وفراتاباد، ودستجرد،سهرامقان ، قناه جهم ازدستجرد ماغین ،کرم‌بکر ، فازرشك‌ورقاب‌فارس، این مجموع قنوات وقری بود برجوانب شهر بکثرهٔ عمارات همه محلات

رکوچها شهر شد وباغات وبساتین ومقابران درمحلات داخل گشت و بقضاء ازلیه
درسنه خمس وخمسین وخمسمائه دور وقصور خارجها وداخلها

توقیع اذازلزلت الارض کرد دریك دوسه دم عالیها سافلها

ذکر محلات شهر واوضاع واوصاف آن

وتمامی محلات چل وهفت بود ویك محله متوسطه را که نه بزرگ و نـه
خرد محله جولاهکان گفتندی سیصد کوچه زیادت داشت: محله حیره، محله‌جامعه،
فایده‌بود. اشرف‌محلات مقام اولیا وبازار حیره اعظم، اعظم اسواق‌شهر بود واول‌بازار
ازسرحیره بود و مقطع اوقربی روضه سلطان حسین و یك فـرسخ هست تقریباً
وتمام پوشیده بود

محله بویاباد درعماره ورتبه وجلاله اهل محله مـواضع را بآن مثل‌زدندی
ابومسلم مروزی رحمةالله پیش‌از ظهور سلطنت در آن محله فرودآمد درکاروان
سرائی برزبان او گذشت که زود باشد که همه خراسان مسخر من باشد بعضی
جوانان سفها دنب درازگوش او بریدند چون دید برسید کـه نام این محله چیست
گفتند بویاباد گفت زود باشد که این محله راکنند آبـاد گردانم و برفت دیگر
بارکه‌آمد والی بود آنرا خراب‌کرد وهمچنان خراب ماند دیگرمعمور نشد

محله مولقاباد پیوسته اعلاء حیره است

محلهٔ میدان زیاد بغایة بزرگ بود.

محله نصرآباداعلاء شهربود بزرگ وعریض محله علما و تجـار بود

امام حاکم فرمود جل بازرگان بوددرآن محله بوقت‌عبدالله طاهر بهرعیدی
یکی از ایشان اهل شهـررا دعوتی‌کردی‌که همه خلایق شهررا فرا رسیدی عبدالله

طاهر پرسید که از آن جماعت کدام طعام دهنده ترست وطریق تر گفتند
حسین بن محمد نصرآبادی او را حاضر کرد واز رسوم دعوت و عادة ایشان
برسید قضا بگفت درترتیب دعوة که عبدالله ازآن تعجب کرد وجاه ومال و حشمة
ودعوه وسخاوه نفس او بیش او اندك نمود گفت خراب مباد شهری که درو چنین
ارباب مروة باشد .

محله دیگر بود بزرگ درومسجدی بود متبرك وحوضی که بآب آن تبرك
جستندی حوض کسلان گفتندی و قصه این محله و حوض مستوفاً ذکر خواهد شد
بطریق اوضح .

محلهالزیق ، محله مناسك علیاوسفلی گوید اعلی حده شهری بود

محله دیز بوقت فتح شهر صحابه آنجا مسجدی ساختند مبارك طایه دیز
واهل آن نبود مسجد و اهل آن منطفی گشت .

محله نمد آباد بزرگ بود

محله باب ابی الاسود محله قباب محله خواست متصل شادیاخ است

محلهشادیاخ مکانعبدالله طاهربودویعقوب لیث خراب کرد وبساتین ساخت وبعد
ازآنشهر شد

محله جلا باد بزرگ بود متصل بشادیاخ

محلهٔ تلاجرد محله قوی بزرگ بود یکطرف بجلاباد دیگر طرف متصل
بحنجرودمحله حفصاباد

محله خمزکابادمحله بزرگ بود

محله محمدآباد درورپاض وحیاض است

محله قزمحلهٔ بزرگ معمور بود بعلم وهدی وعماره وارفع محلها بود وآب وهوای او خوشتر بود ووصف او بیاید

محله درباغ وآن باغ ابومسلم بود صاحب دولة

محله باب عقیل محله باب عسگر همه بازارهاش بزان وطعام فروشان بودی وبازار علافان

محله باب عروه محله حرب محله باب معاذ، محله بیدستان درخت بید بسیار بوددرو، محله مرتعه محلهٔ سرپل، محلهٔ دزدان موضع کنارنك بود و او در جاهلیة ملك خراسان بود

اما بعبدالله بن عامر او کاغذ و کس فرستاد تا آمدند و خراسان فتح داد

محله باب معمر، محله در باغ ملاجرد، محله میدان حسین و او صاف بسیار دارد محله سمیجرد، محلهٔ الرلقیا، محله جولاهگان محلهٔ جودی علیاعیدگاه آنجابود ودر وبساتین وانهار بسیار بود

محلهٔ جوری سفلی محلهٔ سرکوی محله سنجد ستانه،

محله باغ رازیان اهل علم وتجارة آنجا بسیار بودی

محله باغك متصل بود بمحله قزعبدالله عامر که فتح کرد آنجا نزول کرد مسجد او آنجاست

محله زمجار محله خرکلاباد متصل بزمجار بود وعلماء صحابه وتابعین آنجابودندی

محله سرواقه طرف مغرب بود محله کرمانیان در زمان امام حاکم این محلات معمور بوده واوصاف بسیارهریك را فی الجمله نوشته بود جون حالا نیست نبشته نشد یاقومی راابومسلم ازشهر بیرون کرد محلهٔ داشتند آن نوشته نشد.

ذکر فتح نیشابور بردست صحابه و تابعین رضوان‌الله علیهم

و مقصود از کتابه این است و بیان‌مفاخر نیشابور دراین است وبالله‌التوفیق. امام‌حاکم رحمة‌الله ورضوانه علیه فرمود که‌بنقل صحیح از ثقات‌اثبات ثابت شد کی بوقت حکومة عبدالله بن عامربن کریزبن حبیب‌بن ربیعه‌بن عبدالشمس در بصره وحکومة سعیدبن‌عاص درکوفه در خلافت امیرالمؤمنین عثمان رضی‌الله عنه کنارنك که‌والی خراسان بود واومجوسی بودنامه فرستاد بایشان وایشانرا بخراسان‌خواند وبفتح وعده دادو گفت که‌یزدجرد بی‌مروة درمرو کشته گشته ومقصودنامه این‌بود که‌اشاره بساره ظهور نور اسلام وسطوع طلوع شموس هدایه واحکام سید انام و شفیع‌روز قیام ماحی‌ظلام‌وهادی کرام خواجه کاینات‌علیه‌الصلوة‌والسلام‌باستماع‌جموع این اماکن و مقام رسیده بیماران ضلاله فرو ماندگان تیه جهاله محتاجان شفاء هدایة تشنگان شربت عنایه دلزندگان عهدازل کمربستگان‌عبودیه ابدچشم برراه‌و گوش بر آواز منتظرند.

گر یك‌نظر بسوی‌من‌خسته‌میکنی همچون‌مسیح مرده‌بدم‌زنده‌میکنی

ایشان این‌خبر بامیرالمؤمنین فرستادند رضی‌الله عنه بایشان نامه فرستادووعده خلعة جنة داد که‌هر کدام‌سبقة گیرند ودرنشر نور اسلام‌جد نمایند وبوالدوحافدو ولدوجد بازنمایند حکومت‌درین جهان ودرجه جنان‌در آن‌جهان اورا باشد

فرمان‌مدینه‌را ز جابرجستم احکام همی گفت کمرمی‌بستم

عبدالله‌بن عامرسرعة نمودو سعی‌فرمود وعن‌قریب بنزادوار جوین نزول‌کرد وسعیدبن‌عاص‌چون بقومس یعنی‌ولایت سمنان رسید وهر یك از راهی دنیوی بطلب جاهی اخروی می‌شتافتند خبرسبقة عبدالله عامرشنود مراجعه فرمود واهل ازاد وار

کرمان، و باجیشی همه موافق، و دوستان بناحیه قهستان، نزول کرد و بقاع و قلاع آنرا بعده بسیار، و مدت اندك، فتح فرمود و بدست هداة، بهراة، مکتوبات فرستاد، وایشانرا باتباع طریق رشاد، وشداد، وسرعت خروج بسوی او واداء خراج باو دلالت کرد جواب فرستادند که مآل حال و مال، و انتظام احوال، و مرجع کبار، این دیار، ابرشهر مشهور یعنی نشابور است، چون ایشان تابع شوند همهٔ مطیعیم، وطوس وابیورد، ونسا دران تاریخ توابع نسابور بود پس عبدالله طاهر قصد ظاهر نسابور مصمم داشت و اعلام مجاهده فی سبیل الله برافراشت و چون بحوالی ابر شهر رسیدند و پوش زره پوشیدند برزان جاه طاقی و باغی که در آن زمان والی این زمین بود باقوم او آن دولة وصولة، بدیدند او نیز باحمران دیگر ازمیدان آن مردان بجایگاه و پایگاه خود باز دویدند و، بکره واجبار دستار چون افسار بر گردن زیر دستان کرده بر بالاء دیوار حصار ودژ قهندز کشیدند، و یکماه تمام از صباح تاشام وازاول شام تابانگ خروس آوازو خروش جنك بود، ناگاهی شبانگاهی هوامتغیر و حرکة متعذر گشت و غمام بر تمام جوانب ابرشهر احاطه کرد، واز میغ بی دریغ برفها چون تگرگ باران شد، وغموم بر دلهای مؤمنان عموم یافت، اقربا ازز بان ضعفا پیش عبدالله عامر گفتند که ما غریبیم واز عریبم در برف سرما، بسرما فرود آمد: الحریوذی والبردیقتل لعن الله العجم یموتون من البرد ویقولون خنکل گرما گریبان چاك کند اما سرما ابدان هلاك کند

نی روی سفر کردن ونی جای اقامت

عبدالله عامر با سعاف حاجات ضعفا برداخت و لواء کوچ برافراشت و آن لشگر را بملاطفه و مکالمهٔ اجلی از قند بمرغزار غندبرشچه از دید که آنجا هوا باعتدال و مقام بودن را محال است چون جندروزی نجح و فیروزی در آن

منزل روزی‌شد شبی بمقتضای‌قضا در آن‌فضا چندان برف برطرف جویباران مرغزار متراکم‌شد که از ثلوج بروج آن: اشدالبلاء علی‌الابنیاء ثم‌علی الاولیاء و برد چنان دست بردی نمود کـه‌از خـوف شراو شرر آتش را از جوف آهـن وسنگ قـوه خرکت نماند.

سرماست‌چنانکه‌بینی گوش وفسرد	سرماست‌چنانك دیك‌درجوش‌فسرد
کر آتشکی مانده بـدور دوزخ	آن نیز پریرودینه و دوش فسرد

ضعفـا دلهـا از غـم بخستند، و سرمـا و هـواء نسابور باز جستند، معتق‌کـه یکی از مقربان عبدالله عامر بـود، گفت صواب آنست که بنسابور رویم، وهر آینه نصرت ما راست،دل اعداء مامقهورست،بیرون‌در خانها با جامها زمستـان بگذرانیم، جون ربیع بدیع وروزگار بهار آید بصلح‌یا بجنك آن شهر بچنك آوریم وهرجا فرمایی برویم صواب‌دیدند وبازعبدالله خازم‌را طلیعه لشگر کردند وعبدالله عامردر آن زمستان بنیسابور بازعبورفرمود، وبرزان جاه مذکور ضال مضل نسابور رااز آن معاد ومخافة تمام مراجعه کرد، وقوی ضعیف وسخت سست وحال او تنك بدشد. وآن‌قلعها وحصارها بتأیید خدای در زمـان قریب همه فتح شد، وکنارنك بآستانهٔ عبدالله عامر آمد، وخراج ابرشهر یعنی نشابور وطوس هفتصد هزار درم‌که قریب بپانصدهزار مثقال نقره‌باشد بابسیاری ازانواع اشیاء ذکرقبول‌کرد، وجون‌این فتح‌دست دادملوك خراسان ازهراه وبلخ و مروو‌غیر آن دیدند، جاء نصرالله والفتح و رأیت‌الناس‌یدخلون فی‌دین‌الله افواجاً واموال کثیره ازانواع زرونقره وثیاب‌وافراش ومواشی آوردندوباضعاف قبول‌کردند

آن فوج مسلمان شدتا بادجنین بادا	کفرش‌همه‌ایمان‌شد تاباد جنین بـادا

وعبدالله عامر درون شهر ببقعه محله شاهنبر فرود آمد، و آنجا مسجد ساخت وسرائی برای خود بنا نهاد، وخراسان آسان برایشان قرار گرفت.

امام حاکم فرمود دربیان کرامة وشرف عبدالله بن عامر رضی الله عنهما: روی ان عامر بن کریز اتی با بنه عبدالله الی النبی صلواة الله وسلامه علیه وهو ابن خمس اوست سنین فقبل النبی صلواة الله وسلامه علیه ان ابنك لمسقاً قال فکان یقال لوان عبدالله قدح حجراً لماهه یعنی یخرج الماء من الحجر من برکته: ترجمه والعلم عندالله آنست که عبدالله بسرخود عامر را بحضرت خواجه ما صلواة الله و سلامه علیه برد واو پنج ساله بود یا شش ساله پس بوسه دادند حضرت خواجه ما صلواة الله وسلامه علیه در دهن او آن سعادتمند ازل وابد بس شروع کرد یعنی عبدالله فرو میبرد آب دهان حضرة خواجه ما را صلواة الله وسلامه علیه بس فرمود حضرة خواجهٔ ما صلواة الله وسلامه علیه بدرستی که بسرتو این هم آینه آب داده شده است

بس چنان بود که اگر عبدالله سر انگشتی یا سرپائی بر سنك زدی وخواستی انفجرت منه اثنتاعشرة عیناً روان شدی ازیك سنك ده سنك آب ازبرکت آن تربیت.

امام حاکم فرمود رحمة الله: که چون عبدالله نسابور فتح کرد عبدالله بن طاهر را درنسابور بگذاشت و خود ببصره رفت و بدرخود را بازیافت بعد ها باز بـه نسابور بازگشت ودرهمان حوالی وسرای خودکه بشاهنبر ساخته بود نزول فرمود وازنسابور بهمه بلاد واماکن امرا فرستاد ونسابور دارالاماره وسلطنه کرد و اموال این ممالك همه بنیسابور آوردندی آنچ بشرع آوردن جایز بود نه بجور

بعضی ارباب تاریخ گفته‌اند که نسابور بجنك مسخر شد واضح آنست وبیشتر مشایخ بر آنند کـه نشابور بصلح فتح شد

ونقلست که عبدالله طاهر چون والی ومطلق العنان شد بر نشابور خواجگان شهر راجمع کرد ومال خراج برایشان الزام میکرد وقصد کرد که نواحی شهر و ولایت را مساحه کنند وزمینها محیاة و موات راضبط کنند و برهرجریبی مالی خراجی وضع کنند ودرچارربع وهمه ولایاتی که تعلق بنشابور داشت جنین کنند

احمدبن حاج بکر از کبار نشابور بود گفت تو امیر مایی نه شریك مایی واین شهر ما بصلح فتح شد نه بقهر و جنك آنچ بقهر وجنك فتح کنند در آن خراج است وآنچ بصلح فتح شد شرعاً خراج نیست آنچ حاصل کنیم عشر آن بمستحقان رسانیم ومعهذا خراجی نیز بتو بدهیم اما مساحتی دراین ناحیه بیشتر شده است باتفاق همه رعایا وسلطان سلیمن بن مطرو دردواوین ثابت است اگر بآن رضا دادی فبها ونعم، واگر آن تغییر میکنی راضی نیستیم ازشهر بیرون رو ومارا یکسال مهلت ده تاغلات خودرا بر داریم وبحصار بریم وآنچ خواهیم ذخیره نهیم پس بیا وجنك کن اگر بقهر وغلبه بگیری ومسخر کنی مساحة نوکن وهرچ خواهی بکن پس عبدالله طاهر توقف کرد وتامل نمود وبرمساحت سلمین بن مطر برفت ومصالحه کرد بااهل ابرشهر یعنی نشابور برد و بار هزار هزار درم و دویست هزار درم که تسلیم نمایند مجموع هزار هزار وپانصد هزار و چل هزار مثقال نقره باشد

امام حاکم رحمة الله فرمود که باین روایات معلوم شد که نشابور بصلح فتح شده نه بجنك وآنك نسابور همیشه قصبهٔ خراسان بود و دار اماره وسلطنت ومال کبار اماکن و بلاد حفظت عن الفتور الی یوم النشور

مفاخر نیسابور قدیم که برکهٔ آن تا ابد بر سکان این بلد فایض و باقی است

از جمله انك چون سلطان اولیا برهان اتقیا وارث علوم المرسلین مهبط اسرار رب العالمین ولی الله صفی الله فلذة کبد رسول الله غوث الامة و کشف الغمة یوم الاخذ بالنواص و اضطرار المذنبین الی الخلاص لامتحان الاعمال بموازین الاخرص حین النحات والاستبات یوم البعث کماو عدفی المواقف الثلث عندالمیزان وبطئر الصحف والصراط یبسط بساط الشفاعه والسری بالانبساط سلطان المقربین یوم الحشر والجزا الامام ابوالحسن علی بن موسی الرضا صلوة الله وسلامه علی رسول و علی اله الائمة المعصومین و اتباعهم اجمعین الی یوم الدین

در مدینه در شهور ثمان و اربعین و مائه نور مقدس ایشان ظهور یافت ودر شهور اربع وتسعین ومائه ببصره بدرس حدیث ونشر علم بنصرة دین آفتاب هدایة ایشان برامة تافت وبتدوین نسخه مبارك صحیفه تقویة مله حنیفه فرمودند بس بمقتضای قضای ازل وحکم مبرم قدیم لمیزل بصوب خراسان غزیمت نمودند ودرسنه مأتین من الهجرة نشابور بمقدم حضرة ایشان روضات جنت شد وجون بشارة سطوات شعشعه اشعه آن نور برقطر نشابور میان سکان شهر مشهور شد قطب الانام کهف العلماء برهان المجتهدین این محب محبوب حقیقی نه مجازی شیخ ابو یعقوب اسحق راهویه مروزی قدس سره شیخ شهر ومقدم ارباب کشف و ولایة بود در کبر سن آن شیخ مسن زمین منن باقدام براشغال اقدام نمود بتأیید توفیق عینیه تا قریه مویدیه با جندهزار صدیق رفیق در پی بیشوا رفتند

ونقلست که حضرة سلطان صلواة الله علی رسوله وعلی آلهم در محفه بر

ناقه عضباء خودسوار بودندوقدوهٔ اهل انس وانبیاس شیخ محمدبن اسلم طوسی را قدس سره درمحفهٔ دیگر اجلاس فرموده بودندغایده فبراین‌دوبزرگوار درنشابوربرکناره خندق شادیاخ برطرف راه روضهٔ‌تاژجردو در بناء یک‌صنعهٔ قوی بهم‌قریب است وان اسوه‌احرار کمربندگی بسته وبحکم من‌اغبرت قدماه فی‌سبیل الله حرمه‌الله تعالی علی‌النار دامن تاتنمه ساق بر کشیده‌وشربت‌وعدهٔ کمال‌قربت‌چشیده‌زمام‌خطام‌مرکب‌حضرت‌انام‌اولیا ملک‌علام بردوش‌احترام گرفته

وتقاست‌که‌متوجه‌بآن ابرارذره واردرهواء ولاءازوراء قهقری بشهر باز آمد استفاده احکام و استکشاف اسرار میکرد و بزبان فصیح و عبارهٔ صریح میگفت که بروزقیام ملک‌علام جل‌جلاله وسیلهٔ‌نجاح‌و وصیله‌فلاح من اینست که روزی در دنیا خادم‌ومهارکش‌مرکب‌حضرت‌سلطان‌خود بوده‌ام وچون بنسابور ورود فرمودند در محلهٔ قز در کوچه بلاس‌آباد خدام مقام اختیار کردند و در افواه و استماع فقراء مشهور بود که چارسال درنشابور توطن فرمودند والعلم عندالله

وآن استانه منزل مبارک که مهبطه ارواح مقربین و مطاف ملائکه علیین بود مانده بقاء آن شهر مآل اولیا و ملاذ اصفیا و محل اجابهٔ دعا اشراف آن شهر بود و خدام آن آستانهٔ ولایت مرتب و بانواع اعزاز و اکرام موظف‌میبودند وبعضی ازکرامه‌که درآن‌محله واقع شد آن بود که برسر آن کوچه حمامی خراب وقناتی بایر ومحوطهٔ بودکه آنرا حمام و قناة و محوطهٔ کهلان کفتندی اهل محله بعماره حمام‌اهتمام‌کردند تابوقت التفات خدام باستحمام حاجت بمحلات‌نباشد وقصد میداشتندکه چون‌عماره تمام شوداسان‌آب‌ازچاه یاغیر آن‌پیدا کنندوچون‌حمام‌تمام‌شدبی‌حرج‌وخرج‌وسعی‌مقنی‌ازقناه کهلان بشتاب آب‌روان شد وحضرت سلطان صلواةالله علی‌رسول‌الله و علی‌اله الائمه المعصومین اجمعین بآن

حمام در آمدند وبشرف انتساب بحضرت ایشان متبرك شد و آن حمام بنام مبارك ایشان شرف اضافه یافت حمام سلطان گفتندی .

وامام حاکم از زبان خود نوشته است که آن حمام هنوز هست ومتبرك خلق است ،
یك کرامهٔ دیگر آن بود که روزی یك بادام بیکی ازخدام دادند وفرمودند که درطرفی از محوطه کهلان غرس نماید خادم چنان کرد غرس الفردوس بیده سبز شد و درهمان تابستان بادام بسیار بار آورد وبرگ وشکوفه وپوست ومیوهٔ آن درخت سبب برگ ونوا وصحت وشفاء مرضی آن زمان بودی تاچون بسی زمان بگذشت ظالمی غاشم در قهندز حاکم شد وازقصورعقل خواست که درآن محوطه قصری سازد که محل آن درخت داخل قصراو می بود ودرخت رانظاره بذبول بدل رفته بود وبعضی اجرا ومعمارو نجاررا گفت تاآنرا قطع کنند عماره تمام ناشده آن ظالم ومعمار ونجار ومزدور وهر کس بآن کارمنسوب وبرآن منصوب بودهم درزمان اندك مردند بعدازچند سال حاکمی ظالمی دیگر پیدا شد بعماره همان قصر قصد کرد چون بناء دیوار می کندند اصل آن درخت درزمین نمود تمام قصهٔ گذشته بااو گفتند جون دلش سیاه وقصدش تباه بود بعین استبصار در آن نگاه نکرد وچون درخت نیست واین در زیرخاك پنهان بوده سهل بنداست وآن بی اصل آن اصل رابرداشت عماره ناساخته اووهمه آن اقوام دراندکی ازایام هلاك شدند.

واز فواید مقام خدام ایشان بنسابور

یکی دیگر آنستکه روزی صاحب دولتی دعوتی ساخت و حضرة سلطان را صلواةالله وسلامه علی رسول‌الله وعلی آله الائمه المعصومین التماس اجابة نمود وعده فرمودند وعادة آن عصر آن بود که شریفی که دعوت بجهت ایشان بودی

صاحب دعوة بیشتر طفیلیانرا بنشاندی پس آنراکه اول مقصود بود آخر حاضر کردی تاانتظار احضار نباشد آن عزیز باین معنی اولیا واعاظم وعلما و اشراف آن شهر راجمع کرد وعادة دیگران بودکه در مجامع بیشان صفهاصدر بودی و بزرگان آنجا مجالس اختیار داشتندی وخدام بر کنار صفها بودندی چون حضرة سلطان صلواة الله علی رسول الله وعلی الهالائمه المعصومین و سلم رسیدند صوفیان صفوف بیشان صفهها صفا بانیل سعادت واقبال استقبال نمودند حضرة سلطان بمتکاو نمارق مصفوفه بیشان صفه التفات نفرمودنـد و کنار صفه بشرف ذیل خلعت ولایت حضرت ایشان شرف یافت از آن حین تاقیام قیامت درین دیار وسایر اقطار کنارهاصفها صدر صدور ومنازل افاضل شد و منبعدان یك بقعه سایر بقاع که آن نام داشت دولة آن مکرمةوتعزز برداشت .

وازمفاخر نیسابور

دیگر آنستکه روزی حضرة سلطان صلواةالله و سلامه علی رسول الله وعلی اله المعصومین درمجلسی بنماز قصد فرمودندکسی سؤال کرد که محراب موضع قبله مستقیم هست دست آنکس را گرفتند وبانگشت مبارك اشاره فرمودند باب کعبه درمواجهه نموده شدوان محل باغایه متعین است برطرف قبله شارع عام ازامام قهندز میگذرددواقع است.

واز مفاخر نیسابور

دیگر آنستکه حضرة سلطان صلواة الله وسلامه علی رسول الله و علـی الـه الائمه المعصومین و سلم روزی فرمودندکه عبارتی که فی‌الجمله حکایت آن اینست

واز مفاخر شهر قدیمی

این قصه کریم درالسنه مذکور ودرافواه مشهور است که حضرت سلطان صلواة الله وسلامه علی رسول الله وعلی آله وسلم درنسابور به منبر بر آمدند ونقلست که چند هزار دوات وقلم اعیان وامم مرتب داشته اقتباس انوار اسرار افادهٔ ایشان میکردند حضرت سلطان این حدیث معنعن ازاباء اولیا اصفیا خود باحضره خواجه کائنات صلواة الله وسلامه علیهم وعلی الهم الائمه المعصومین الاجمعین الی یوم الدین روایت فرمودند : التعظیم لامر الله والشفقه علی خلق الله

دیگر از مفاخر نیسابور

آنستکه منشاء و مقر و مظهر انوار ولایت چند هزار از مقربان حضرت وائمه عظام ملة بود که اسامی نفیسه حضرت بعضی از ایشان رضوان الله علیهم اجمعین درین اجزاواوراق سابقه ذکر شده وهریك را از کرامات ومقامات بسیار بود که این نسخه قابل بیان آن نبود.

واز مفاخر نیشابور

امام حاکم رحمة الله فرمود کی از دلائل ارتفاع بقاع نیسابور بر بلدان واماکن قریب ودور آنستکه: ثمار در هیچ دیار در دوره سال بر قرار نماند الانیسابور کی مثل امرود وسیب و بهی در دوازده ماه هر گاه که خواهید فی الجمله موجود است و در قرب نه ماه وده ماه انگور وخربزه تر وتازه در بیوت و اسواق و دروازه بنها و دریوزه توان یافت واز آن ثمار شربتهای نافع توان گرفت ودر بلاد شرق این مذکورات اگر باشد زود منقص شود ونسابور بر کمال خود باقی ماند مگر در محافظه مساهله نموده باشند.

امام حاکم فرمود که نسابور شت، هوای اوصافی بصحت ابدان وافی، خالی از خطایا، عاری ازوبا واکثر بلایا، مصر امصار حلیه مقدار؛ عروس بلدان، خزانهٔ خراسان،دارامارة بطیف،عماره معدن فتوه مخزن مروة، وموطن ادیان، مقر سلطان موضع اعلام هدی، مطلع انوارتقی، رحمت دروی نازل، برکت باو واصل در نسابور زنبور کند و جهان پرانگبین کند، زیره اوفیروزه، وحصول آن نحرهر روزه، حجر او جوهر کمراونقره وزر، نبات او بر اطراف عیون وجالسان زیبائی در ومخافه سموم نی‌مرض او را عموم نی سلاطین با مارهان متفاخر و در انتزاع آن از یکدیگر متظاهر، منازل کبرا، مناهل عظما، مأوی اشراف، مثوی‌عدل وانصاف، همه جیزاوموصوف، سکان او بسخا وجودموصوف‌اهل کمال را درو مقام همهٔ کمالات او تمام این معانی و اوصاف قدیمه کثرتی داشت ختم‌شد.

ذکر وادیهاء نیسابور

امام‌حاکم فرمود که‌میان یکی‌از نیسابور ودیگری ازشهری‌دور معارضه‌شد غریب گفت درشهر شما مسافر راباب نیست ودر صحرا راهگذری را آب نیست‌در بلاد دیگرمثل‌دجله وجیحون‌ودراطراف این‌شهرهمه‌مأمون‌است. نسابوری‌گفت‌این سخن هرنادانست ومرا برصدق خودروشن صدبرهان‌است‌ازدیر بادکه‌طرف ولایت ماکالکا بادکه آن کنف ناحیه است وادیها وجویها وچشمها که بر دیدها عیان است زیاده ازسیصد موضع آبها روان است که همه بی سعی انسان است که اگر اکثر آن جمع بودی بیشتر ازجیحون وسیحون شدی و نزد همه عقلا معقول‌است‌که ازمتفرق بودن آن بیش محصول است‌واز عین‌اخضر وآب‌انبوه آن که در کوه است

جه‌مجال مقال است و مابین‌دو طرف ولایت زیادت از چهار هزار قناوه است غیـر قنواتی که دیهها بر آن مبنی است و آب کاریز شیرین تر و پاك‌تر از آب بلاد دیگری است که بسیار قاذورات در آن واقع‌شود تا بخانها رسد

و اول کسیکه کاریز و بهندیسه آب از زیر زمین بـر روی زمین اجرا کـرد پادشاه منوچهر بود و اجرا قنوات نسابور آزاو شد و نیز گویند که بعضی از اوضاع کاریز کندن و آبها بر بلندیها بردن بدولاب ومثل آن ابی الریحان حکیم خوارزمی اخراج و اما آن وادیها کـه بشهر جاری میشود و شرب باغات و یا داخل شهرست شغاند یر ووادی بوشنقان وحرو اسب و آنچ داخـل نمی‌شود چارست : وعطی‌رود ووادی شامات وادی بشفروش وادی دیزباد

امارباع نسابورچارست

ریوند ، مازل ، شامات ، بشفروش وکیفیه قسمت ومساحة آنست که ازچار طرف مسجد جامع بهرطرفی رفتند وماکبار زمین ولایة قری وقنوات را باآن‌ربع نسبت دادند وبقریه‌که درآن جانب‌معمور ومیسر بود اضافه کردند .

اما ربع ریوند ازحد مسجد جامع بود تا مزرعه احمدآباد

اول حـدود بیهق طـول او سیزده فرسخ ازحـدود ولایت طوس تاحدود بشت پانزده فرسخ مشتمل برزیـاده از پانصـد دیه‌کـه بعضی رایك قناه بـود یـا دو یـا سه یا چهـار پنج وریوند کـه ربـع بآن منسوب است قریـه کبیره‌معموره بود بانی آن انوشروان عادل در و مسجدی جامع منیع رفیع و خانقا هـای‌بسیار و در اول اسلام حکام ماوراء النهرسه برادر بـودند محمـد و عطریف ومسیب هرسه از ریوند هریك در آن مملکه درم و دینار بسیار زدند و آثار آن بیدا است :

ربع شامات از مسجد جامع تا حدود بشت طول آن شانزده فرسخ و عرض آن از حدود بیهق تا رخ جارده فرسخ قری آن سیصد زیاده بوده راه فارس و کرمان از سوی قهستان بر آن است .

ربع مازل ازهمه ارباع، قری بیشتر دارد، متنزهات و موضع تفرج وتنزه اهل بلده قرای این ربع است واکثر قرای آن متصل است .

فرهنك و موسقان و باغ فرك در ربیع و خریف مطاف هر حریف و ظریف است.

ربع بشفروش ناحیه بزرگتر ولایت است ودیهها بزرگ معمور بخراسان از آن معمورتر ناحیتی نیست

ذکر ولایات کی از نواحی واقطار خراسان بنسابور نسبة دادندی اشراف واکابر آنرا نشابوری خواندندی

و آن دوازده ولایت است طول وعرض یعنی آن ازسی فرسخ وبیست وپنج کمتر نباشد بهر یکی از آن قری وقنوات وباغات وعمارات مالایعد ولایحصی منها

ولایة بیهق من حدود ریوند تا ولایة دامغان بیست وپنج فرسخ زیاده است وعرض مثل این

ولایة جوین منشأ اولیاء وعلما، قری وقنوات درعمارات بحدغایات بیکدیگر قریب جنانچ همه را بمثابه یك ربع مسکون مملکت توان گفت اهل دین ودیانت وخداوندان باهوس وهمه ایوان خانها رفیع ومهمان خانها وسیع اصناف اشراف وعوام ایشانرا همتهاءعالی ودلها کرام اصناف واتمام الطاف دلها از ملال خالی

بتبرك بیماران و غیرایشان بآن انتفاع یافته بی‌ثمن، درودرختها ناژوتوت که ازهر یکی از آن غالباً چند ستون حاصل شدی چنان بزرگ، زیاده از صدخادم و فراش داشت ودرموضعی ازومثل خانه مبنی بردوازده ستون بعماره ممتاز شش ستون از مرمر و دوستون ازبیشه طرف دجله آورده برنك مهرهاء سیاه وسفید وجهارستون ازگچ وخشت پخته ساخته سقف وستونهاء آن بزرتذهیب کرده وقبهٔمذهب بالای آن مرتب مقومان و مبصران بیست هزار مثقال زر راتقدیر می‌کردند

اما حاکم فرمودکی سقف و ستون وبلها و منابر وصنادیق و مصاحف وقنادیل وحصیرهاوفرشها وتوابع اینها راقیمة کردند بصد هزار مثقال زررسید و صد هزار مثقال زرطلارا اوقاف مسجدجامع زیاده بود وبخراسان منبری احسن‌تر از آن منبر نبود که ابومسلم درین جامع نهاده بود.

ذکر دومنار جامع

ابومسلم درجامع منار ساخت بعدازوارباب مناصب‌را آن منار قصیروان بنا بنسبت باجامع حقیر نمود چون حکومه بمنصور بن طلحه بن طاهر برادرزاده عبدالله طاهر رسید آن منار را منهدم ساخت ومنار دیگر برافراخت وبیسیاری از اول بلندتر و قوی‌تر وعمارة او بزینت وتذهیب آراسته‌تر کرد وبطریق هندسه چنان کردند که در دورهٔ سال از ظلال آن انتقال شب‌وروز معلوم‌شدی بعداز زمان او بحرکتی درایامی میلی دروی پیداشد چون نوبة بعمرولیث رسید آنرا نیست کردو دیگری برداشت ونام ولقب خود بر آن بنگاشت بعد از آن چون نوبت بخمارتکین رسید مناری رفع کرد وصیت آن دومنار دفع کرد چنانچه در دنیا ارفع از آن واعجب و آراسته‌تر و پیراسته‌تر ودایرتر

منار درهیچ دیار پنج نجار ندیدار فوق عالی بام جامع تا سرمنار نمود و چارذراع
بود اجرة استادان بی مزد در خرج عمارة دو هزار مثقال طلا مقرر کرده بودند و
بهندسه چنان ترتیب کرده بودند که چون باد آمد فراخورد قوه بادان منار حرکت
کردی امانیفتادی و هیچ خشتی وجزئی ازوی فاسد نشدی

ذکر مسجدهای متبرك شهر قدیمی
که محل قبول طاعات واجابت دعوات بودی

اول مسجد که صحابه بنانهادند بوقت فتح شهر قدیم در موضع شاهنبر و در
آنجا نماز گذاردندی و سنگی قوی بزرك جمع صحابه باتفاق خود برداشتند و
درآن مسجد آوردند و برای علامة بگذاشتند

مسجد محله قزدر جوار منزل خدام سلطان صلواة الله وسلامه علی رسول‌الله
وعلی آله‌الائمة المعصومین اجمعین

مسجد معروف بمسجد روی بکوه مسجدی قدیم وعزیز بود

و مسجد باب معمرمیان دو مقبره

مسجد رجابن معاذبن مسلم .

مسجد دروازه قهندز که بیش از نه ماه صحابه درآنجا عبادة کردند .

مسجد سرا معارمسجد که مصلی جنیان گفتندی ، مسجد امام یحیی متصل
سرای بستان، مسجد ابن‌حرب ، مسجد ایوب بن الحسن ، مسجد جمش از اجابة
دعا درین مسجد عجایب بسیار منقول بود

ذکر میادین نیسابور

میدان تلاجرد ودرصدداین میدان‌قصرمطبوع مرفوع مرغوب‌محبوب مزین‌بود هرون‌رشیدچون‌به‌نیسابوررسیدمدةاقامةاو آن کوشك مقام او بود .
میدان هانی، میدان حسین‌بن معاذبن مسلم مجمع سلاطین و میان بلد بود و میدان زیاد

ذکر مقابر وقبور کی مزارات نیسابور بود

مقابر وقبوراولیا واصفیا در محلات وقری بیشتر بود ازعددو احصاء تا آنج علی‌التعمیم زیارة‌کردندی ازمقابر وقبور بیشتر آنست

مقابر صحابه در بالای مقبره حیره‌وآنرا مقبره نصربن زیادالقاضی گفتندی‌و وسه‌صحابی درآنجا مدفونند اما آن قبرکه سرحلاب است یقین‌قبر همام‌بن‌زید است که از صحابه کبار وقدوهٔ ابرار بود درهمین مقبره در حیره روضهٔ شیخ ابی حفص وابی‌عثمان وزهاد بسیار است‌و شیخ‌ابوجعفرمدنی دربالای مقبره‌است ،

مقبره تلاجرد مسجد سلطان علوی شهید مقبول ولی‌الله المقتول فلذه کبد الرسول‌صلوةالله وسلامه‌علیه و آله و علی‌آله المعصومین اجمعین نام ونسب مبارك ایشان براوحی مسطور برصرروضه ایشان باین‌ترتیب است: هذا قبرالامام محمدبن محمدبن‌زیدبن علی‌بن‌الحسن بن‌علی بن ابیطالب علیه‌السلام ورضی‌الله عنهم اجمعین

مقبره سرمیدان قبر نصربن زیادالقاضی و امام احمدبن ابراهیم وابی عبدالله البوشنجی وابی الولید و و ایوب الحسن الزاهد و امام مسلم‌الحجاج صاحب صحیح وبشربن الحکم و عبدالرحمن بشرو محمدبن عبدالوهاب ؛

مقبرهٔ شاهنبربسیاری از علماو اولیاء تابعین آنجا مدفون اندودر آن مقبره

بزرگان که بعد ازآن تا ششصد وشصت و شش که خرابی شادیاخ شد وبعدازآن درآن شهردیگر که عدوحصر این بزرگان مقدور ومیسر نیست یکی ازایشاندرین اسامی مذکور نیستند

فایده

وبعضیاز وقایع نیشابور آنست کهدرحواشی تاریخ یمینی که درچارصد و کسری ازهجرة نوشتهشده آورده که نیسابور ازابتداء بناءآن تااینغایة هیژده بار بزلزله خرابشده وبعداز آندر تاریخ پانصدو پنجاهو پنج ازشهرقدیم خرابیکلی یافتو قومیکه ماندند بمحلهشادیاخاجتماع کردندو شهرساختندصدونودهسالمجال بقاءشهر بودمجمع افاضل ومعدنکرام وعظام ایامبود ودرآن ایامبزرگانشادیاخبر اشرافسایر بلادفضیله داشتندیخصوصاً سیدبزرگوار سید صدرالدین الحسینی که مراتبعلم وعمللاحق باولین وسابقبر آخرینبودند وازمکارم حضرت ایشانیکی آنستکه امام امة ومقتدایعلة امامفخرالملة والحقوالدین الرازی رضوانالله‌علیه مکتوبی نوشته‌اند بایشان بعضی ازآن اینست: کتبت من هراة ضینت عن الافات رایت فی السفر الخامس من التورة ان الله سبحانه قال لموسی یاموسی احب ربك بکل قلبك وانا اخبر سیدی وسندی ومولای الصدر الاجل المنجل السید السند الطاهر الازهر التقی النقی صدرالملة والدین شمس الاسلام والمسلمین ملك السادات افتخار العترة الطاهره قدوة المحققین فی العالم حصه الله تعالی من السادات القدسیه والکرامات العلویه باکمل درجاتها و افضل غایاتها بانی احبه من صمیم قلبی واحب ان احبه الی اخر المکتوب

حاصل کلام ماتخفیف ابرام آنکه‌فرمود امام که خواندم درسفرپنجم ازتورة که

حق سبحانه وتعالی فرمود موسی را علیه السلام که ای موسی دوست داری پروردگار خود را بتمام دل خود و من خبر میکنم سید خود و سند خود و خواجه خود را که من ایشانرا دوست میدارم انك ایشانرا دوست میدارد با آنچه آن مکتوب است از براهین برین معنی بعدها در شب جمعه سنه ست وستین وستمائه این شهر نیز بزلزله خراب شد هفتاد کس بصحراها ماندند ازشهر سیم بنانهادند آن نیز بجاست یکشنبه اخر جمادی الاولی سنه ثمان وثمانمائه بزلزله خراب شد

اندرسه زمان سه زلزله واقع گشت ‌‌ ‌ بدپانصدواند آنك شد شهر جودشت
شش سال فزون دوم وره ازششصدوشصت ‌ ‌ از زلزلهٔ بارسیم هشتصد و هشت

جون بیان اسامی وکرامات و مقامات سادات و اتباع حضرت ایشان از اولیاء کرام و علماء عظام مقدور مقدار بشر نیست برین مختصر ختم اولیتر

اللهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات الاحیاء منهم والاموات بحرمة النبی، محمد و آله خیر البریات وادخلهم برحمتك فی روضات الجنات والحمد لله رب العالمین آمین رب العالمین

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم رب یسر وتمم

الحمدلله رب‌العالمین و الصلوة والسلام علی حبیبه و رسوله محمد و آله
اجمعین . قال‌الله تعالی ولاتحسبن الذین قتلوافی‌سبیل الله امواتاً بل احیاء عندربهم
یرزقون وقال رسول‌الله صلی‌الله علیه وسلم ان اولیاء الله لایموتون ولکن ینقلون‌من
دارالی‌دار وقال صلی‌الله علیه وسلم کنت‌نهیتکم عن زیارةالقبورالافزوروها
برمقتضی آیه وحدیث جون زیاره دوستان خدای متضمن ثواب بسیار وفواید
بی‌شمار بود بعضی‌ازاحبه که‌امتثال‌التماس‌ایشان‌واجب‌بوددرخواست کردنداز بندهٔ کمینه
احمد: محمدبن‌حسن‌بن‌احمدالمعروف‌بالخلیفه النیسابوری‌تاب‌الله‌علیه باسامی بزرگان
که درنیسابور آسوده‌اند در قلم آورد و ذکراسامی ازجملهٔ بزرگان متعذر بود از
بهر آنکه نیسابور کهنه که‌محط رجال:رجال لاتلهیهم تجارة ولابیع‌عن‌ذکرالله بوده‌جهل
وهفت محله داشته که یکی از آن محلات متوسط را محله جولاهگان گفتندی و
آنرا سیصد کوجه زیارت بودی وهرمحله رامقبره بوده وشصت دیه در ربض در آمده
بود ومقابر آن دیهها که مملو باولیا وصلحا بوده‌درمیان شهر ناپیدا گشته و بعد از
خرابی آن شهر بسبب غارات و تاراج مزارات مندرس و قبور منطمس شده و کسی
نمانده که گورستانها راباز شناسد فکیف بالقبور وهرچند جنین بود اما برموجب ان
لم یدرك الکل لم یترك الکل . اسامی این بزرگان که درطبقات‌شیخ عبدالرحمن

سلمی ورسالهٔ استاد ابوالقاسم وتذکرهٔ شیخ فریدالدین عطار وتاریخ امام ابوعبدالله نیسابوری مسطور است که درنشابور آسوده‌اند جمع کرد حق سبحانه و تعالی همگنانرا رعایت اقوال این بزرگان ومتابعت افعال ایشان کرامت کناد و از برکت و شفاعت ایشان محظوظ گرداناد وهوولی الاجابة و التوفیق

اسامی سادات کبار

محمدبن محمدبن زیدبن علی‌بن‌الحسین بن علی‌بن ابیطالب صلوة الله علی رسول‌الله وعلی آله‌الطیبین الطاهرین‌مدفونست‌بمقبرهٔ‌تلاجرد، ابوجعفرالصوفی محمدبن جعفربن الحسین‌بن علی‌بن عمربن الحسین بن علی‌ابن ابیطالب ، محمدبن احمد بن عبدالله وبسر-بزرگواراو، محمدبن محمدالملقب بزباره نقیب سادات خراسان این دو شریف بزرك واولاد واحفاد ایشان رضی‌الله عنهم درمقبره عبدالله طاهراند و آنرا گورستان سادات گفتندی

اسامی صحابه رضی‌الله عنهم

عامربن سلیم الاسلمی علمدار رسول خدای عزوجل، عنان‌بن حبیب، همام‌بن زیدبن‌وابصه این سه‌صحابی‌وسه‌صحابه دیگرکه نام‌ایشان معلوم‌نیست‌یقین‌درنسابور آسوده‌اند وگفته‌اندکه نیز: ابوبریرهٔ اسلمی‌درنیسابور آسوده است

اسامی مشایخ طبقات

ابو حفص حداد نیسابوری ؛ ابوعثمان حیری نیسابوری ، حمدون قصار نیسابوری، محفوظ بن محمود نیسابوری، ابوعلی ثقفی نیسابوری، یحیی‌بن‌معاذرازی ابوالحسن علی الفوشنجی ، ابوبکرطمستانی فارسی ، عبدالله بن مبارك نیسابوری

آنست که هانی آنجاست؛ ابوبکر الزاهد؛ ابوالحسن الکوفی، ابرهیم بن ابی‌طالب ابویعقوب اسحق. ابوعمر والحیری، ابوعمر والمستملی؛ ابوعمر والخفاف، ابو عمرو الزاهد، عباس بن حمزه، ابوسعید الاصم، ابوالحسین الخفاف، الحسن الحداد، ابوالولید، ابوالعباس العابد، ابوعبدالله الصفار، ابوالفضل الواعظ، زکریا بن ولویه ابرهیم بن محمدبن شعبان، عبدالله بن عمر الریاح؛ یاسر بن نصر الباهلی، حسن بن الفضل الحلی، بشر بن الحکم العبدی، عبدالرحمن بن بشر، محمد بن عبدالوهاب احمدبن سعید دارمی، ابوزکریا عنبری، بعضی ازاین بزرگان مجاب الدعوه بوده‌اند ؤدعا برسر خاك هریکی ازبزرگان مرجوالاجابة است،

این بزرگان از متقدمان‌اند اما بزرگانی که بعد از طبقه ششم در این شهر آسوده‌اند ازآنجمله، شیخ عالم ابوعلی دقاق، استاد ابوالقاسم قشیری، امام احمد میدانی، شیخ علی مؤذن، امام بن فورك اصبهانی، امام الحرمین ابوالمعانی، امام علی واحدی، شیخ فرید الدین عطار، شیخ طبسی، شیخ مجنون اولیا، شیخ مجد الدین بغدادی ارزقناالله متابعتهم والانخراط فی سلکهم بفضله وکرمه وهواکرم الاکرمین وارحم الراحمین صلی‌الله علی نبینا محمد وآله اجمعین

اسامی بزرگانی که درشهر نسابور مدفون‌اند.
نقل از خط خواجه قطب الدین رحمة‌الله

مقابر صحابه رضی‌الله عنهم در اعلی حیره درمقابر منسوب بنصر بن زیادالقاضی، سید بزرگوار محمد محروق صلی‌الله علی رسول‌الله و علی آله و سلم وهو محمدبن محمدبن زیدبن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب کرم‌الله وجهه ورضی الله عنهم، جوانمرد معروف بابو شختویه از شهدای صدر پشین است، تربة اومحل اجابت دعاست

جوانمرد علمدار حضرت مصطفی بوده قبراومشهور است ،

جوانمرد ترد باد اونیزازشهداء صدر اول است، احمد حرب رحمةالله تربت اووتربت یحیی معاذرازی که ازکبار طبقات است رحمةالله درمقبره معمراست، شیخ محمدبن اسلم طوسی تربت اودرراه مزارتلاجرداست زاهدزمان بوده است و خدمت امام علی بن موسی الرضارا دریافته صلی الله علی رسول الله وعلی آله وسلم وحدیث ازاوشنیده

امام مسلم بن الحجاج القشیری تربت او در حوالی تربا باد در شرقی کهن دیر نشابور قدیم است رحمةالله

امام ابوبکر فورك و یحیی بن یحیی دربر حیره هر دو در یك حظیره اند از زاهدان و عباد زمان بوده ،

امــام الحرمین عبدالملك ابوالمعالی بن الامــام ابی محمد یوسف الجوینی رحمةالله تربت او در جوار مزار تلاجرد است ،

شیخ محمد قفال تربت اودر قبلهٔ مقبرهٔ حیره است ، رحمةالله

شیخ عبدالرحمن کوف وشیخ عبدالرحمن سلمی و ناصر الدین محمد کوف رحمةالله تربتهاء ایشان در قبلهٔ مقبره حیره است

امام بیان الحق قاضی محمود نیسابوری مصنف عمل الغرائب وغیره تربت اودر جوار نمازگاه عید درشهر شادیاخ ، رحمةالله قنبر امیرالمؤمنین علی کرم الله وجهه تربت اودر جوارفرات آباد ،

شیخ علی مؤذن رحمةالله تربت او در جوارمقبرهٔ حیره است

استاد ابوعلی دقاق واستاد ابوالقاسم قشیری ومحمد بن یحیی رحمهم الله دریك حظیره اند در شهر قدیم در قبله کهن دیر ،

شیخ فریدالدین عطار رحمةالله تربت اودرشادیاخ است،

شیخ محمد ماهی و امام جمال الاسلام رحمهماالله تربت هر دوبهم نزدیك

است در شادیاخ ،

شیخ ابوحفص حداد و شیخ ابوبکر صیدلانی تربتهای ایشان در راه شارع ادك است در غربی علمدار رحمهم الله ؛

شیخ مجد الدین بغدادی که از خوارزم صندوق اورا نقل نسابور کرده اند تربت او در شادیاخ است رحمة الله ·

شیخ طبسی و تربت شاه شجـاع کرمـانی بهـم نزدیـك است رحمهمـاالله شیخ مجنون اولیا تربت او در مقبره جلسر ، مقبرهٔ باب عزره فیه حسن بن الولید وجعفربن عبدالرحمن و عبداللهبنعبدالرحمن والزماج و حسن بن الفضل وابوالعباس السراج و ابرهیم بن ابیطالب رضی‌الله عنهم شیخ حمدون قصار وابوعلی ثقفی وعبدالله مبارك‌در جوار حیره رحمهم‌الله مقبره عبدالله طاهر فیها قبره وقبر اولاده و قبر امام الحدیث ، محمد بن یحیی الزاهـدی ائمه تربتهاء ایشان در جوار ترخاك زرکان نـاپیداست قبر ایشان ، عبدالله الفوشنجی ، ابو ایوب بن الحسن الزاهدشیخ محمدبن‌عبدالوهاب بشربن الحکم العبدی استاد ابوالولیدمقبره حداباد

امیر طاهر میفرمود که علماء وزهاد آن زمانرا درین مقبره دفن میکردند فیها اسحق بن ابرهیم الحنظلی و محمد بـن اسلم و محمد بـن الرافعی القشیری واحمدبـن مؤید الروقی واسحق بـن المنصورو ابو زکریا القشیری رحمةالله علیهم اجمعین

بسم‌الله الرحمن الرحیم رب یسر

هذه اسماء المشایخ الذین سماهم السلف مشایخ الطبقات نقلت من الرسالة التی هی معروفة بطبقات السلمی مماجمع الشیخ العالم الربانی المحقق الصمدانی عبدالرحمن السلمی رحمةالله علیه

الطبقة الاولی منهم

فضل بن عیاض بخاری الاصل مات فی الحرم ووفاته سنه سبع وثمانین و کنیته ابوعلی

و منهم : ابواسحق ابرهیم بن ادهم بن منصور مات بالجریر فحمل لی صور ودفن بها فی الشام

و منهم : ذوالنون المصری قیل مات سنه ثمان واربعین ومأتین و قیل سنه خمس واربعین و کنیته ابوالفیض

و منهم : شیخ بشر حافی مات سنه سبع و عشرین و مأتین ببغداد و دفن فیها و کنیته ابونصر

و منهم : الشیخ سری سقطی رحمة الله مات سنه احدی وخمسین و مأتین وکنیته ابوالحسن

و منهم : الشیخ ابوعبدالله حارث المحاسبی من بصره مات ببغداد سنه ثلث واربعین ومأتین

ومنهم : الشیخ ابویزید البسطامی رحمه الله مات بسنه احدی وستین ومائه واسمه طیفور

ومنهم : الشیخ ابوسلمان دارانی مات بسنه خمس عشره ومأتین واسمه عبدالرحمن بن عطیه

ومنهم : الشیخ معروف الکرخی مات ببغداد بسنهٔ مأتین وقیل سنه احدی و مأتین وکنیته ابو محفوظ

ومنهم : الشیخ حاتم الاصم مات سنه اربع عشر ومأتین وکنیته ابوعبدالرحمن وقیل سنه سبع وثلثین ماتین

الطبقة الثالثة

ومنهم : الشیخ ابومحمد الحریری مات بسنه احدی عشر وثلثمائه واسمه احمد بن محمد الحسین

ومنهم : الشیخ ابوالعباس العطامات بسنه تسع وثلثمائه و قیل سنه احدی وعشر واسمه احمدبن محمد سهل بن عطا

ومنهم : محفوظ بن محمود من اصحاب ابی حفص النیسابوری مات بسنه ثلاث اواربع وثلثمائه بنیسابور ودفن بجنب ابی حفص —

ومنهم: الشیخ ابوعمروالدمشقی مات بسنه عشرین وثلثمائه هو مشایخ الشام

ومنهم : الشیخ محمدبن حامدالترمذی من مشایخ خراسان و کنیته ابوبکر

ومنهم : الشیخ طاهرالمقدسی من اصل مشایخ الشام

ومنهم : الشیخ ابومحمد عبدالله بن محمد الحرار من مشایخ الرازیین مات قبل البعد الاربعین و ثلثمائه

ومنهم : الشیخ نعمان بن محمد الحمال الواسطی ساکن مصر مات بیافی رمضان سنه ست عشر وثلثمائه وکنیته ابوالحسن

ومنهم: الشیخ ابرهیم بن احمد الخواص مات فی جامع الری بسنه احدی وتسعین و ماتین وکنیته ابواسحق

ومنهم: الشیخ ابوحمزة البغدادی مات قبل الجنید سنه تسع وثمانین ومأتین واسمه محمد بن ابرهیم

ومنهم: الشیخ ابوالحسن الوراق من مشایخ نیشابور مات قبل العشرین وثلثمائه واسمه محمدبن سعد

ومنهم: الشیخ ابوبکر الواسطی اصله من خراسان استوطن کورة مرو ومات بها بعدالعشرین و ثلثمائه واسمه محمد بن موسی

ومنهم: الشیخ ابوالحسن الدینوری من مشایخ الجبل اقام بمصر ومات بها بسنه ثلثین وثلثمائه اسمه علی بن محمدبن سهل

ومنهم: الشیخ ابوالمغیث حسین بن منصور الحلاج قتل بباب الطاق ببغداد یوم الثلثاء من ذی القعده سنه تسع وثلثمائه

ومنهم: الشیخ خیرالنساج اصله من سامره اقام ببغداد و کنیته ابوالحسن

ومنهم: الشیخ حمشادالدینوری من کبارمشایخها مات بسنه تسع وتسعین ومائتین و

ومنهم: الشیخ ابوحمزة الخراسانی من نیسابور من محال ملقاباد مات بسنه تسعین ومائتین

و منهم: الشیخ الصبحی من اهل البصره وکنیته ابوعبدالله مات بالسوس وقبربها

ومنهم: الشیخ ابواسحق ابرهیم بن داود الرومی مات بسنه ست وعشرین ومائتین وقیل ثلثمائه

ومنهم: الشیخ ابوجعفر احمدبن حمدان بن علی بن سنان من مشایخ نیسابور مات فی سنه ست عشر وثلثمائه

الطبقة الرابعه

ومنهم: الشیخ ابوبکرا الشبلی خراسانی الاصل عاش سبعا وثمانین سنه و مات فی ذی الحجه سنه اربع وثلثین و ثلثمائه ببغداد واسمه دلف بن جحدر

ومنهم: الشیخ المرتعش وهو ابو محمد بن عبدالله بن محمد النیسابوری من محلة حیره مات ببغداد سنه ثمان وعشرین وثلثمائه وقیل من محله ملقاباد

ومنهم: ابوعلی الرود باری توفی بسنه اثنین و عشرین و ثلثمائه بمصر واسمه احمدبن محمد بن ابی القاسم

ومنهم: الشيخ ابوالحسن الاقطع اصله من المغرب مات بسنه اربعين وثلثمائه

ومنهم : ابوعلى الثقفى مات بسنه ثمان و عشرين وثلثمائه بنسابور واسمه محمدبن عبدالوهاب

ومنهم : ابومحمد عبدالله بن محمد بن منازل من مشايخ نيسابور مات بها بسنه تسع و عشرين اوثلثين و ثلثمائه

ومنهم ابوالحسن المزين واسمه على بن محمد اصله من بغداد جاور بمكه ومات بهابسنه ثمان و عشرين وثلثمائه

ومنهم : الكتانى و هو محمدبن على بن جعفرالكتانى امام بمكه ومات بهسا بسنه اثنين وعشرين وثلثمائه وكنيته ابوبكر

ومنهم : النهرجورى و هو ابويعقوب اسحق بن محمد امام بمكه و مات بها سنه ثلاثين و ثلثمائه

ومنهم : ابوالخيربن منار من مشايخ مصر مات فى التيه

ومنهم ابو الكاتب من كبار مشايخ المصرمات بسنه ست واربعين وثلثمائه واسمه الحسين بن احمد

ومنهم:ابوبكرعبدالله بن طاهر الاهرى من مشايخ الجبل قيل مات بقرب الثلثين وثلثمائه

و منهم : القرمسى من مشايخ الجبل مات فى سنه ثلاثين وثلثمائه

ومنهم : ابوالحسين على بن هندالفارسى من كبار مشايخ الفرس

ومنهم : ابواسحق بن شيبان القرميسنى

ومنهم : الحسين بن على مردمن اهل ارمنه مات فى الصفر سنه ثلاث وثلاثين وثلثمائه

ومنهم : محمدبن احمد بن سالم النصرى و كنيته ابو عبدالله

ومنهم ابرهيم بن احمدبن مشايخ الرق وكنيته ابواسحق

وسبعین وثلثمائه

ومنهم : ابوالقاسم النصرآبادی نیسابوری الاصل والمولد خرج آخر عمره الی مکه سنه ست وستین وثلثمائه واسمه ابرهیم بن محمد .

ومنهم : بندار بن الحسین من اهل شیراز مات بسنه ثلث وخمسین و ثلثمائه و کنیته ابوالحسین

ومنهم : الحضیری وهو ابوالحسن علی بن ابرهیم بصری الاصل مات ببغداد یوم الجمعة ذی الحجه سنه احدی وسبعین وثلثمائه

ومنهم : ابوبکر الطمستانی الفارسی ورد نیسابور ومات بها بعد سنه اربعین وثلثمائه

ومنهم : ابوعبدالله البروغندی واسمه محمد بن محمد بن الحسن من مشایخ مات بعد الخمسین وثلثمائه

ومنهم : ابوالعباس الدینوری مات بسمرقند بعد الاربعین وثلثمائه واسمه محمد بن احمد بن محمد

ومنهم : محمد بن احمد و کنیته ابوبکر مات قبل الستین وثلثمائه وهو من مشایخ نیسابور

ومنهم : ابوعبداله الروذباری واسمه احمن عطا بن احمد مات سنه تسع وستین وثلثمائه

ومنهم : ابوالحسن بن علی بن بندار الحسین الصوفی من مشایخ نیسابور مات بسنه تسع وخمسین وثلثمائه

ومنهم : ابوعبدالله وابوالقاسم ابناء احمد بن محمد المقری فاما ابوعبدالله مات بسنه ست وثلثمائه واما ابوالقاسم مات بنسابور بسنه ثمان وسبعین وثلثمائه

ومنهم : محمد بن احمد بن حمدون الفرا من کبار مشایخ نیسابور مات سنه سبعین وثلثمائه

ومنهم : محمد بن عبدالخالق الدینوری مات بها کنیته ابوعبدالله

ومنهم : ابوعبدالله محمد بن محمد الواسی

پایان

الف

ب

ح

د

س

ش

ط

ع

ف

ق

ل

م

ی